

نشریه سوئیک ویسا کیمیه مرکزی خرب توده ایران

ویسا

۳
سال سوم

بنیادگذار دکتر تقی ارانی

دُنیا

دراین شماره:

صفحه

۳	انقلاب اکبر و جنبش رهائی بخش میهن ما
۱۳	فروش کارخانه های د ولتی بزیان رشد اقتصادی ایران است
۲۰	قانون اساسی و سلطنت پهلوی
۳۰	نفت ما و آینده کشور - شایع و ذخائر نفتی ایران و وضع فعلی صنایع نفت
۴۹	درباره میر تفکر فلسفی در ایران
۶۰	شغال بیشة مازندران یا وصیت نامه
۷۴	ایلات فارس نوشتہ م.م. ایوانف
۷۹	شهرها و خانم

ارگان شهربان و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
هر سه ماه یکبار تحت نظر هیئت تحریریه منتشر میشود.

د ۷۸ د و م

سال سوم

شماره سوم

۱۳۴۱ پائیز سال

انقلاب اکتبر

و جنبش رهائی بخش میهن ما

بدون تردید انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر روسیه بزرگترین حادثه اجتماعی تاریخ بشری است. این حقیقتی است که امروز کمتر کسی در دنیا میتواند آنرا انکار کند.

درست است که بطور لاآوسطه انقلاب اکتبر اجتماع روسیه را در گرگون کرد و ران سوزین زنم نوینی راجانشین رئیم کهنه ساخت و بساط رژیم را که پایه ها پیش بر پرده نشی فرد از فرد استوار بود برآورد اخت، ولی این بات معنی نیست که انقلاب اکتبریک واقعه داخلی روسیه است. انقلاب اکتبریک حادثه جهانی است با این علت که از همان آغاز، مجموعه زندگی سیاسی و اجتماعی سراسر جهان را تحت تأثیر خود قرار داد و این تأثیر هر روز عمیق تر وهمه جانبه ترکد.

اهمیت وظیمت انقلاب اکتبر تنها محدود به پیروزیهای انقلاب رکشور روسیه نیست، بلکه در این است که با پیروزی انقلاب اکتبر عصر نوینی در جهان بشرت آغاز ویا به کذاری شد.

انقلاب اکتبر پیروزی خود روسیه منگر نیزمند و شکست نان بی پیوچید آورد و پرفرازان پرچم پرشکوه آزادی بشیریت ارجح و ستم، پرچم پیروزی عالیتین آرمانهای بشیری را با هزار دارند.

اکنون که بشیریت متفرقی در سراسر جهان چهل و پنجمین سالگرد این واقعه ظیمه تاریخی را جشن میگیرد اهمیت وعظت جهانی و تاریخی انقلاب اکتبر را نشان دارد که روزنده سیاسی و اجتماع سراسر جهان روشن است و پرتو شعل در خشانی که بالانقلاب اکتبر افزوده شد به تاریک ترین کوشش های جنگل های افیقا و جنوب امریکارسید و حتی پیامبران آن به کره ماه رفت و بسوی مریخ در پروازاند.

برای خلق های محروم کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره که زیر یوغ رفت با استعمار امپریالیسم دست و پامیزدند، انقلاب اکتبر عصر نوینی را بینان نهاد. شلیک توپهای کشتی آور را سرود ازادی و بیداری این خلق باید و آران روز تا کنون این سرود هر روز بشترینینی بی اند ازد و هر لحظه نوای آن گروههای جدیدی از محرومین را بیدار میکند و راه ازادی رهائی ازبردگی را به انان نشان میدهد.

اهمیت تاریخی انقلاب اکتبر در سرنوشت خلق های محروم کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره هنگامی برای ماروشن میشود که تابلوی روشنی ازوضجهان را قبل از انقلاب اکتبر در مقابل چشم خود قرار دهد.

وضع جهان قبل از انقلاب اکتبر

جزیان تبدیل کشورهای ضعیف جهان به مستعمره و یا نیمه مستعمره توسط کشورهای نیرومند صنعتی که از چند قرن پیش آغاز شده بود را اوخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیست خاتمه یافت. در این تاریخ در دنیا ناشوری وجود نداشت که بصورت مستعمره و یا نیمه مستعمره کشورهای منعکسی در نیاده باشد. قسمتی از عظیمی از جهان بصورت مستعمرات کامل در آمد بودند وان سلسه کشورهای آسیا و امریکای جنوبی که هنوز دارای استقلال ظاهری بودند با هزاران بند تحت سلط اقتصادی و سیاسی یک یا چند قدرت امپریالیستی درآمد و علی رغم تلاش خلق های شان در راه تبدیل به مستعمره کامل بودند.

نموده باز این کشورهای مایه ایان بود. جزیان تبدیل ایران بیک کشور نیمه مستعمره که از اوایل قرن نوزدهم آغاز شده بود در اوایل قرن بیست خاتمه یافت و کشور ماتبدیل به منطقه نفوذ د و قدرت امپریالیستی بزرگ انگلستان و روسیه تزاری گردید.

انقلاب مشروطیت که ظاهر عظیمی از تلاش خلق های ایران برای ازادی از یوغ استعمار و بردگی بود بر اثر مسامعی نیروهای متحد ارتیاع ایران و حامیان امپریالیست انگلیسی و روسی اینها بهد فهای اساسی خود دست نیافت و رژیم رقت و یوغ بردگی محکمتر آزد شده بر خلق های میهن ماتحمیل شد.

قرارداد ۱۹۰۷ بین انگلستان و روسیه تزاری در حقیقت بمنزله موافقت اینها به تقسیم کشورهای این

د و قدرت امپریالیستی بشمار میرفت. کشور عظیم چین از طرف امپریالیست های غارتگر مورد حمله قرار گرفته بود. تمام منابع عظیم ثروت آن از طرف انسا با خارت میرفت. ولی تقسیم دنیا به مستعمرات و مناطق نفوذ بین امپریالیستها تقاضات آنان رانه تهات خفیف نمیداد بلکه موجب شدید آن هامیکرد. دولتهای استعماری قدیم سهم بزرگی از این خوان پخته برده بودند و برای قدرت های تازه بد وران رسیده سه م ناچیز تری ماند. بود. درنتیجه رشد ناروزن سرمایه داری در کشورهای مختلف در رکن قدر رتهای قدیمی استعماری در صحنۀ جهان قدر رتهای صنعتی امپریالیستی نیرومندی مانند آلمان و راپن بوجود آمدند که با تقسیم موجود مستعمرات و مناطق نفوذ مخالف و خواستار تجدید نظر را بین تقسیم بودند.

جنگ اول بین المللی محصول شدید این تقاضات امپریالیستی بود. بد ون ترید اگرچنگ جهانی اول در چهار جوب تعلیمات امپریالیستی یعنی با پیروزی این یا آن گروه امپریالیستی تمام میشد و وضع موجود مستعمرات با تغییری دارین یا آن جهت حفظ میگردید، در این یا آن مستعمره بجا اریاب قدیمی اریاب جدید راه میافتد و مناطق نفوذ از این دست بان دست میافتاد و در این سیستم مستعمراتی تغییرات اساسی در درونهای نزدیک ها فائز نمیگرفت و انقلاب های ملی هنوز براید وران طولانی مانند انقلاب مشروطیت ایران (۱۹۰۷-۱۹۰۶) و انقلاب چین (۱۹۱۱) و هماجنبش انقلابی دیگر بدن موقوفیت نهایی بوسیله نیروهای امپریالیستی سرکوب میگردید.

انقلاب اکتبر

ولی جنگ جهانی اول در چهار جوب منابع عمومی امپریالیسم خاتمه نیافت. بحران عمومی سیستم سرمایه داری که قدماً ان قبل از جنگ جهانی اول تکوین میباشد با جنگ جهانی اول و پیروزی انقلاب کبیر اکتبر اغاگردید. پیروزی انقلاب اکتبر نقطعه عطفه رتاریخ بشریت بوجود آورد. با پیروزی انقلاب اکتبر تسلیم اجتماع بشری در جاده توپی اند اخته شد، عصر زوال سیستم سرمایه داری، عصر انقلاب های سوسیالیستی و بیرون جامعه بشری از سرمایه داری به سوییں ایسیم و کوئیم اغاگردید.

انقلاب اکتبر عصراز هم پاشید کی سیستم مستعمراتی امپریالیسم، عصر انقلاب های رهائی بخش ملی واژادی خلق های محروم از پوغ استعمار و بندگی را بانهاد. انقلاب اکتبر از همان آغاز شروع شد و مانند مشعلی فروزان بجراغ راهنمای خلق های محروم کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره مدل کرد.

با پیروزی انقلاب اکتبر ضریعه علاج ناپدیری به پیکر سیستم مستعمراتی امپریالیسم وارد امد و اکنون که چهل و پنج سال از زمان شعله ورشدن آتش انقلاب یکنگرد شد و عمق این ضریعه بخوبی دیده میشود.

انقلاب اکتبر جنبش های رهائی بخش ملی را در سراسر جهان تحت تأثیر عیار عیق و همه جانبه خود قرار داد و محصول آن یعنی نخستین کشور سوسیالیستی جهان از همان روزهای اول موجود بیت خود بصورت عامل مؤثر و نیرومندی در پشتیانی فکری و عملی از این جنبش هادراد. در وران غارت و چیاپا بی درد سر مستعمرات و مناطق نزونه برابر امپریالیسم سپری کشت و جنبش های مقاومت ملی در اکتنر نقاط جهان تحت تأثیر عیار مقتیم انقلاب اکتبر و نشواحد شوروی در وران اوج خود را اغاز ندید. یکی از منوه های بارز تا نیز انقلاب اکتبر در سریوشت خلق های محروم مین عزیز ماست.

در جریان جنگ اول جهانی امپریالیستهای انگلیسی و روسی کشورهای اشغال دند و باین اشغال جریان تبدیل تدریجی کشورهای مستعمره باز هم شدید گردید. پس از پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه، در وران که کشورهای اسکرگم جنگ های داخلی بود اینکلیسیها از این موقعیت استفاده کردند و بامید اینکه انقلاب سوسیالیستی اکتبر موفق به تحکیم مواضع خود شدند و با شکست روسی خواهد شد و حکومت ارتقاء ایند ه روسیه هم دیگر ارای قدرت سابق نخواهد بود، برای اجرای هدف دیرین خود یعنی تبدیل کامل ایران به مستعمره خود قرارداد. ۱۹۱۹ را بدست هیئت حاکمه خاکش بکشورهای تحمیل نمودند و کمتر میتوانند تردید کرد که اگر اوضاع جهان مطابق پیش بینی های امپریالیستها تحول میباشد کشورهای باحتلال قوی بصورت مستعمره کامل و یا تحت الحکم اینکلیس ها در راهند بود.

ولی انقلاب اکتبر پیروز نشد، داخله گران امپریالیست از روسیه بیرون راندند و ارتقاء داخلي سرکوب گردید و پایه های حکم کشور سوسیالیستی شوروی بانهاده شد. اوین تأثیر مستقیم نجات بخش انقلاب اکتبر در روسیه بود.

روسیه شوروی کلیه قراردادهای نامتساوی تحمل شده از طرف دوست تزاری به ایران را باطل اعلام کرد، حکومت انقلابی از کلیه امتیازات دوست تزاری در ایران صرف نظر نمود و قروض سنگین دوست ایران را به دوست روسیه تزاری که وسیله برقراری تسلط و نفوذ امپریالیسم تزاری بر میهن مابود به خلق های ایران بخشید. این رشته اقدامات بزرگ دوست شوروی در پیداری افکار عمومی مردم ایران و شناساند ن ما هیئت تجاوز کارو غارتگر امپریالیسم تا عیوب عمیق بخشید.

تحت تأثیر مستقیم پیروزی انقلاب اکثر جنبش های بخش ملی دوست ایران مراجعت کرد ۱۹۲۰ در سال های ۱۹۲۱-۱۹۲۰ در غالب نقاط ایران مبارزات بود امنه ضد امپریالیستی دوست مکراتیک بوقوع پیوست و بخصوص در قصتهای مهمی از تواحی شمالی ایران جنبش، اعتلای قابل توجهی یافت.

در از ری ایجان جنبش دوست امپریالیستی ملی زیرهبری شیخ محمد خیابانی بسط یافت و به موقفیت های جدی نائل گردید.

در گیلان جنبش دوست مکراتیک ضد امپریالیستی جنگل که جناح انقلابی ان راحید رعما و غلی مبارز شایسته راه طبقه کارگر هبری میگرد، گسترش یافت.

در خراسان جنبش ملی ضد امپریالیستی برهبری میهن پرست عالیقد رکنل محمد تقی خان اوج گرفت.

کلیه این جنبش ها و بظاهر کلی تمام مبارزات دوست امپریالیستی مالهای بعد از جنگ جهانی اول در ایران بطور محسوس و روشن ازانقلاب کبیر اکابر و پیروزی ایان در روسیه الهام میگرفتند. خبر پیروزی انقلاب اکثر که نتیجه مستقیم دوست رهم شکسته شدن امپریالیسم تزاری در روسیه بود، برای خلقهای ایران که از دهه ایالات باین طرف زیر چنگال این امپریالیسم و امپریالیسم اینسلستان دست و پا میزد ندینزله سرود آزادی بود و تحت تأثیر ایان شورانقلابی در نیروهای میهن پرست و ازاد بخواه اوج مسابقه ای پید اکرد.

جنگش ایلانقلابی مالهای ۱۹۲۱-۱۹۲۰ ایران اگرچه از لحاظ کیفی عمق تقویت آگاهانه تراز انقلاب مشروطیت بود ولی تا شفافه بعلت نارسانی نیروهای انقلابی نتوانست به پیروزی نائل آید.

ولی با وجود یکه جنبش ایلانقلابی شکست خورد مذکول این جنبش و تأثیر عمیق آن در روحیات مردم وجود اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در همسایگی شمال ایران با سیاست و مسئنانه و مراد رانه ای که این کشور ایمان ابتدایی موجود بست خود نسبت به خلق های میهن ما ابرازد است، امپریالیسم اینکلیسا مجبور ساخت که از مواضعی که تا ۱۹۱۹ پیش امده بود میزان قابل توجهی عقب نشینی نماید.

امپریالیست های انگلیسی برای اجتناب از خط انفارجارهای احتمالی بیشتری که ممکن بود اصرار اینهاد رنگهداری قرارداد اسلامت آور ۱۹۱۹ بوجود آورد به عقب نشینی دست زدند. تن دادن امپریالیست-

های انگلیسی به لغو قرارداد ۱۹۱۹ یک پیروزی بزرگ ملی ایران بود و این پیروزی در شرایط آنروز جهانی تنهاد رسانی پیروزی انقلاب اکثر روسیه و تأثیر جات بخش آن در زندگی سیاسی میهن ما امکان پذیر بود. تأثیر عمیق مستقیم انقلاب اکثر در تقویت شورانقلابی نیروهای ضد امپریالیستی تنهاد رایان نبود. تأثیر انقلاب اکثریت بکشورهای مجاور زیک روسیه مانند ترکیه، چین، افغانستان، هند و سرتان محدود نگردید. انقلاب اکثریت رسماً سرچشید رکشورهای مستعمره و نیمه مستعمره تأثیر عمیق خود را باقی گذاشت. جنبش ملی ضد امپریالیستی ترکیه که کمال اتاتورک در راه آن قرار داشت، تحت تأثیر عمیق انقلاب روسیه بسط و تکامل یافت. نهضت چهارم ۱۹۱۹ چین که طلا پیه در وان نوین انقلاب چین بود عمیقاً تحت تأثیر انقلاب اکثر قرار داشت. در هند و سرتان و مصر و ده ای از کشورهای امریکای جنوبی مبارزات وسیع ضد امپریالیستی دوست مکراتیک بسط یافت.

دوان نوین انقلاب بهای رهایی بخش ملی تأثیر ایلانقلاب اکثر راجه های رهایی بخش ملی نباید تنها از جهت کمی دوست رنگر گفت. بلکه جهت عدد آن تغییر کیفی است که با انقلاب اکثر رمحتوی انقلابهای نجات بخش ملی بوجود آمد است. با انقلاب اکثر دوست ایلانقلابهای نجات بخش ملی تیپ کهنه سرسی دوست نوین انقلابهای نجات بخش ملی تیپ نوین آغازگردید. قبل ایلانقلاب اکثر محتوی کلیه ایلانقلابهای نجات بخش ملی محتوی هر رهایی و بسروزا-

د مکراتیک کهنه بود باین معنی که بفرض پیروزی کامل آن تغییر اساسی که در جامعه رخ میداد تبدیل میشود ای و نیمه فعدالی به مناسبات سرمایه داری میتوانست باشد.

این انقلابها تحت رهبری بورژوازی انجام میگرفتند و چهارچوب عمل انساً محدود و مفاسع سرمایه - داری بود و در آن شرایط هیچگونه دورنمای عملی برای خارج ساختن انقلاب ازین چهارچوب وجود نداشت. ولی با پیروزی انقلاب اکبری عینی پیروزی انقلاب سوسیالیستی بر همراهی طبقه کارگر دکشور روسیه رئیس سرمایه داری پیروزی کرد و شد و بجای آن پایه های رژیم سوسیالیسم برپا گردید.

در قسمتهای عظیم مستعملات روسیه در خلق های محروم هنوز رشایط قبل از سرمایه داری بسر میبردند راه تکامل غیر سرمایه داری، راه تکامل سوسیالیستی باز شد. تحت شرایط جدیدی که با پیروزی انقلاب اکبری وجود دارد این خلقها امکان یافتن استقماً و بد ون عبور از وران بود و نه تنگ تکامل سرمایه داری ساختمن پایه های سوسیالیسم را اغتنمید.

این تحول تاریخی عظیم در داخل روسیه مخصوص بود و نیمه مستعمره باشد. این راهی بود که بالقوه در مقابل تمام خلقها محروم کشورهای مستعمره نیمه مستعمره بازیشد، راهی که هر روز بانی و مدنده اتحاد شوروی و بعد از آن ارد و کاه سوسیالیسم و افزایش مد اوم قدرت آن هموارتر و مانترگردیده و میگردد.

برای اولین بار در تاریخ، خلق کشور عقب افتاده ای مانند مغولستان خارجی، خلقی که در شرایط بسیار عقب افتاده تسلط سیستم فعدالی و ماقبل فعدالی زندگی میگردید، با استفاده از شرایط مساعدی که پیروزی انقلاب اکبری برایش بوجود آورد این امکان با القوه را باعثیت تبدیل گردید و دکشور خود انقلابی این جامد از توزع انقلاب طراز نبود، انقلابی که راه رانه برای شد مناسبات سرمایه داری بلکه برای ساختمان سوسیالیسم بازیگرد.

با این ترتیب با پیروزی انقلاب اکبری هدف و محتوی و آرایش نیروها در انقلابهای رهائی بخش ملی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره تغییر کیفی پیدا کرد.

اگر قبیل ازانقلاب اکبر عالیترین هدف انقلابهای ملی ریشه کن کرد نه از امپریالیسم و براندا جامعه فعدالی و نیمه فعدالی و ایجاد یک جامعه بورژوازی به بهترین شکل آن یعنی جمهوری دکشوریک بورژوازی بود، پس ازانقلاب اکبر این هدف پر مرحله عالیتری که ریشه کن کرد نه فعدالیستی، انجام کامل انقلاب دکراتیک و عبور جامعه سوسیالیستی است، ارتقا یافت.

اگر قبیل ازانقلاب اکبر محتوی ازانقلابهای ملی در هر حال انقلاب بورزاد دکراتیک طراز کهنه یعنی نظیر انقلاب های کشورهای سرمایه داری اروپا بود، پس ازانقلاب اکبر محتوی انقلابهای رهائی بخش ملی، انقلاب بورزاد دکراتیک ملی گردید.

اگر قبیل ازانقلاب اکبر ساختمان جامعه سوسیالیستی برای خلقهای محروم کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره خواب و خیالی بیش نبود و هیچگونه امکان عملی ایجاد چنین جامعه ای برای انساً وجود نداشت، پس ازانقلاب اکبر این خواب و خیال بصورت واقعیت عینی قابل دسترسی تغییریافت، واقعیتی که با تحریک روزگارون قدرت پیروزی ملک سوسیالیسم نزد یک توافق قابل دسترسی ترکدید.

قبل ازانقلاب اکبر کلیه انقلابهای رهائی بخش ملی تحت رهبری بورژوازی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره انجام میگرفت و این امر مullet ضعف میان امپریالیستی و تسلیلاتی پرولتاریای این کشورها بود. درنتیجه بعلت ضعف و سازمانکاری که از خصوصیات ذاتی بورژوازی ملی است از نظر فرق و قدرت امپریالیسم و ارتقاء داخلي از طرف دیگر این انقلابها یا با شکست روبرو شدند و با این ازدیتی بیانوی از سازش خاتمه میباشند. پس از انقلاب اکبر انقلابهای رهائی بخش ملی ازانقلاب که علیه امپریالیسم متوجه بودند درنتیجه پیروزی آنها شکست امپریالیسم امکان پذیر بمحروم جزئی ازانقلاب جهانی پرولتاریاد را دند. درنتیجه هدف و محتوی این انقلاب هاتغیر اساسی یافت و پر مرحله ای ارتقاء پیدا کرد که اصولاً از چهارچوب متفاعع عمومی بورژوازی ملی خارج بود. درنتیجه مسئله رهبری انقلاب ملی طراز نبین به تناسب شرایط جدید مطرح گردید. در شرایط کوتی انقلابهای ضد امپریالیستی و دکراتیک دکشورهای مستعمره و نیمه مستعمره تهدید رصویری میتوانند با پیروزی روبرو شوند که کلیه نیروهای دکراتیک و درجه بند واحدی متحد شوند و با

استفاده از دلیله امکانات و اشکال مبارزه دولت مکاراسی ملی را برای انجام تحول انقلابی جامعه بوجود آورده. دولت مکاراسی ملی آنچنان دولت است که به جبهه مؤتلف همه نیروهای مترقب و میهمان پرست متکی باشد و در راه تأمین کامل استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و مکاراسی عمق در جامعه یعنی انجام کامل انقلاب موذراتیک و ضد امپریالیستی مبارزه نماید.

جنین جبهه ای از کارگران و هفقاتان و زحمتکشان شهر و روشنگران و بورژوازی ملی تشکیل میگردد. ولی تنهای تشکیل این جبهه و پیروزی آن در تشکیل دلت کافی برای انجام انقلاب نیست. انقلاب د مکاراتیک ملی وقتی بطور مسلم پیروزند خواهد شد که در ان جبهه نقش رهبری بعهد طبقه کارگر باشد، زیرا تنهای آن نیروی انقلابی میتواند رهبر انقلاب گردید که بهد فوحتی انقلاب معتقد و در پیروزی کامل آن ذینفع و سایر خصوصیات لازم را برای انجام این وظیفه خطبید اشته باشد. در انقلاب د مکاراتیک ملی که هدفش انجام کامل انقلاب ضد امپریالیستی و ضد قوود الی و هموارکدن راه برای تکامل راهی بطرف سوسیالیسم است بطور طبیعی دیگر بورژوازی ملی میتواند در مقام شناخت رهبری قرار گیرد. تنهای طبقه کارگر است که میتواند انقلابهای د مکاراسی ملی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره را ادا آخر رهبری کرد و به پیروزی رساند. این اند عده ترین تأثیری است که انقلاب اکتبر رجیان انقلابهای رهایی بخش ملی بوجود آورد.

تشکل طبقه کارگر رکشورهای مستعمره و نیمه مستعمره

نتیجه طبیعی تغییرات عده که تکیه که برآثر پیروزی انقلاب اکتبر رهی د و محتوى آرایش نیووها ای انقلابی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره بوجود آمد این بود که طبقه کارگر این کشورهای بالقوه مستقرت رهبری این جنبش های رهایی بخشنارابعهد داشت مشکل شود و رهبر جایگزین نیروی مستقل با برناهه سیاسی خود در مبارزات سیاسی میهن خود کام نشد، نیروهای ضد امپریالیستی را بیرون چشم انقلاب ملی د مکاراتیک، انقلاب د مکاراسی ملی بسیج نماید و هارهبری عاقلانه انقلاب را به پیروزی رساند.

جریان تشکل سیاسی طبقه کارگر یعنی تشکیل احزاب طبقه کارگر رکشورهای مستعمره و نیمه مستعمره جریانی بود که بتوانند راه واحد در همه جا علی گردند. این جریان اکنون هم که ۴۵ سال از انقلاب اکتبر میگذرد در حال تکوین و تکامل است. از همان دوران اطی پیروزی انقلاب اکبر این جریان به تناسب شرایط موجود در کشورهای مختلف مستعمره و نیمه مستعمره اغاز گردید. انشعاع پیروزی انقلاب اکبر نه تنها شورانقلابی، امید به پیروزی علیه جهودست را در لخلقهای محروم برآورده بدلکه تا قل پرتفوی شورهای علمی انقلاب، شورهای مارکسیسم-لنینیسم به کشورهای مستعمره گردید.

نیروی جاذبه شورهای مارکسیسم-لنینیسم نه تنها پیشگواران طبقه کارگر لکه قشرقابل توجه از روشنگران انقلابی و مبارز ترین عناصر سایر طبقات ضد امپریالیستی را بسوی خود جلب کرد. انقلاب اکبر نشان داد که طبقه کارگر تنهای صوتیکه به شورهای انقلابی یعنی به مارکسیسم-لنینیسم مجهز شد میتواند نقش شاخن خود را در جریان جنبش ملی ایفا کند و راه دست تکامل انقلاب را در رهران شرایط بیابد. شورهای انقلابی قطب نمای طبقه کارگر راه د شوارو پر پیچ و خم مبارزات اجتماعی است. کشور ایران یکی از کشورهایی است که خلیلی زود این تأثیر انقلاب اکتبر روزندی و میسرانه آن منعکر گردید. حزب کمونیست ایران در ماه ژوئن ۱۹۲۰ برابا یه گروههای مارکسیست که در رسانهای قبل تحقیق تأثیر چنان اند رجیان تشکل طبیه کارگر و مجهز شدن آن به شورهای مارکسیسته (بلشویکها) بوجود آمد و بودند تا سیس گردید و فعالانه در رجیان تشکل طبیه کارگر و مجهز شدن آن به شورهای مارکسیسته (بلشویکها) ۱۹۲۱ او ۱۹۲۰ شرکت نمود. در کشورهای دیگر نیز جریان تشکل طبیه کارگر و مجهز شدن آن به شورهای انقلابی یعنی تشکیل احزاب طراز تونی طبقه کارگریه تناسب شرایط اجتماعی دیریا زد علی گردید. امروزه ۴۵ سال از انقلاب اکتبر میگذرد تقریباً در ۹۰ کشورهای احزاب کمونیستی و کارگری طراز تونی وجود آمد که بیش از ۴۵ میلیون نفر مبارز راه طبقه کارگر را صفو خود مشکل ساخته اند و هر روز قدرت و نفوذ آن افزایش میابد.

پس از انقلاب اکبر هیچ جنبش انقلابی را در جهان نمیتوان یافت که بطور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر باز پیروزی انقلاب اکبر قرار نداشته و ازان الہام نزد فته باشد.

پس از انقلاب اکبر با وجود یکه امپرالیسم موفق شد خود را از برابر اولیه شدیدی ده برادر اغاز بحران عمومی سرمایه داری عارضش گردید به بود خلاص نماید و وضع خود را بطور موقت تثیت بخشد، با وجود یکه با تمام قوا کوشید از یک طرف با محاصره کشور اتحاد شوروی و محدود کردن امکانات ارتباط ازا د آن با کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره و از طرف دیگر سکوب وحشتناک جنبش‌های ضد امپرالیستی و د موکراتیک د راین کشورهایان ^{میزوند} انقلاب اکبر را مدد سازد مذکور قدرت نفوذ و نیروی جذب است.

انقلاب اکبر بحدی بود که اینگونه موانع صنعتی نمیتوانست در مقابل ان سدی عبور نداشته برا یاجاد کند.

آنچه جنبش‌های انقلابی در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره درینجا و انجاشعله میگرفت.

در چین در سال ۱۹۲۴ تحت تأثیر عمیق انقلاب اکبر جنبش رهائی بخش ملی با شرکت مؤثر و عمیق و رهبری عملی حزب کمونیست اغاز شد در سالهای ۱۹۲۴-۱۹۲۷ پیروزی ملی از انقلاب بصورت مبارزات مسلح نیروهای اقلابی تا ازادی کامل چین در سال ۱۹۴۹ ادامه یافت.

در بریزیل در سال ۱۹۲۵ قیام تاریخی انقلابیون ان کشور علیه امپرالیسم امریکا شعله فر شد و سراسر آن کشور پنهان را تحت تأثیر بخورد قرارداد.

قیام مردم سوئیس در سال ۱۹۲۵، قیام خلق د ران و نزی در سالهای ۱۹۲۶-۱۹۲۷، مبارزات وسیع ضد امپرالیستی در کشورهای دیگر مستعمره و نیمه مستعمره مانند هند وستان و مصر ۰۰۰ همه

پیروزی از انقلاب اکبر بحدی بود که اینگونه میگفتند.

اگرچه دران دران دهه این جنبش‌های انقلابی بعمل برتری نیروهای امپرالیسم و ارتاجاع و ضعف عمومی نیروهای انقلابی و همچنین ناتوانی رهبری انقلاب که اثر ایجاد نجف کیفی و کمی طبقه کارگر و حزب این درست عوامل بخوبی ای قرار داشت، باشکست رهبری شدند، مذکور این مبارزات نشانه‌های بارزی از این واقعیت هستند که در دران اولیه بحران عمومی سرمایه داری که با جنگ جهانی اول و انقلاب اکبر اغاز شدید تحت تأثیر عمیق از انقلاب اکبر پایه های تسلط امپرالیسم در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره هر روز متزلزل تمیکرد.

در تمام مستعمرات و کشورهای نیمه مستعمره انقلاب فکری عظیمی ریشه مید وانید و مقد ماست دروریختن سیستم مستعمراتی امپرالیسم را ادامه می‌ساخت.

سازمانهای انقلابی در اکبر کشورهای روی زمین بطور علیه و مخفی بوجود میآمدند و با وجود تور شدید مخالف ارتاجاعی و امپرالیسم، با وجود ناکامیها و شکست های مکربن بحالیت خود ادامه میدادند. ایده ها و افکار انقلاب اکبر نیزی محرکه تقریباً همکنی این سازمانهای انقلابی بود. در کشور و افغانیست کروه انقلابی دکتر رانی یکی از این نمونه هاراشتکیل میدهد. دکتر رانی و یاراشن دران شرایط دشوار تسلط رژیم پاپیسی رضاخان بالاهم از انقلاب اکبر و پیروزیها یش ساختمان بنای را که حزب کمونیست ایران آغاز کرد و بود دنبال کردند و کارکر خود پایه های دران جدیدی از ارشاد انقلاب فکری را در ایران بنانهادند.

تنافضات داخلی مجموعه سیستم امپرالیسم هر روز شدت مییافت و بحران عمومی سرمایه داری که با انقلاب اکبر اغاز شد و با پیروزیهای روزافون اتحاد شوروی و تحکیم مبانی رژیم سوسیالیستی دران کشور، با انشدید مبارزات خلقهای محروم، با تزلزلی که در رارکان امپرالیسم در کشورهای مستعمره و میشه شده هر روز شدت میگرفت، با اغاز جنگ دوم جهانی وارد مرحله د و خود نزدید.

تأثیر جنگ جهانی دوم در جنبش‌های رهائی بخش

جنگ جهانی دوم و نتایج تاریخی آن د و میت ضریه مهلهک رایم مجموعه ارد و گاه امپرالیستی وارد ساخت. مقاومت در خشان خلقهای اتحاد شوروی علیه فاشیسم تجاوز کار، تمام خلقهای جهان را به حرکت و جنبش د راورد. قشرهای وسیعی از خلقهای جهان تحت تأثیر این مقاومت در خشان و پیروزی های تاریخی ارتش شوروی سرشار از شور و شوق انقلابی بمیدان مارزه علیه فاشیسم و امپرالیسم قدم

گذاردند. در سیاری از کشورها مبارزات ملی و ضد امپریالیستی به عالیترین شکل خود یعنی مبارزه مسلح انسانه علیه نیروهای ارتقای و امپریالیسم تکامل یافته.

جزیره‌نامه سیاسی سالهای ۱۳۲۰-۱۳۲۵ د رایان نموده بارزی از تأثیرشده بحران عمومی سرمایه داری و جنگ جهانی د و پیروزیهای اتحاد شوروی را می‌شد. تأثیر حزب توده ایران که اد امد هند حزب کمونیست ایران و فعالیت انقلابی گروه د کارانی بود حادثه مهمی د تاریخ جنبش انقلابی ایران بحساب می‌اید.

جنگش د موکراتیک و ملی د کشورها مقاومت در خشان اتحاد شوروی جان گرفت و قد مقدام با پیروزیهای ای ان رشد و توسعه یافت. این جنبش که دران تحت رهبری حزب توده ایران نیروهای وسیعی از لشکری ای ایران در شمال و جنوب، در شرق و غرب، حتی در عقب افتاده ترین دهات کرمان و قفارس و خراسان بمرصاد مبارزه قد م نهادند، در سالهای ۱۳۲۴-۱۳۲۲ با سرعت بی سابقه ای رشد یافت و با جنبش مسلح ضد امپریالیستی و د موکراتیک د راز را یagan و کردستان به اوج خود رسید.

اما ناید این نظر تصور کرد که گوایاچ جنبش ضد امپریالیستی سالهای ۱۳۲۰-۱۳۲۵ د رایان تنها معلول عوامل خارجی و شرایط ساده ای است که این عوامل در رایان وجود اورد و بود. این نظر نارست است. مسلم است که در این سرخ د رایان، عامل تعیین کننده در فروختن یکاتوری رضاخان بود و نقش مهمی د تسهیل مبارزات د موکراتیک و ضد امپریالیستی داشته است ولی اوج بارزات د موکراتیک در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره واژ انجمله د رایان در روان جنگ جهانی د و سالهای پلاواسطه بعد ازان در در رجه اول معلول رشد تناقضات د اخلی اجتماعی و ضعف عمومی سیستم امپریالیسم و محافل ارتقای و باسته بان دراین کشورها است.

در سالهای اول بعد از جنگ تک تاثیر مستقیم پیروزی تاریخی اتحاد شوروی علیه فاشیسم که برتری سیستم سوسیالیستی را بر سیستم سرمایه داری بطوری از جنگش های ضد امپریالیستی و د موکراتیک در سیاری از کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره اوج می‌سایقه ای گرفت و تمام سیستم مستحمراتی امپریالیسم د چارتزلیل بی سابقه ای گردید. اگرین از انقلاب کبیر اکتبر مرحله اولی بحران عمومی سرمایه داری که در پایه های تسلط استعماری داد منجز خواهد بود و نفرت انگیزیگردید در مرحله د د پیروزی این جنگ از این جنگ ای امپریالیستی دوم جهانی آغاز شد بحران سیستم مستعمراتی منجز پاره شدن زنجیر اسرا ر است استعماری در ریک رشته از کشورهای جهان گردید.

با خاتمه جنگ، سوسیالیسم از حد و دیگر کشورها خارج گردید و با پیروزی انقلاب های د موکراسی توده ای در ریک مسلسله از کشورها سوسیالیسم به سیستم جهانی مدل گردید وارد و کاه سوسیالیستی بوجود آمد. و باین ترتیب هم قوه جاذب به سوسیالیسم وهم امکانات عملی که به جنبش های ملی و ضد امپریالیستی بینان بسایقه ای رشد کرد - چیزی که در سرنوشت اینده و راه تکامل این جنبش ها تاثیر فوق العاده جدی و معیق داشت. تقریباً در تمام کشورهای محروم موج نفرت و اعتراف علیه امپریالیسم بلند شد و به تناوب شدت خود امپریالیسم و ارتقای را وارد ایره عقب نشینیهای نمود.

بزرگترین موقعیت این دروان نصب خلق کبیر چین گردید. نیروهای انقلابی چین با آموزشی که از انقلاب اکتبر گرفته بودند و با اند ارکی که طی ۳۰ سال مبارزه انقلابی دیده بودند با استفاده از شرایط مساعد که پیروزی اتحاد شوروی در جنگ شد فاشیستی بوجود اورد و بود، موفق شدند کشورهای چین را از جنگ اسلام را امپریالیستی و ارتقای پوشیده چین نجات بخشند و در راه تکامل سوسیالیستی بینند ازند.

پیروزی انقلاب چین که خود محصل پیروزی انقلاب اکتبر و تحکیم ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی است بنده خود تاثیر عظیمی در رشد نیروهای انقلابی سایر کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره کرد و این تاثیر با پیروزیهای ساختمان سوسیالیسم و تغییر سریع سیما کهنه و فرسوده ظاهراً نیمه قنود الی و نیمه مستعمره چین به سیما چین نوین، چین شکوفان و صنعتی هر روز عصیت میگردد.

مقایسه جریان انقلاب چین با جنگهای انقلابی اسپانیا میزان تاثیر وجود اتحاد شوروی پیروزیهای اهود را یجاد شرایط مناسب برای پیروزی انقلاب چین بخوبی روشن می‌سازد. اکد رسالهای قبل از جنگ جهانی دوم امپریالیستها امکان ازrad استند که قسمتی از اه سیاست باصطلاح "عد مداخله" خود مانع کمک همه جانبه نیروهای انقلابی سایر کشورهای نیروهای انقلابی اسپانیا شوند و بدینوسیله راه مداخله مستقیم امپریالیستها ای المانی ای ارتقای هارا اسپانیا هموار سازند، در جریان انقلاب چین،

انقلابی که پیروزیش برای امپریالیستها چندین بار گران‌تر و سخت‌گیر ترازا سپاهیتام می‌شد، امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی با وجود پیروزی در جنگی جرئت اثرا نکردند که با بد اخلاقه مستقیم خود از سقوط دست نشاندگان و چاکران خود را رچین جلوگیری کنند و یا الاقل اثرا باختیراند ازند.

این ان تحول عظیمی است که بر اثر پیروزی اتحاد شهروند رجیک ضد فاشیستی در تناسب نیروهای جهانی سود جنبش‌های انقلابی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره بوجود آمد و بسیاری از شواریه‌های اسراراه پیروزی این جنبش‌ها، پیروزی که حتی قبل از جنگ دوم خواب و خیال بود و رسپتیرین شرایط در درونی از نزد یک قرار نمیگرفت، بر طرف می‌اختشد.

پیروزی جنبش‌ها ای انقلابی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره تنها منحصر به چین بنتد. در سالهای بعد از جنگ اوج مبارزات رهایی بخشید راین کشورها امپریالیسم را در چاره‌حشت و هرما نمود.

امپریالیستها ضمن ادامه سیاست قد می‌خود یعنی سرکوب بیرون‌حاطه جنبش‌های انقلابی باین حقیقت بی‌پرس ند که این سیاست دینگ در شرایط جدید جهانی قدرت شکست ناند پر گذشتۀ خود را ازدست داده است و تنهاد رمواردی بعنوان داروی موقت متواند مورد استفاده قرار نماید. آنها متوجه شده‌اند که حفظ شرایط قد می‌استعمازد و انجام یک رشته رفمها و عقب تشییعی هادر شرایط جدید جهانی موجبات تشدید حالت انفرادی را در مستعمرات و کشورهای وابسته تقویت می‌کند و خطر رهم فرو ریختن کاخ سلطنه امپریالیستی را تسریع می‌کند. بهمین جهت اینها سیاست مازن و عقب نشینی بمنظور حفظ مواضع عده را موافی روش‌های کهنه‌استعماری پکاراند اختند. ولی این روش بود یانه هم موفق بچلوگیری از رشد جنبش‌های رهایی بخش نگردید. علیرغم این دلایل در سیاری ای کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره به تناسب قدرت نیروهای انقلابی و کاهی تده‌های وسیع خلق پیروزیهای بزرگ و کوچک نصیب این جنبش‌ها گردید. مبارزات مسلحۀ خلق‌های اندونزی، برمه، هند و چین، مالزی به موفقیت‌های بزرگی نائل امدادند. خلق‌های هند وستان موفق شدند اندگستان را واد ارمه عقب تشییعی نمایند.

اوج مجدد جنبش‌هایی بخش ملی ایران در سالهای ۱۳۲۹-۱۳۳۲ تحت تاثیر عمیق تحولات جهانی - موقیت اتحاد شهروی در ایام خرابیهای حاصله از جنگ و شکست انصمار اسلامه اتمی امریکا، تزلزل همه جانبه و تشدید تناقضات داخلی سیستم امپریالیستی، پیروزی تاریخی انقلاب چین و سایر پیروزیهای جنبش‌های ملی در جهان قرار داشت و بنویه‌خود تاثیر عمیقی در دنیا باقی گذاشت. مبارزه خلق‌های ایران برای ملی کرد ن نفت که در حقیقت مبارزه برای تأمین استقلال واقعی و قطبخونه امپریالیسم از نیات سیاسی و اقتصادی کشور مابود با استفاده از شرایط مساعدی که در تعادل نیروهای جهانی بسود نیروهایی دوست خلق‌های محروم یعنی ارد و گاه سوسیالیسم و پیش‌زد شمن یعنی امپریالیسم بوجود آمد بود به موفقیت‌های عظیمی ناکل امداد. اینکه امپریالیستهای انگلیسی و دوستان امریکائیان حتی در موقعی که سخت ترین ضربات به اینها اورد شد؛ صنایع نفت ملی شد، دارشناسان و جاسوسان اینها خارج شدند، سفارتخانه شان تعطیل گردید نتوانستند از شیوه‌های دیرین وارد کردند ارتض و سرکوب جنبش ملی استفاده کنند، تنها به علت وجود کشور اتحاد شهروی سوسیالیستی در سرحدات ایران و قدرت ارد و گاه سوسیالیسم در جهان بود.

متاًعفانه جنبش نجات بخش ملی مبارزه بوجود این پیروزیهای علیهم بعلت اشتباها و اخلاقیات نتوانست از آن‌همه شرایط مساعد استفاده کند و امپریالیستها موفق شدند بدست خائنینی مانند شاه و زاهدی و دستیار انتشار دوواره برهمین ماتسلط یابند.

جنیشورهایی بخش ملی ایران در سالهای ۱۳۲۹-۱۳۲۲ با وجود انده به شکست انجامیده امیر عمیقی در مبارزات خلق‌های عرب، شمال افریقا، امریکای لاتین داشت و تجربیات مبارزات انقلابی ملت معا در سهای گران‌هایی به مبارزان سایر کشورها آموخت.

جزیران از ازدی خلق‌های مستعمره و نیمه مستعمره که با خاتمه جنگ جهانی دوم اغارت شد روز بروز توسعه می‌آید: تاکنون تغییرات عظیمه را در سیمای ایران مستعمراتی امپریالیسم بوجود اورد ه است. در سالهای بعد از جنگ بیش از ۵۰ کشور بزرگ و کوچک استقلال سیاسی بدست اورد ه اند. گرچه در عده زیادی از این کشورها استقلال سیاسی چیزی جزویش جدیدی برای ادامه تسلط استعمار نیست معدّل همین تغییراتی همیت تاریخی دارد و ضریبۀ محکمی بر پیکار استعمار است.

لیستی

در خیلی از شهرهای نیمه مستعمره که قبل از استقلال سیاسی برخورد اریدند جنبش ضد امپریا ود موکراتیک بمیزان وسیعی رشد کرد و مجموعه‌سیاست کشورات تحت تأثیر خود قرارداده است. موقیت در خشان نیووهای ملی در روزت نام و لائون نمونه های در خشان این مبارزات میباشند.

امپریالیستها چندین بار با غربکشی و حمله جدیدی را علیه ازادی ملتها اغذیه کردند و با میدانی زیر اسلحه جلو تحول تاریخ را بینند هر آزادی ملت هارا مسد و سازند ولی در هر مرور دیر بازد مجبور شدند.

تغییراتی را که در تناسب نیووهای جهانی بوجود آمد در بینند از میانش امپریالیستهای امریکائی در رکره، امپریالیستهای فرانسوی روزت نام والجزیره، امپریالیستهای فرانسوی و انگلیسی در مناطق امپریا در راه آنها میباشد را ناکی برای آنها خاتمه یافت.

امپریالیستهای با وجود یکه هنوز نست از شیوه های که خود یعنی تکیه بر نیووهای نظامی برند اشته و در هر جا که امیدی برای وقیت داشته باشد از ایجاد میباشد، معهد اداری رسیا است خود نسبت بکشورهای مستعمره و نیمه مستعمره مدندهای جدیدی را با کاربری میسرند و برای استیلای شوم مستعمراتی خود جامه های نوینی دوخته اند. ولی بد و نه تردید این تاکتیک جدید هم موقع بجلوگیری از اضطرال سیستم مستعمراتی، از ریشه کن شد ن نفوذ امپریالیسم در کشورهای غصب افغانستان خواهد شد.

خلقهای جهان روز بروز بید ارمیشوند و احتمام باز این تاکتیک های فریند امپریالیستهای را در رک میکنند و در راه تامین استقلال میباشد.

در مقابل انقلاب عنایم فکری که در تمام جهان مستعمراتی در حال رشد و توسعه است و بطورهای اول و روزافزون از اردو و کاک سوسیالیسم نیرویگیر این توطئه های مکارائی امپریالیسم تاب مقاومت خواهد داشت. مبارزات خلقهای امریکای لاتین علیه امپریالیسم امریکا، مقدرت رترین و "خش شاهر ترین" امپریالیستهای بهترین شاهد این واقعیت است. خلقهای امریکای لاتین تحت تاثیر تشدید تناقضات داخلی اجتماع خود و تحت تاثیرهای مین از علیم جابرانه میباشد تا پیشتر خود تناقضات اد اخلي اجتماع خود میکنند و برای ریشه کن ساختن نفوذ آن قد مرد اندک میفرزند. پیروزی تاریخی خلق قهرمان کهای که طالیه دار این مبارزه عنایم امریکای لاتین است صحنه در خشان جدیدی در تاریخ مبارزات ملی ود موکراتیک خلقهای محروم بازدیده است.

شرایط ساعد کنونی برای شد جنبش های رهایی پیش می

اکنون مادر محله سوم بحران عمومی سرمایه داری بسیاریم. در این مرحله تأثیرپذیری انقلاب کبیر اکنون رجیان از ارادی خلقهای محروم کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره بیش از پیش عمیق وهمه جانبه گردیده است. در این مرحله برتری نیووهای سوسیالیسم بر امپریالیسم در مقیاس جهانی در نتیجه اعتدالی بی سابقه وسیع اقتصاد و فرهنگ مجموعه ارد و ناه سوسیالیسم مسلم نردیده و این برتری هر روز سیود ارد و ناه سوسیالیستی ترمیزد. پیروزی سوسیالیسم در مقیاس جهانی بطورقطع و برای همیشه مسلم نردیده است. در این مرحله سیستم مستعمراتی امپریالیسم بظاید ون بازگشت در هم شکسته میشود و هر روز یکی از ستونهای ان فرمودیزد.

در این دههان جموعه سیاست وايد گلوری امپریالیسم د چار بحران گردیده و واهیت واقعی ای برای اکثریت عنایم مردم جهان فاش گردیده است.

در این مرحله حفظ صلح جهانی علیرغم دسائی مخالف جنک طلب امپریالیستی بواقعیت امکان پذیری مدل گشته است.

در این دههان امکانات وسیعی برای کمک های مادی از طرف ارد و کاک سوسیالیسم بخلق های کشورهای آزاد شده و آزاد شونده بوجود آمده است. این عامل هم اکنون تأثیر علیه د رسانوشت این خلقها و در تقویت جنبش رهایی پیش میبخشد و تتابع آن هر روز حسوس تر ها اهمیت ترمیزد. جموعه این عوامل برای جنبش های رهایی پیش ملی خلقهای که زیرسلطه امپریالیستها قرار ازند امکانات مساعد بسیاری بوجود آمده است. در چنین شرایطی است که خلق قهرمان کهای میتواند در قلب امپریالیستها تجاوز کار امریکای از ارادی خود را بدست ای و علیغ تم قمارهای سیاسی و اقتصادی مجموعه ارد و کاک امپریالیستی از انتثیبت کند، با این حمایت ارد و کاک سوسیالیسم از تجاوزات مستقیم نظامی امپریالیستهای

مصنون بماند و باکله این ارد و گاه اقتصاد یات خود را در راه اعتلا^۱ و ترقی بیند ازد.

در چنین شرایطی است که خلق کوچک یعنی میتوانند در راه این را سرگشون سازد و در راه ازادی ازد برد ارد . خلق یعنی اطمینان دارد که در راه تاعین منافع ملی خود از هرگونه نکت اتحاد شوروی و مجموعه ارد و ناه سوسیالیسم برخورد ارادت . بیان نیست که اولین مرتع تقاضای نکت جنبش‌های ملی و ازاد یخش اتحاد شوروی است . امروز پیکر اطمینان یکت همه جانبه و مقاومت ارد و گاه سوسیالیسم برای در رهم شکستن توطئه های امپرا لیستی بصورت مسئله ای بد ون تردید و کاملاً میرهن د رآمد است . اینست ان تا عییر عظیمی که در روان مانتاچ پیروزی انتقال اکبر رسنوشت مبارزات ازاد یخش ملی اعمال میکند .

خصوصیات دوران کوئی در اسناد تاریخی جلسات مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ و برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی که دریست و دوین کنگره آن حزب در ۱۹۶۱ ابتدا^۲ رسید مورد تحلیل عمیق علمی قرار گرفته است . برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی عالیترین مند علمی و برنا^۳ علمی در روان، برای ساختمان گسترش یافته جامعه کمونیستی در کشور اتحاد شوروی، پیروزی سوسیالیسم و شکست امپرا لیسم در مقیاس جهانی و ازادی نهایی خلق های محروم از هرگونه سلطنه امپرا لیستی است . ساختمان جامعه کمونیستی در اتحاد شوروی که هد فای برنامه تاریخی است در ارادی اهمیت عظیم جهانی است و بطور مستقیم در رسنوشت خلقهای محروم مؤثرخواهد افتاد . با ساختمان جامعه کمونیستی در اتحاد شوروی قادر جاذبه کمونیسم روی خلقهای محروم که در عالم به شدید اکاهی و مادرگی انقلابی انان میانجامد روز بروز نیرومند تر خواهد گردید .

این برنامه مانند سرو بیرونی مشیرت ترقیخواه علیه نیروهای سیاه امپرا لیسم و ارتخاج در روان کتو طنین اند ازکدید . شهرونهیجا ن عیقی که نیروهای متفرق سراسر جهان بان اعلام این برنامه تاریخی را استقبال کردند نشانه ای از تا عییر جاری بیرونی مند آن است .

هم اکنون وجود ، قدرت و موقعیت‌های روزافون ارد و گاه سوسیالیسم که اتحاد شوروی در قلب آن قرار گرفته خلقهای محروم را بیدار کرد و در دل انها شروشوق انقلاب را برافروخته و انسار اراده ریک حالت دئمه ای آمادگی برای تحولات رشه ای در راورد ه است .

هر کجا حارقه ای ایجاد میشود بدلش شعله های عظیم بر میخیزد . این تا عییر هر روز عصیت و همه جانبه تر خواهد گردید و هر پیروزی ارد و گاه سوسیالیسم و هر شکست نیروهای ارتخاج و امپرا لیسم به آن نیروی بیشتری خواهد بخشید .

در مقابل این وضع امپرا لیسته ای اورتاجع سرا سیمه به اقدامات احتیاطی و عقب نشینی‌های دست میزند تا خطر اتفاق جاریه تا غیر ایاند ازد . اقدامات اخیر ارتاجع ایران بسیاری انجام نمی از اصلاحات ارضی به امید خاموش کرد ن آتش طغیانی که در میان ده قانان ایران اوج میگرفت یکی از این نمونه هاست . ولی مسلم اینکه اقدامات هر قدر رمود یانه و فرینده هم باشند نمیتوانند تناقضات موجود اجتماع را در کشورهای عقب افتاده حل کنند .

انچه که خواست اکبریت خلقهای محروم است ازادی واقعی و اعتمادی اقتصادی و فرهنگی است و این چیزی است که تنهای از راه ریشه کن ساختن نفوذ سیاسی و اقتصادی امپرا لیسم ، تکیه بر ارد و گاه سوسیالیزم از راه رشد غیرسما می داری میسر است .

در چنین دورانی وظایف بسیار سنگینی بعده پیشقاولان جنبش انقلابی کشوهای مستعمره و نیمه مستعمره و ازانجهله پیشقاولان جنبش رهایی بخش میهین ماقاره ارد . مدتهاست که شرایط بسیار مساعدی برای پیشرفت جنبش انقلابی در کشورها وجود ارد . هیئت حاکمه از محل ساده ترین مشکلات عاجز است و از هرجانی به بحران د پیگمیا فتد ، عدم رضایت قشراهای وسیع مرد ه روز شدید تروشید د ترمیکرد د رکود اقتصادی و بیکاری و قفقاطاقت فسایی میهن مارغا کرفة است .

در چنین شرایط مساعد اخلي وان شرایط مساعد بین المللی کوشش در استقاده ازکله امکانات برای مشکل ساختن این عدم رضایت وسید ادن ان در مسیر ایجاد تحولات عمیق اجتماعی وظیفه تاریخی پیشقاولان جنبش انقلابی است .

فروش کارخانه های دولتی

بزیان رشد اقتصادی ایران است

سخنی درباره بخش د ولتی اقتصاد بطور کلی
اشاره ای به پیدا یافتن سرمایه داری د ولتی را بران
وزن خصوصی کارخانه های د ولتی ایران
طرح ها و اقداماتی در زمینه بهم زدن وضع د ولتی کارخانه ها
چه د لائلی برای فروش کارخانه ها اورد ه میشود ؟
شرايط فروش کارخانه ها
نتیجه

سخنی درباره بخش د ولتی اقتصاد بطور کلی

بخش د ولتی اقتصاد چنانکه ازنا مشید است عبارت از بخشی از تولید کشوره که افزار و وسائل تولید شد در مالکیت د ولت است و نیز بخشی از ارزگانی کشوره که بوسیله د ولت اداره میشود .
باید گفت که در هر دو راه ای د ولت دارای سه عدد را فزاره های تولید بوده است . برای مثال میتوان از زرادخانه ها ، ضرایب خانه ها ، کارگاه های د ولتی نام برد . ولی با تکامل د ولت که در دوران بوزوایی با جو خود رسید روز بروز برقش وی - بعنوان نمایندگ طبقه معین - در نظرات امور اجتماعی و اقتصادی و سیاسی افزوده شد . سرمایه داری د ولتی نیز در رهمند دوران قد معرضه گذاشت .
منظور از نظرات د ولت در هر رشته از تولید و یا ایجاد سرمایه داری د ولتی ، تقویت و تنظیم امور اقتصادی است . ولی این بagan معنی نیست که اقدام مذکور رجهت مخالف منافع سرمایه داران و برای تامین رفاه عموم است . نتیجه حاصل از نظرات د ولت و سرمایه داری د ولتی وابسته به ماهیت د ولت است ، وابسته با نیست که چه طبقه ای حکومت را در دست دارد . لینین میگوید :

" حقیقت تمام مسئله نظرات د راین نکته خلاصه میشود که چه کسی بر جه کسی نظرات میکند یعنی چه طبقه ای نظرات کنند و چه طبقه ای نظرات شونده است " (۱) .
از اینجهمت در رکشورهای امپریالیستی که قدرت بدست خداوندان انحصارهاست نظرات د ولت در تولید و سرمایه داری د ولتی یعنی حفظ و تحکیم اصول سرمایه داری و تامین بیشترین سود ها برای بنگاه های انحصاری صورت میگیرد و این اقدام بوسیله در ره بحران ها و ایام جنگ توسعه می یابد تا از کلیه نیروهای سرمایه داری برای نجات از بحران و حل تضاد های امپریالیستی و بیرونی در جنگ های غارنگرانه استفاده شود . هدف سرمایه داری د ولتی درین کشورها شدید است از استثمار زحمتکشان است و از اینجهمت زحمتکشان فقط از راه مبارزات سخت و پیگیر و بوسیله اعمال فشار ببروی د ولت میتواند از مواضع خود دفاع کنند و مطالبات حقوقی خویش را برکرسی بشنائند .

اما بعد لک حتی در رکشورهای امپریالیستی نیز سرمایه داری د ولتی بطور عینی دارای این جنبه نیز هست که کار انقلاب پولناریائی را در سلب مالکیت سرمایه داران و ایجاد اقتصاد متعرک و متعلق بهمۀ خلق آسان میگرد اند . سرمایه داری د ولتی تدارک مناسی برای تحول سوسیالیستی است . لینین میگفت : " سرمایه داری انحصاری د ولتی تدارک مادی سوسیالیسم است ، درگاه انسنت " (۱)

البته نه بان معنی که سرمایه داری انحصاری د ولتی خود پس از مرحله سوسیالیستی موسوبد بلکه بان معنی که جامعه در دوره امپریالیسم وجود سرمایه داری انحصاری د ولتی در استانه مرحله سوسیالیستی ایستاده است و باره بری حزب طبقه کارگر و سرنگونی طبقه سرمایه داران میتواند این گام عظیم تاریخی را برد ارد.

انگاه سرمایه داری انحصاری در راه خود مت بعد مبارکاً خواهد رفت و ما هیت دیگری خواهد یافت.

سرمایه داری د ولتی در کشورهای کم رشد دارای مشنا و خصوصیات دیگری است. پیدایش ان

با آغازد وران انقلاب ملی و ضد استعماری یعنی باد وران پس از انقلاب بکسر سوسیالیستی اکبر همراه است و پس از جنگ دوم جهانی و تشکیل ارد وگاه سوسیالیستی پس از مرحله جدیدی از شد و شکنگی گام گذاشته است.

پس از انقلاب استقلال های مالک مستعمره و نیمه مستعمره تحت تأثیر یافتن گردش بی سابقه

تاریخی بهاره با امپریالیسم و نیل بازدی و حاکمیت ملی برخاسته و بیوه درد وران بعد از جنگ جهانی

دوم و پیدایش ارد وی سوسیالیستی به بیرونی های امپریالیستی پرداخته با استقلال

رسیدند نخستین وظیفه ای که در راه برخود میدیدند تا عین استقلال اقتصادی از راه تعویت و توسعه تولید

داخلی و ایجاد صنایع ملی بود. از این طرف از لحاظ صنعت شکاف عظیمی میان کشورهای کم رشد و مالک

امپریالیستی وجود داشت که میایست در رکنین زمان پرشود و از طرف دیگر ان منابع تراکم بر مایه که در راه از

پیدایش سرمایه داری درسته وی بود (مانند استعمار ملت های دیگر) غارت منابع ثروت طبیعی اینها) در

اختیار این کشورهای نو خاسته قرار داشت. تراکم سرمایه های ناتوان خصوصی انقدر زیبود که بتواند حاوی

وقد نزد یک باشد. از اینچه سرمایه های نو خواسته توجه به بیرونی این کشورهای طبیعتاً به سرمایه داری د ولتی که بتواند کلیه

منابع موجود را تجهیز کند و استثمار رحمتکشان را بمنظور پیشترین تراکم ممکن سازمان دهد جلب شد. این

سرمایه داری د ولتی اگرچه موجب شد ید استثمار رحمتکشان و مایه ثروت طبیعی معدود بیرونی از است و اینجا

که با سرمایه های امپریالیستی دینزد است و در راه استقلال خود بهاره میکند متری است و از این لحاظ مورد

حمایت توده های مردم است.

البته سرمایه های د ولتی در کشورهای کم رشد فقط انتهائی نیست که بدست د ولتی مذکور ایجاد میشود بلکه سرمایه های مصادره شده امپریالیستی در برخی از کشورها جای عده ای د سرمایه داری د ولتی دارد.

این رشتہ از سرمایه داری د ولتی متعلق به کشورهایی است که بین زیاراتی جدی با امپریالیسم دست

زده و انگاه سرمایه های غارتکش را در کشور خویش د راحتیار گرفته اند.

در اینجا یاد خصوصیت کشورهای را که رهبری انتها با طبقه کارگر بود و انقلاب انتها جزئی از انقلاب

سوسیالیستی جهانی است مانند چین، ویتنام شمالی، کره شمالی، و کوکاوند رندرز است. د ولتی در این کشورها

درست طبقه کارگر است که براند از ایستاده انسان از انسان سیاست د د ولتی در راه از راه مصادره

بنکاههای امپریالیستی و خواه از راه تراکم داخلی در اختیار این د ولتی اقمار میکنند بدیگر تغییر ماهیت میدهد

با این معنی که بمالکیت همه خلق در می آید و رهمه حال در راه تأمین منافع و مصالح این و ای توده های

مردم بکاری افتند.

ولی مطلع مادر اینجا بحث در راه کشورهایی است که در سیاست کامل بیرونی ایجاد اند و بیشتر

کوشش هایی برای تأمین استقلال اقتصادی میبرند ازند. در این کشورها چنانه نقشیم سرمایه داری د ولتی

نقش بزرگی در راه این مطلع بر عهد دارد.

نقش سرمایه داری د ولتی چیست؟

نقش سرمایه داری د ولتی یا نیو د ولتی که سرمایه د راه است ایست تقاضا و پی بزد. در کشور که

طبقه کارگر حکومت میکند از زیرهای و افزارهای وسائل تولید که درست است اوست بصورت مالکیت سوسیالیستی یعنی

مالکیت همه خلق در می آید و نقشی بیارست از تحکیم و توسعه مالکیت سوسیالیستی (خواه گروهی و خواه

همه خلقی) و در این اقتصادی زمینه برای ایجاد جامعه بد ون طبقات د رکشوری که بیرونی ملی در

حکومت است سرمایه داری د ولتی در راه تحکیم طبیعه بیرونی و توسعه روابط بیرونی و تعویت تولید داخلی

و ایجاد صنایع ملی بکاری افتند. در چین حکومتی، سرمایه داری د ولتی ازیک سود را بر این امپریالیسم بمقابل

و باره میبرد ازند و از این حیث دارای جنبه مترقب است و از این سوی دیگر استثمار بیرونی حمامه زحمتکشان کشور دست

میزند و این استثمار را زیرنفاذه میهن پرستی میپوشاند و از این چیز با توجه زحمتکش در تضاد می افتند.

اما واقعیت همیشه بین سادگی نیست. رسیدن به روزگاری به حکومت، همیشه بطوناگهانی و انقلاب روی نمیدهد. چه بسیار که به روزگاری پند ریج و آرام آرام درستگاه دلتی رخنه میکند و در تصمیمات و اقدامات دولت اثر میکند ارد. چه بسیار که دولتهای از طبقات دیگر تحت تاثیر مقتضیات زمان درجه است پدیده بروزگاری گام بر میدارد. چه بسیار که به روزگاری از لحاظ اقتصادی و سیاسی دارای چنان نیوشی نیست که بیکاره از قدرالیسم و امیرالیسم بپرسد و مصطفانه بد وران نوین گام گارد. بیم او از طبقات زحمتکش نیز رشایط معینی مانع چنین جراحت و جسارتی است. از این جهت در تکاملی دولتی کشورهای کم رشد بتنوع و اقسام پدیده های نیم بند و ناتمام برمیخوریم که وجود انها را فقط با توجه باین خصوصیت طبقاتی میتوان پاسخ داد. سرمایه داری دولتی نیز وابسته باین که درست کدام از این دو دولت ها باشد نتشد دیگری بازی خواهد کرد. نظری به سرمایه داری دولتی درهنده، برمه، فیلیپین، اندونزی، پاکستان، ترکیه و ایران روش کنندۀ این امر است.

اشاره ای به پیدایش سرمایه داری دولتی در ایران

بنیادگذاری سرمایه داری و ترکیب از عهد رضا شاه دانست، یعنی پس از انقلاب مشروطیت در ایران و انقلاب بکیر سوسیالیستی اکبر رشوهی.
ده هاسال بود که تقضیات اجتماعی ایران یک رشته تحولات سیاسی و اقتصادی را ایجاد میکرد. کوشش‌های امیر بکیر در تقویت تولید داخلی و ایجاد برخی از کارخانه‌ها و استخراج بعضی از معدن، شورش تنبکو، نهضت صرف کالاهای وطنی که از همان زمان امیر بکیر هر چند گاهی بظهور میرسید، شورهدم برای تاعیین بانک ملی و غیره دلیل آن بود که دیگر نمیتوان رکود سابق اقتصاد رانگهد آشت. انقلاب مشروطیت ایران نیز از لحاظ سیاسی زمینه مساعدی برای پدیده های جدید بوجود آورد. انقلاب بکیر اکبر نیز که در این رهایی مل مسیر اغاز میکرد بعلت ایران راه نشان میداد. حتی امیرالیست هانیز درک میکردند که در رشایط داخلی و خارجی ایران و در همسایگی نخستین کشور سوسیالیستی نمیتوان ایران را در سطح پیشین نگهد آشت. از اینجهت حکومت رضا شاه بین سلسله اقدامات بمنظور پیدایش صنایع در ایران و تقویت به روزگاری دست زد.

در اینجا تأثیر این مسئله که سرمایه اولیه از کجا باید بست اید ربار بر حکومت رضا شاه قرار گرفت. رضا شاه نظریه‌های خود شنیده است سا امیرالیست ها سرمایه‌زده داشته باشد و سرمایه های انحصاری وزان جمله سرمایه شرکت غاصب نفت انگلیس و ایران و یا بانک شاهی را می‌کند و اینها را نخستین تدبیه گاه اقدامات اقتصادی خویش سازد. از طرف دیگر رضا شاه مدفع منبع مالکیت بزرگ و به روزگاری سازمان ایران بود و نمیتوانست از اینها چشم بپوشد. از اینجهت یکانه منبع تراکم سرمایه د رنزوی است مرتبه زحمتکشان و استفاده از اینچنان چیزی بود که امیرالیست ها از این بحث غارت منبع نفت به کشور ما میبیند اختند. بخش دولتی اقتصاد ایران بر اساس این دو و معنای دیدی بنیادگذشت.

اقدامات دیگرمانند تا عسیان بانک ایشان، تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و تا عسیان بانک کشاورزی وغیره موجب پیدایش رشته های جدیدی از سرمایه داری دولتی گردید.

اگرچه سرمایه داری دولتی ایران در این راستگی حکومت رضا شاه به امیرالیست ها بقدام این اساسی در زمینه اقتصادی مانند ایجاد صنایع سنگین، تقویت بندی به روزگاری ملی، تبهیز کلیه امکانات ملی برای قابلیه با اد اخلاص اقتصادی انحصارها و به بسیار شرایط زندگی راحتمتکشان که خود عامله عمد در توسعه تولید است نیز اخت معد لک نقش مشت و جنبه های از این نتیجه نادیده گرفت.

پس از شهریور ۱۳۲۰ که مد اخلاق امیرالیست هاد رکلیه شوروں کشور مابیشتر و بی پرواتر شد یکی از حملات متوجه بخش دولتی اقتصادی ایران گردید. امیرالیست ها که به روزگاری کلیه بخش های اقتصادی ایران دست اند اختند لیلی نداشت که از دستبرد باین عدد ترین بخش صرف نظر کنند. فکر فروش کارخانه های دولتی از همین موقع واژه های مبنی تراوشن کرد. ولی این فکر تا پیش از کودتا ۱۳۲۳ در اثر هشیاری و مبارزات حزب توده ایران و مبارزه های مبنی توانست بصورت اجراء داراید. پس از این تاریخ است که فروش کارخانه های دولتی هر روز بشکلی مطرح میشود و اینک درسته عمل رژیم شاه است.

البته کارخانه های دولتی فقط یک قسمت از سرمایه دارید ولتی است . ولی هیئت حاکمه ایران که پس از شهریور ۱۳۲۰ و بخصوص پس از کودتای ۱۳۲۲ قانون انحصار تجارت خارجی راعملان لغو کرده اینک همه مساعیش متوجه برهم زد ن بخشد ولتی کارخانه هاست . از اینجهت مقاله حاضر منحصر به بحث درباره فروش کارخانه های دولتی است .

وزن مخصوص کارخانه های دولتی ایران

نخست پایه دید که کارخانه های دولتی درمیان صنایع ایران دارای چه وزن مخصوصی است و چه مقامی دارد .

متائفانه درباره صنایع ایران امارت قیقد رسن نیست و اینچه هست حاوی اختلافاتی است . در این نوشته از اسناد ذیل استفاده کرد این :

۱- امارت قیقد رسن نیشود رسال ۱۳۲۲ از انتشارات وزارت صنایع و معادن .

۲- گزارش هفتگی سازمان برترانه مورخ ۵ دی ماه ۱۳۲۶

۳- امارت منتشرد رمجله تهران مصروفه مورخ ۴ خرداد ۱۳۴۱

۴- امارت مجله خواندنیها مورخ ۲۶ دی ماه ۱۳۴۰ بنقل از ارقام رسماً انتشارات کنسرسیون .

۵- روزنامه اطلاعات مورخ ۲۸ شهریور ۱۳۳۸

۶- امارت منتشرد رکاب " ایران معاصر " نوشته فرهنگستان علوم شوروی مورخ سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۶)

از مقایسه این امارهای باید یک گرچین برعی ابد که میتوان امارت گزارش سازمان برنامه راملاک قرارداد و ان را با سایر امارهای تمیل کرد . بد یعنی است که اینچه از این راه بدبست می اید تخمینی است ولی بآن اند ازه که بتواند پایه قضاوت قرارگیرد قابل اعتماد است .

بموجب امارهای مذکوره :

کارخانه هایی که تحت نظر سازمان برنامه اداره میشد و سپس بوزارت صنایع و معادن منتقل گردید

۶ کارخانه است که قریب ۱۵ هزار کارگردارد (۱) .

کارخانه های ایران اعم از زرگ و کوچک (نه کارگاهها) و اعم از دولتی و خصوصی ۱۵۸ هزار کارگر

دارد که از آنها قریب ۱۹ هزار تنفرد کارخانه های دولتی کاری کنند . باین طریق تقریباً ۱۲ کارگان کار-

خانه های ایران در کارخانه های دولتی مشغول کاراند (۲) .

شاهد رکتاب خود مینویسد : « بطوطی که برآورد شده در حدود ۶۰٪ از تمام صنایع ایران بدبست

مؤسسات ملی و شرکت های خصوصی اداره میشود » .

از کلیه کارخانه های کشور ۳٪ دولتی و بقیه غیردولتی است .

قدرت موتوری کارخانجات دولتی در حدود ۲۲٪ کل قدرت موتوری همه کارخانه هاست (۳) .

بموجب گزارش سازمان برنامه ، راه اهن ایران ۲۴ هزار کارگردار و اگر نوشته کتاب " ایران معاصر "

درست باشد که مجموعه تعداد کارگران راه اهن ، بنادر روسیله های ایران قریب ۲۲ هزار است معلوم میشود

که تعداد کارگران بنادر روسیله های ایران به قریب ۴۸ هزار بالغ میگردد . پس مجموعه کارگران کارخانه های

دولتی ، راه اهن و بنادر روسیله های ایران ۹۱ هزار بعنی ۴۰٪ کلیه کارگران صنعتی ایران میباشد .

اینک اگر کارگران نفت راهنم (۴) بحساب اولیم مجموعه کارگران صنعتی مؤسسات غیر

خصوصی بالغ بر ۲۲۷۵۰ نمایشید که ۷٪ کلیه کارگران صنعتی ایران است (۵) .

(۱) اطلاعات ۲۸ شهریور ۱۳۳۸ . ۲- گزارش سازمان برنامه مورخ ۵ دی ماه ۱۳۳۶

(۲) مجله علمی وقتی مورخ تیر و مرداد ۱۳۳۷ . ۴- خواندنیها ، ۲۶ دی ماه ۱۳۴۰ .

(۳) در اینجا نهاد که اساساً استنداج قرارگرفته همکی مربوط بسالهای ۱۳۳۵-۱۳۳۸ است و این طبق

تفاوت زمانی آنها باید یکریابی شود .

ب - تعداد کارگران (طبق نوشته خواندنیها مورخ ۲۶ دی ماه ۱۳۴۰ بنقل از ارقام کنسرسیون) در

پایان کارشرکت نفت انگلیس و ایران مجموعاً ۴۵۰۰۰ و سپس در اخراج جمعی انسداد

بقیه د رزپونسی صفحه بعد

بد نیست که برای روش ترشدن موضوع، اما رفوق را خلاصه کنیم:	کارگران صنعتی غیردولتی در کارخانه ها
۱۳۹۰۰۰	کارگران صنعتی دولتی:
۱۹۰۰۰	در کارخانه های دولتی
۲۴۰۰۰	دزراه اهن
۴۸۰۰۰	در سیلو و بنادر
۳۲۷۵۰	در صنایع نفت

۱۲۳۷۰

دیده میشود که کارخانه های دولتی ایران اگرچه بخودی خود و با توجه به منابع شهر و امکانات جهان امروز ناچیز است در مجموع کارخانه های ایران دارای وزن زیادی است و دلت میتواند بار دست گرفتن و اداره شایسته آنها تکه گاهی برای تراکم سرمایه و تاثیر مثبت بروی صنایع خصوصی موجود اورد. هدمنظوران نیست که رژیم ضد ملی گنوی که پیرو مفافع امریکا لیستهاست بچینن کاری مبارزت خواهد وزید. بلکه منظوران نیست که چنین امکانی کاملاً وجود ارد و باید ان را برای استفاده حکومت ملی اینده نگهداری نماید. این کارسیو تکامل ائم صنایع کشورهاست.

بخصوص پایدار رندر گرفت که احیا قانون ملی کرد ن صنایع نفت ازوظائف میر هر حکومت ملی است وانگاه که این اراده ملت ایران عملی گرد د وزن بزرگی در کفه سرمایه داری دارد و لیست ایران افزوده خواهد شد و وسیله عمد ای برای تراکم سرمایه و بسط و توسعه صنایع بدست خواهد ارد. هم اکنون نیز اداره کارگران مؤسسات کتسرسیو برعهد شرکت ملی نفت ایران گذاشته شده، واگرما کارگران مذکور را ماربالا در جزو کارگران کارخانه های دولتی بشمارا درد به معنی مناسب است.

طرح ها و اقداماتی در زمینه بهم زدن وضع دولتی کارخانه ها

زمزمه بهم زدن وضع دولتی کارخانه ها - همچنانکه گفتم - در نخستین سالهای بعد از شهریور ۱۳۲۰ بلند شد. ولی پیش از گذشتای ۳۲۱ آنوات است بمرحلة عمل نزدیک شود. فقط در وран اخیر است که مخالفان وضع دولتی کارخانه های با جراحت و گستاخی قدم بپیدان گذاشته اند.

درا واسط سال ۱۳۳۷ در محاذل اقتصادی ایران اظهار نظر شد که کارخانه های دولتی را برای مد تده سال در اختیار متخصصان خارجی بگذارند و طرح های ازان متخصصان برای "بهبود" وضعیت کارخانه های بین‌المللی امد. یکی از تپید کان مجلس در ۱۳۳۷ اسفند ۱۳۲۶ با اشاره باین موضوع چنین گفست: "برای تقویت کارخانه های نساجی در شمال که سال های پیش ملکه قارمیرکه قراردادی با کمپانی کارخانه اعلانی وینکلرسته شده که بالا ملاحظه این قرارداد از ترکمان چایی افتیم، و با مبالغه زیادی که باین کمیانی یعنی سالی ۳ میلیون تومان با استثنای خارج بود اخت میشود وضع کارخانه های معمولی بدو ترقیت از سه سال پیش ازان بوده است" (۱).

در همان سال بعضی هاتوطه و حشتناکی چیدند و اینده کارخانه های قند بوسیله شرکت های سهامی با مشارت دلت اداره شود. یعنی مالیات غیر مستقیمی که مردم ایران از بابت قند و شکر دلست میپردازند و مصرفش باشد تقویت اقتصاد ایران باشد از این بعده بجیب عده معینی از سرمایه داران ریخته شود!

باقیه از صفحه قبل دی ماه ۱۳۴۰ ۳۲۷۵۰ بوده است. ظاهر اعداد مذکور رسالهای ۱۳۳۶-۱۳۳۸-۱۳۴۰ هنوز از ۳۲۷۵۰ تقریباً میگیرد است. معدله کث ما رقم اخیر را رحساب خود وارد کرد یعنی تأثیجه گیری ماد رمود وزن مخصوص تعداد کارگران دولتی از هر گونه مبالغه ای در پیش شد. ج - باید توجه داشت که کارخانه های اسلحه سازی بخش مبهمی از کارخانه های دولتی ایرانست. ولی چون بهیچوجه اماری ازان درست نیست کارگران اسلحه سازی را مارفوچ بحسب ابابناده اند.

(۱) روزنامه کیهان، ۲۶ اسفند ۱۳۳۷

یک از مبلغان بهم زد ن وضع دلتی کارخانه ها محمد رضا شاه بود . وید رصا بجهه های متعددی این فکر را به پیش کشید و ازان جمله د رصا بجهه اید رفراسته (نوامبر ۱۹۶۱) گفت : « در مملکت ما تمام صنایع سنتگین ، معادن بزرگ ، راه اهن ها و غیره حتی کارخانه های قند و پارچه بافی و سیمان نیز متعلق بد ولت است . و این بعید است که مبالغه امیز است » (۱) . شاید منظور شاه از « صنایع سنتگین » اشاره به صنایع نفت است که فقط مالکیت اسمن برای ایران باقی مانده است . به هر حال هدف وی در اینکه از « صنایع سنتگین و معادن بزرگ » ایران لاف زده چیزی دیگری جزا اینکه دولتی بود ن کارخانه های قند و پارچه بافی و سیمان را مبالغه امیز جلوه دهد نبوده است .

وی در کتاب خویش چنین نوشت : « سیاست ما اینست که کارخانه های فعلی دولت را مدرج با شخصیت های خصوصی واگذار نکنیم و برای انجام این منظوره هیئت مشورتی ۰۰۰ استخدام نموده ۲۰۰۰ طرز فروش انها را به شرکت های خصوصی معلوم سازند » .

در واقع فروش کارخانه های دولتی از مدتی پیش متوجه شروع شد بود و اعلان مزايدة انها هر چند گاه در روزنامه ها بجشن می خورد . مانند اعلان فروش کارخانه های جای و کارخان . . . برخی گران ، شاهی ، بندرگز ، بندر پهلوی ، لنگرود و رود سرد رشته ریو ۱۳۳۷ ۰۰۰ اما هنوز فروش کارخانه های بزرگ دولتی فیصله نیافرته است .

با یاد گرفت که خبر قطعی از جزئیات امرد رس سیاست و کارگرد انان رژیم شاه این توطئه ضد ملی را در پیش رفت پردازی از ایام انجام مید هند . انها نزک طرف گرفتار تضاد هائی با خرید ایران اند و از طرف د یکد رفروش کارخانه های که سود انها تاثیر چندی در بود جدید ولت اداره تردید و دلیل نشان مید هند . چیزی که مسلم می باشد اینست که مبارزه مردم ایران که صاحبان واقعی این صنایع اند میتوانند در روش هیئت حاکمه تاثیر چندی داشته باشد و ازانین خیانت ملی جلوگیری کند .

چه د لائی برای فروش کارخانه ها آورده می شود ؟

نخستین دلیلی که طرف ایران فروش کارخانه ها پیش میکشند اینست که دولت کارفرما و تاجر خوشی نیست . مادر رجواب این ادعا نمونه کشور های سوسیالیستی را که در ارجاصنعت و بازارگانی خارجی کلا دردست د ولت است و پیچان پیشرفت های درخشانی ناگل شده و مشود شال نمی افربم . همین نمونه هائی که در مالکی تظییف هند و اند ونزویل و مصرد یده میشود برای رد ادعای فوق کافی است . در کشورهای امپریالیستی نیز یک رشته عظیم از اقتصاد مستقیماً بدست دولت اداره میشود ، و خوب اداره میشود . بطلاں این نظریه که دولت بطرکلی کارفرما و تاجر خوشی نیست امور زد یگر ورشن است . مکارانه گفته شود که « این دولت کارفرما و تاجر خوشی نیست » . این البته صحیح است . ولی با یاد اضافه کرد که « این دولت نه فقط برای کارفرماشی و بازارگانی بلکه برای هیچ کار دیگر نیز خوب نیست . مگر فهنه و پهنه اشت راخوب اداره میکند ؟ حتی وزارخانه ها و اداراتی نظیروزارت جنگ و شهریانی نیزه که ضامن بقا رژیم اند در خرابی و شفتگی شهره اند . ازانین واقعیت با یاد به لزوم سرتیوی رژیم موجود نتیجه گرفت نه به سلب برخی از وظایف د ولت .

طرف ایران فروش کارخانه ها از طرف دیگر است لال میکند که کارخانه ها از ضرر میکند و ازانینجت با یاد یه فروش انها دست زد . اما لاو همه کارخانه های دولتی ایران ضرر نمید هند و اینکی اسداد عده ای از کارخانه های د ولتی علاوه بر فساد و شفتگی دسته ای د رایجاست که شرایط عمومی اقتصاد ایران مناسب با رونق صنایع داخلی نیست . تا وقتی که اکثریت مردم ایران د رفق سیاه پسرمیرن و نان بخور و نمیرند از اسد محصولات صنعتی بازار وسیعی نخواهد یافت و تا وقتی که صنایع د اخلي از طرف د ولت حمایت نمیشود امکان رقابت با کالاهای خارجی نخواهد بود . دولت که در سال ۱۳۳۵ برای نیازمندیهای ارشش و شهریانی و زائد امری ۷۰ هزار متر پارچه به کارخانه های داخلی سفارش داده بود در سال ۱۳۲۶ بیش از ۱۵۰ هزار متر سفارش نداد و پیچه را از خارجه وارد کرد (۲) . با چنین روشی چگونه میتوان متوجه بود که صنایع د اخلي و از ان جمله صنایع د ولتی بتوان سرپای خود بایستد . طبق نوشته مجله « اطاق بازارگانی » د رارد پیشست ۱۳۲۶

(۱) Dakar-Martin منتشر شد اکار

(۲) اطلاعات ، ۲۳ ابان ۱۳۲۶

نمیسینو برباست یکی از وزیران مشاور و لغت تشدیل شد تا عمل کساد صنایع پارچه با فی راطفال عه کند، و حتی چنین کمیسینو نظردا که علت اصلی سقوط و دساد صنایع پارچه با فی ایران عبارت از هرود کالاهای خارجی است. با اینکه دولت باوارد کرد افزارهای جدید بتکمیل کارخانه های چیز سازی به شهر و نساجی شاهی دست زد معدن لک میزان محصول این کارخانه ها سال میان مترشد. مثلاً محصول کارخانه نساجی شاهی که در ۱۳۴۶ چهار میلیون تن بود در ۱۳۵۰ به ۳ میلیون تن تبدیل کرد. زیرا که د راثر قفرمود و رقابت کالاهای خارجی، خرد ازد است. بانتیجه دههاد مستکاه راد کارخانه های پارچه با فی خواهاندند. از این واقعیت که کارخانه های دولتی ضرر میدهد باید در در رجاء اول به غلط بودن سیاست اقتصادی دولت نتیجه گرفت نه به لزوم نخومالیت د ولت برکارخانه ها.

گاهی طرفداران فروش کارخانه های دولتی استند لال میکنند که منظور ما از این اقدام جلب سرمایه های خصوصی است. خود سازمان برناهه مینظرها است لال کرد ه است (۱). برخی از طبقات نیز خبرد اند که کارخانه های د ولتی به ملکانی که بخش از اراضی خود را طبق مقرات اخویود هفقاتن فروخته اند بفروش خواهد رسید تا سرمایه انساب کارخانه اند (۲). ولی همه بید اند که در رکورم رشدی مانند ایران محل برای بکار اند اختن سرمایه کم نیست. انچه جلوی سرمایه داران ملی را میکرید سیاست دولتهای ضد ملی است که با دادن امتیازات بسرماهی های خارجی امنان رشد و توسعه عمل از سرمایه های ملی که نیازمند حمایت دولتی اند سلب میباشند. تا وقتی که این سیاست عوض نشود کارخانه ها چه درست دلت وجه درست سرمایه داران ملی باشد پسونده د معرض خطر و خستگی است. "لزوم جلب سرمایه های خصوصی" که برای فروش کارخانه های دولتی عنوان میشود هد فش در واقع تضییف سرمایه داری دولتی ایران است. البته در اینجا آرزوی لفت ولیس در معاملات کلان نیز نقش خود را بازی میکند.

استند لال دیگری که بیشتر جنبه شوخی دارد اینست که بهای کارخانه های فروخته شد ه بمصرف "پیش پرداخت لازم برای میقارش ماشین الات کارخانه زوب آهن و شروع ساختمن ان" خواهد رسید (۴) . ولی امروز معلوم است که دولت اصولاً ساختمن کارخانه زوب آهن را پس از اینکه میلیون ها تومن در راه "مطالعه" بهدر داد از عهد خود برداشت و بسرماهی داران ملی واکد اشته یعنی در واقع ازان صرف نظر کرد ه است.

شرط فروش کارخانه ها

شرط فروش کارخانه ها که دولت تعیین کرد ه یکی دیگر از لائل سوئیت از دراین اقدام است. بموجب طرحی که در فروردین ۱۳۳۸ درهیئت وزیران طرح شد:

۱- برای فروش کارخانه هاحد اقل معین نمیشود. بطوریکه خرد اران هر کارخانه میتوانند با یک یگرمواضعه نموده ان را بکترین بهبادرخند.

۲- پرداخت بهای کارخانه ها با قساط دارای میکرید.

۳- خرد اران برای معامله خود هیچ ویشه ای نمیگذارند. ویشه پرداخت بهای از طرف انساب امان کارخانه فروخته شده میباشد.

۴- خرد اران برآسان همین معامله میتواند وامهای اینانک صنعتی دریافت دارد (۴). کاملاً اشکار است که این شرایط با تبانی بالا به برداشت اینکه در کمین کارخانه های د ولتی نشسته اند تنظیم شد ه است.

نتیجه

این مطالعه مخصوص نشان میدهد که تقویت و توسعه سرمایه داری د ولتی بسود استقلال اقتصادی ایران است. کارخانه های د ولتی میتوانند درست دست د دلت بصورت افزایی جهت تراکم سرمایه ورشد بعدی صنایع و تاشریمیت در مجموعه تولید ایران د را بد. فروش کارخانه های د ولتی توطئه ایست بخاطر اجرای نشانه های امپریالیستی، درجهست تضییف رشد صنعتی ایران و بمنظور کلاهه برداشی مستکاه فاسد د ولتی مبارزه با این توطئه وظیفه کلیه نیزوهای ملی و ضد امپریالیستی است.

(۱) اطلاعات، ۲۵ تیر ۱۳۳۷

۲- اطلاعات، ۷ بهمن ۱۳۳۸

۴- کیهان، ۱۵ فروردین ۱۳۴۱

(۱) خواندنیها، ۲۱ مهر ۱۳۴۱

قانون اساسی و سلطنت پهلوی

قانون اساسی ایران دراصل خود، وجود نواقصی که میتوان برای آن شمرد، نتیجه نبردی است در ناتک، طولانی، و خونین که در طی سالیان دراز بین دیرارسلطنتی فاسد و عنان گشیخته قاجار و مرد می کنم حقوق انسانی خود را پایمال این تجاوزات وحشیانه میدیده اند جریان داشته است . این قانون در حدود معینی انعکاس اراده مرد می است که علیه این خود کامگی و فساد بپای خاستد . اصل قانون اساسی انعکاسی است از این انقلاب نیمه رنگ و عاری از تصادمات مسلحه و در عین حال در ناتک و خونین، و شره صد ها قربانیانی است که در سیاهچال های زند انهای هولناک خاند ان قجر بد ون سروصد اقربانی شده و جان سپرد ه بود نه . این قانون در حیات سیاسی مردم میهن ماعصر نوینی وارد ساخت که عبارت بود از شناسایی قسمتی از حقوق حقه مردم از طرف دیرارسلطنتی . از همان روز امضای ایسن قانون از طرف مظفرا الدین شاه در واپسین ساعات عمروعوی، مبارزه ای سخت و سه مکنین بین انقلابیون و توده های ستم دیده مردم از یکطرف و در دیرارسلطنتی پرسیده فکر، اشراف مترجم، نوکریا بهائی که جر تو ممه استبداد تا مفرماستخوان اشترخنده کرد ه بود، فتحد الهائی که در حکومت استبدادی ضمانتی برای بقای امیازات نامحدود خود میدیدند از طرف دیگر ریگرگردید که دنبالگان هنوز هم که پنجاه و هفت سال از استقرار مشروطیت میگرداد امداد دارد .

۱- محمد علیشاه که شهزاده ای بود منحط، حریص، وقدرت طلب در مرکز از جماعتی که میخواست دنیا را بر سر جای خود میخوب کند، خود را تاد دان مسلح میساخست تا این نبرد را بسیور خود بسرا نجات رساند و مرد مراقد میقد م بسیور اختیارات نامحدود خوش عقب بنشاند: اصول دموکراتیک قانون اساسی را پایمال سازد، و پروسعت دایره خود کامگی تا انجا که امکانات بیوی اجازه بدهد بیفراید .

۲- درجهت پیشتر حق حاکمیت ملی خود تکامل بخشنده، و از تجاوزات و استبداد های رهزنانه دیرارسلطنتی تحکیم هرچه بیشتر حق حاکمیت ملی خود تکامل بخشنده، ملی و مترقب میکوشید تا قانون اساسی را در جهت دشمنان ارادی نسبت به ان جلوگیری کنند .

نظری بجزیران این کشاکش نشان میدهد که مبارزه دریث دهران معین و تا پایان دره د و همچنان روی همراه و با مال بسیور مردم تمام شد . ذیلان نظریه ایین جزیران بیفکنیم :

الف - محمد علیشاه علیه حکومت مشروطه

۱- نخستین کشمکشی که بین انقلابیون و محمد علیشاه بطریشکارخ داد بر سر امضای متم قانون اساسی و بخصوص بر سر اصل بیست و ششم آن در تیر شد . در نخستین دیره قانون گذاری عده ای از زمیندگان منتخب بواقع مبعوث مردم بودند، خود ازین مردم بسرخاسته بودند، روحیه انقلابی درانهای بیرون و مدنده بود و با وجود فقدان اطلاعات سیاسی و اجتماعی باز بعلت اخلاقی صادقانه ای که بمشروطه داشتند پیوسته در جهت تنازعی زمینه دموکراتیک قانون اساسی تلاش میکردند . تجارب عملی ده رهه کوتاه فعالیت سیاسی انها نفایی قانون اساسی را بدتر بیچ برانهاروشن ساخت و بتدریج زمینه تد وین اصولی که متم قانون اساسی را تشکیل میدهد بین نحو بوجود آمد . این جناح با پشتیبانی انجمن ایالتی اذربایجان متم قانون اساسی را را ببسیاری مواد مترقبی و دموکراتیک تد وین کرد و امضا از از طرف شاه خواستارشد .

دراصل بیست و ششم متم قانون اساسی "ملت" منشاء قوای سه کانه شمرد ه میشد . محمد علیشاه با تمام قوا با این اصل مخالفت میورزید و خواهان آن بود که بجای "ملت" منشاء قوای سه کانه" مقام سلطنت شناخته شود . این کشمکش دسته باطلو شد و امضا متم قانون اساسی را بتعویق اند اخ تا اینگاه که نمایندگان اذربایجان بمرکز وارد شدند و جبهه چپ مجلس نیروی پیشتری گرفت . این عده بمجرد بروز به تهران یکسر بد ریارفتند و بین اهواز و مشیر الد وله صدراعظم وقت مناقشه ای سخت درگرفت و

چیزی نماند ه بود که رشته بین طرفین بریده شود . ولی مشیر الد وله که مردی دوراند پیش بود در شرایط اول و ج روزگارون نهضت قطع ارتباط بین دربار و انقلابیون را بسود شاه تشخیص نداد و با وساطت اوی اصل منجز بصورتیکه رهبران انقلاب مشروطیت میخواستند قبل شد و متمم قانون اساسی با مضاء شاه رسید .

۲- مهد اختلاف دیگر میتوسط به تشکیل مجلس سنای بود . جناح چپ مجلس با تشکیل مجلس سنای سخت مذاقت میورزد و از تابک مجلس شورای سلطنتی میدانست که جز حفظ منافع امتیازات در سار نتیجه ای ازان حاصل نمیشد . مادا مکه مجلس اول بر سر کار بود اکثریت نمایندگان با پایداری انقلابی خویش ازتد وین و طرح لایحه میتوسط بین امامه مجلس سنای خودداری نمودند و بدین ترتیب این مجلس اشرافی نتوانست تشکیل شود و فشارها و تهدید پیاسی محمد علی میرزا نیز بجای نرسید .

۳- در ضمن این کشمکش‌های دامنی شاه خود کامه که اساس امیتیوانست، بهیچگونه قید و بندی سازگاریاش در رخفاشکه تبهکارانه خود را برای وارد آوردن ضربت نهایی پرپیکر حکومت نوزاد و نسائیان مشروطه اماده میباخت . برسر کار اوردن اتابک دشمن اشتی ناپذیر مشروطیت، تحریک ده ای ازو حانیه بعدها قلت با قانون اساسی و حکومت مشروطه، تحریک و تغیین بوسیله جاوسان درباری دیرین نمایندگان کوشش برای خریدن عده ای ازانها و پراه موافق و تسلیم اوردن انتها، توسل به تهدید و زور، از جمله روش‌هایی بود که این شاه فاقد به قضاچی شرایط روز د پیش میرفت .

دران ایام پاسیانی نظمهای فاسد و ضد ملی بعهدت ه تزاریسم روسیه بود . نقشی که اموز دمعارضه باهرگونه جنبش ازاد یخواهانه ده ره رنقطه جهان از طرف امپریالیسم امریکا انجام میشود، دران روزگار در د ایوه مخدود تری از طرف د ولت تزاری روسیه انجام میگردید . تزاریسم، مانند امپریالیسم امریکا در شرایط کنونی، بعنیله تکیه گاه سیاهترین قشرهای اجتماعی ایران، دریارفای سلطنتی را در زیرپال حمایت خود کرته بود . کارشناسان و مستشاران نظامی د ولت تزاری در ایران کتابیش موقعیت کنونی مستشاران امریکائی را داشتند . اگر روز ۲۸ مدراد محمد رضا شاه در زیر نظر سفارت امریکا و تحت تعليمات و پیاری مستشاران ران امریکائی به کودتا خاندانه خود مبارزه و پنهان کشید، سلفی و مخدع علیشاه به پشت گرم افسران تزاری لیاخوف و شاپشال و ازیرکت کارد ائمی مستشاران نظامی تزاری علیه مجلس و مشروطیت بکید تا مبارزه ورزید .

زینه کلی پوش محمد علیشاه به مجلس هنکامی طبق د لخواه وی هموارگردید که د ولت تزاری روسیه وانگلستان دربرگیرنده حواله شجاعی و تکامل اوضاع در ایران، نتوانست بین خود بتوافقهای بینند و با مضاء قرارداد ۱۹۰۷ د سر دربار و محمد علیشاه را که تان زمان بحلت رقابت‌های د جناح روسی و انگلیسی تاحد وی بسته بود، برای انجام یک کودتا تبهکارانه و ضد ملی بیاند ازدند .

روز و شنبه ۱۸ خرداد ۱۲۸۷ از طرف شاه خوکامه قاجار اعلامیه ای تحت عنوان پرطمقران "راه نجات و امیدواری ملت" انتشار یافت که ازلحظه روح و جوهر محتوای خود به مخترانیها و ادعا های محمد رضا شاه خالق با استحقاق محمد علیشاه بی شباخت نیست و نشان میدهد چگونه فاقد ترین عناصر بوقت ضرورت کسوت فضیلت د ریز میکند، بد خواه ترین دشمنان خونین مود م از مردم د مستند د رحالیکه از دستهای تبهکاران خون بیورزید . بد ون اینکه وجود ان مرد ائمای ایلزد، ازدل و امن سخن میگویند . در عین اینکه تامغز سر در لجنزاره ها و هومن سلطنت و خود خواهی و اغراض پست و فاسد غرق اند، د اعیة صلاح و تقواد ازد و با اینکه وجود نامیعونشان میباید ابارمود . و وسیله نقض استقلال ملی و مایه اتحاط و عقب مانگی است با گستاخی تمام خود را پاسیان حقوق خلق، شیرازه وجود مملکت و مایه قوام ملک و ملت میشمارند . این کاری است که پادشاه قاجار و شاه پهلوی در عرض هم انجام دادند .

اینک قسمت‌های از اعلامیه میور:

"ملت قدیم و قویم ایران فرزند آن حقیقی و روحانی ما هستند . البته خوشوقت نخواهند بود ولت شش هزار ساله ایشان پایمال همی و هوس مشتی خائن خود غرض و خود خواه که بكلی از شرف ملیت د فر و از حیثیت انسانیت مهجورند گردید . . . بعموم فرزند آن خود اعلام مینماییم که در این صورت چندی نخواهند گذشت که ازد ولت و ملت جزا ایمی باقی نخواهد ماند و بكلی از شرط قویت و قوای مملکت از هم کسیخته خواهد شد چنانچه بسالمهای دراز و اتلاف نفوس، صنادید مملکتی و عقالی ملت، از همده اصلاح ان نتوانند برآمد ."

بد پهی است اشتباہی نخواهد داشت که شخص‌ها می‌بینند مدت تاچه پایه در پیشرفت مشروطیت و اسایش ملت و صلاح حال مملکت اقدامات فرموده و از هیچ اقدامی فروگزار ننفودند. هرچه لفظ شنیدند بیم هرچه خواستند کردند بیم و از هر حرکت رشت و ناپسندی تجاهل و اغافل ننمودند. ۰۰۰ صراحت باشند مگوئیم که بهیچ‌وجه من الوجه ممکن نیست بیش از این دللت خود را در چارخوارد و انقلابات دیده و از اعمال مغربین صرف نظر فرمایم و ۰۰۰ ملت خود را در منکرات فشار ظلم ایران خراب کن بگذر ایرم ۰۰۰ البته ملت نجیب ایران و فرزندان عزیزم این اقدام حیات بخش شاهانه را شایسته هرگونه تندکرد انشته مقاصد حسنة ماراد رنگاراند اشته بهیچ‌وجه از همراهی فروگزار نخواهد نمود.

اری محمد علیشاه، و محمد رضا شاه، دهه ایران را "نجات" دادند؛ محمد علیشاه با کودتای دوم تیرماه ۱۲۸۷ خویش و محمد رضا شاه با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ خویش!

این اعلامیه بطور اشکار مبنی‌له اعلام جنگ در رای‌الیه مجلس بود.

صبح روز دهم تیر حمله قوای مسلح محمد علیشاه تحت فرمان الایخوف جلال‌تباری مجلس شروع شد؛ عمرنخستین دوره مجلس ده رایان روز پس از این جنگ شد بدین سعادت پایان یافت. نیروهای اهربینی مقوتا بر اوضاع چیره شدند. حدوده زیاد ای از غالین انقلاب در جریان جنگ شریت شهادت چشیدند. چندین تن از انسان انقلاب بدست شاه افتادند که اکران‌ها یاد ریزی‌شکجه جان دادند و یابدست جلال‌دان شاه اعدام شدند. شاه پیکال با خود کامگی و بد ون وجود مجلس شورا سلطنت کرد ولی قیام اذربایجان بر همراهی فرزند نادر ارغل ایران ستارخان باین اوضاع پایان داد. شاه جبار ارتخت بزیرکشیده شد و به اغوش حامیان خود پناه برد و سکه پیروزی بنام مرد می‌بینند مازده شد.

۴- دنباله این کشمکش قطع نشد. ده مین دهه قانونگذاری مجلس صحنۀ هزارۀ جدیدی بود بین طرفداران امتیازات دریاروازد خواهان که برای بسط و توسعه حق حاکمیت ملی می‌توشیدند. هزاره این بار بر سر مجلس‌سنای بود که مجلس اول حاضرین وین نظام‌منان مکان نگردید. ناصرالملک برای گذرانی‌یاد ن نظام‌منیز و افتتاح مجلس سنا از اعتماد وسائل بمنظور وارد اوردن فشاریه مجلس دم استفاده کرد، ولی مجلس زیرین رفت و اصله چهل و سوم قانون اساسی را بای اعتبرخواهند. در اصل مژنی‌جنین گفته شد این است: مجلس دیگری بعنوان مجلس سنا مرکب از شخص‌های شرکیل می‌یابد که اجلالات آن بعد از تشکیل مقارن جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. در اصل جهله و ششم پیش بینی شده است که نیمه از نیمه بین گان مژنیز را شاه منصوب خواهد کرد و نیم دیگر از مردم انتخاب خواهد نمود. نایابند گان دهه اول و دوم خوب میدانستند که چنین مجلسی بکلی تحت سیطره شاه قرار اراد و نکهبان امتیازات دریارسلطنتی و پاکیه نفوذ و قدرت سیاسی شاه خواهد بود. اکثریت نایابند گان این دهه تشكیل چنین مجلسی را برخلاف موافقین شرط‌بندی و روح اتفاقی قانون اساسی و نقض حق حاکمیت مردم تشخیص میدادند. یکی از نیمه بین گان مجلس دوم در برابر پاشایی و اصرار ناصرالملک برای تدوین نظام‌منانه مجلس سنا، ارزیس وقت مسرحوم مستشارالدolle سوالی کرد. مستشارالدolle طن طبق مبسوطی این اصل از قانون اساسی را بای اعتبار اعلام نمود و مجلس سنای از این شناخت و اعلام نمود که چون مجلس شورا چنین مجلسی را اساساً مدد و می‌شناسد هیچ‌گاه حاضر بنت وین نظام‌منانه ای برای این نخواهد شد. این پایه ای مجلس بر تصریح‌الملک گران امد و در این گیورد از اتمام حجتی که از طرف دلتین تزاری روسیه و انگلستان بدولت ایران داده شد بود، بهانه بدست وی داد وی مجلس دوم را منحل کرد ولی لزوماً مسئله تشکیل مجلس سنا از پیکلی متوقف ماند.

ب- رضا شاه و قانون اساسی ایران

انتقال سلطنت از خاندان قاجار بخاندان پهلوی که خود نتیجه فشار ظاهران و می‌بینند عقیقی از طرف امپریا بیسم بریتانیا برای مقابله با شرایط جهانی ناشی از انقلاب بکار اکبریود، درین حالت وسیله تحکیم قدرت رضا شاه و استقراریک در ون تبر و وحشت، و سیطره یک نظم جبارانه پلیسی بود. رضا شاه از طرفی با ایجاد یک شبکه وسیع پلیسی و سلب ازادیهای مردم موافقین مشروطیت را عملا برهم زد، و از طرفی با وسائل بظاهر قانونی تغییراتی بسود قدرت مطلقة خود در قانون اساسی وجود اورد. جالب توجه است که برخلاف سابق، در ون سلطنت رضا شاه، وبعد از در ون سلطنت فرزندش محمد رضا شاه یک سلسله دستبردهای راهزنانه بقانون اساسی زده شد که تماماً بسود تحکیم مانند دیکتاتوری

و بینان حقوق اساسی مردم بود. در سراسر این مدت که چهل و دو سال از پنجاه و هفت سال عمر مشروطیت را در بر میگردید قانون اساسی، حق حاکمیت ملی پیشایه یک مسئله فراهم شده، مرد، بی اعتبار و خالی از مفهوم تلقی شده و مستبرد هاد رلحظاتی زده شده که مجالس مؤسسان تحت نشار حکومتهای نظامی و پلیسی قرار آشته اند.

۱- نخستین باری که رضاخان قانون اساسی راملعنه خویش ساخت در مرور ماده منوط به فرماندهی نیروهای مسلح بود، وی در روزگار وزارت جنگ خویش بمنظور تحقیم قدرت خود میخواست فرماندهی نیروهای مسلح را در دست بگیرد. از اینچهت را ثرا عمال نفوذ اورد رقانون مذکور تغییری داده شد و فرماندهی قوا به رضاخان وزیر جنگ تفویض گردید. ولی پس از آنکه رضاخان سلطنت رسید باری یکراصسل مریوط بفرماندهی ارتش دستخوش تغییر قرارگرفت و این حق مجدد ابه شاه وقت، یعنی به رضا شاه واکذاشد.

۲- دستبرد دیگریه قانون اساسی در مرور انتزاع سلطنت از سلسله قاجار و انتقال آن به خاندان پهلوی صورت گرفت. مجلس مؤسسانی که اعضاً ان بوسیله اموری ارتش اکثراً ازین نوکران ورسپردگان رضاخان دست چین شده بودند تشکیل گردید و بدست این مجلس سه اصل از قانون اساسی (اصل ۳۶ و ۳۷ و ۳۸) بسود سلطنت رضاخان پهلوی تغییریافت، واصل ۳۶ سلطنت را برایان خانواره مستقر کرد اند.

۳- پس ازدست تی، در جریان عروسی ولیعهدان زمان و شاه فعلی دستبرد دیگری بقانون اساسی زده شد. گرچه این دستبرد اهمیت اساسی نداشت اما شان میداد که یک پادشاه جبار خود کامه تاچه حد برقدرت قانونترزی مسلط شده بود و چگونه میخواست با اتکاً بقدرت سرنشیزه حتی بجنگنک فاهیم کلمات و عبارات برود، معانی مشخص لغات و اصطلاحات قانونی راتابع تمایلات خود سازد. اصل سی و هفت متمم قانون اساسی که در راغاز سلطنت وی بسود خاندان او تغییریافته است در مرور انتخاب ولیعهد چنین مقرر میدارد: « ولا یتعهد با پسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود »

ازد واج ولیعهد آن روز و شاه اموز با فرزنه خواه هر طبقاً توجه با اصل مذکور رفوق مشکلاتی در پیدا کرد و لیعهدی که انتظار میرفت از فرزنه بوجود آید طبعاً توجه با اصل مذکور رفوق مشکلاتی در پیدا کرد و لیعهدی که از فرزنه به وجود میاد بموجب این اصل نمیتوانست به ولا یتعهد انتخاب گردد. رضا شاه بعلل خاصی مایل نبود که با تشکیل مجلس مؤسسان این مشکل را زیش پای ازد واج ولیعهد خود برد ارد. باین جهت مجلس شورای مأمور حل این مشکل گردید. مجلس نیز اصل مذکور عبارت "ایرانی الاصل" مندرج دران را مرور انجان تفسیر عجیبی قرارداد که زنونی و حقارت مجلس را در برابر قدرت و سلطوت شاه بنحو شرم آفری اشکار میساخت. تفسیر مذکور چنین است:

"منشور از مادر را ایرانی الاصل مذکور را صل ۳۷ متمم قانون اساسی اعم است از مادری که مطابق شقدوم از ماده ۲۶ قانون مدنی دارای نسب ایرانی باشد یا مادری که قبل از زد واج با شاه یا ولیعهد ایران باقضای صالح عالیه کشور به پیشنهاد دلت و تقطیع مجلس شورای اعلیٰ بموجب فرمان پادشاه صفت ایرانی الاصل با اعطاء شده باشد."

این دستبردهای راهنمای زمینه دستبردهای بیشتری را برآورده اساسی هموار ساخت.

ج- محمد رضا شاه و قانون اساسی و حکومت مشروطه

سیل خروشان حوات جهانی پا سلطنت استبدادی رضا شاه را از هم فرو ریخت. شاهی که مدت بیست سال با آتشرواهن و خون برمدم حکومت کرد و در پی تو زیم اختناق و ترور خویش میهن مراهیه پایگاه مهم امپریالیسم بریتانیا در شرق میانه مدل ساخته بود را شرور نخستین تندباد حاده تعادل خود را ازدست داد، و بناجار راه زوهانسپور را در پیش گرفت.

نتیت سلطنت بفرزند وی، شاه کنونی ایران رسید. اگر سلطنت این پادشاه مواجه بود با تحول شکری که اضطراراً در راوضع میهن ما پیدا شده بود. در هم شکسته شد ن شبکه مخفی پلیسی رضا شاهی، غلیان خشم عمومی علیه رژیم اختناق و رعایت، گستره شدن ارتباطات کهن بین اجزا مختلف ارجاع ایران، وحشت زدگی عمومی مرجعین، و مقابله برد اشته شدن قفل ها از زبانها، بال و پرد را هدف نمطوبات تشنۀ ارادی، بعید اند ن نیروهای تازه نفس وجود اید اجتماعی، و بتدریج امده شدن زمینه یک نهضت

انقلابی که اگر شمرمیوسید سیمای میهن مارالازاس تغییر میداد. چنین بود خاصیت سالهای اول سلطنت محمد رضا شاه. رب و هر اس ملتی شاه را هم تکان داده بود. وی با قد مهای لرzan و درحالی که دستش درست داشته ای های انگلیسی بود بر فراز تخت نشست که خود باند از کافی متزلزل ولرzan شده بود. لحن عاجزانه و ملتسانه شاه بد رکافی در نخستین پیام نوروزی او انعکاس یافته بود.

معهد آنچنان وضعی نمیتوانست یايد ارها نداند. شاه که خود کامگی و استبداد باخونش عجین شده و همه صفات نا حمود پدر را منهای شجاعت و صراحت او به ارت برده بود، نمیتوانست دست بروری دست بگذارد و ناظر توسعه روزافزون نهضت نجات بخش طی ایوان پاشد. از همان زمان نبردی که در آغاز کار عملت ضعف موقعیت شاه در پرورد ه صورت میگرفت، بین دریارسلطنی با مردم موجود آمد.

آنجه کار ابر شاه اسان میکرد و اراد راه پرسنگلخ نبرد علیه نهضت طی ایران دل میداد و تقویت مینمود آن بود که قدرهای امپریالیستی وی را در پنهان حمایت خود گرفتند. رژیم رضا شاهی خطوط کلی منافع امپریالیسم بریتانیا را بمنزله امپریالیسم مسلط در شرق در دهان پس از جنگ جهانی اول، در حدود ممکن تضمین و تأمین میکرد. در هم شکسته شدن نظام خود سری و استبداد مطلق رضا شاهی نه تنها برای دریا ر سلطنتی و ارجاع ایران ضایعه جبران نا پذیری بشمارو اد، بلکه برای قدرهای استعماری نیز دشوارهای لایحل و گیج کننده ای بوجود می آورد. امپریالیسم عاملی چون رضا شاه را از دست داده بسود امامید خود را از دریارسلطنی نبریده و ارتقاط خود را با انقطع نزد ه بود. برگشتن کماکان دریارسلطنی و رژیم شاهنشاهی را در ایران برای خود ثابت ترین پایگاه میدانست و مطمئن بود که در کیروز ار حوالث خطیر ایند ه مانعی بهتر از دریارسلطنی و ملی بسته و موتور تراز شاه برای اجرای مقاصد تاراجگران خود پید اخواهد کرد.

با ینجهت نیروهای استعماری از یکسو خود را بنحو قاطعی بر سر راه آزادی و استقلال ملی ایران قرارداد و در هر لحظه متوجه بودند که این نهضت را سرکوب کنند، واژه طرف دیگر برای وصول باین هدف برای اعاده قدرت شاه و تعمیر مجدد رژیم پلیسی و ایجاد یک قدرت دوستی مبتنی بر اختراق و ارعاب، مجاھدات دائمی میذول میداشتند. بهمان تدریج که نهضت نجات بخش طی پایان خود نزد یک میشده سرکوب کرد آن نیز جزء دستور روز امپریالیستها و دریارو مرتजعین قرار میگرفت. اموزگاران انگلیسی و امریکایی ده راه دپیش پای شاه گذاشتند که هر دو راه عواز هم بیماید. راه استقرار حکومت سرنسیه و راه دستبرد زدن بقایون اساسی و تهی ساختن ان از مجموع محتویات د موکراتیک ان.

خطه سلاحه ارجاع ایران بسرکردگی شاه به اذر ریا جان و کردستان و درخون غرمه ساختن نهضت انقلابی ان، نخستین موضع استوار بر تصرف شاه دارود. وی سپس با استفاده از احتمال بیمن ماه و بد ستیاری قوای مسلح خود و درینه شلاق حکومت نظامی تمام سازمانهای دموکراتیک را همود تاخت و تاز و حشیانه خود قرارداد، و با هموار ساختن راه خود از طریق سرکوشی حزب توده ایران زمینه را برای یک دستبرد راهزنانه بقایون اساسی، بسود توسعه اختیارات شاه، و بزیان حق حکمیت مردم هم هووارست.

۱- تقویض اختیارات تازه بشاه

بدین ترتیب در شرایط عقب شیخی نیروها متشکل د موکراتیک و درینه نظام خود کامگی و در شرایط فقدان هرگونه امکان فعلیتی برای مردم مقدمات این دستبرد تحت نظرسنجان ارشت که نقطه مکری نیروهای انتظامی بود و سرشنسته فعلیتی از ضد ملی را در دست داشت، مجلسی بعنوان مجلس ویسان تشکیل یافت. نمایندگان این مجلس تحت نظرسنجان ارشت و فرماندهان نظامی در روایات و با تائید و موافقت تمام شاه ازین متعارف اید را دریارسلطنی، کارگاران نیروهای ارجاعی، وابستگان به سیاستهای امپریالیستی انتخاب گردیدند.

در این مجلس سید محمد صادق طباطبائی ضمن بیانات خویش مسئله "نصاص مصروفیت" را بیان کشید و تأکید کرد که یکی از وظایف مجلس مؤسسان اقدام برفع تقاضی مصروفیت است. اما او این نقش رانه در چیزی تفاصل موافق د موکراتیک، بلکه در قصور مجلس مقتنة ساقی د راقد ام برای تشکیل مجلس سنا، مجلسی که در و دوم از ابکلی مرد و اعلام داشته بود جستجو کرد. وی مدعا شد که در چهل سال گذشته

بعملت عدد گشایش مجلس سنایی از رایه های مشروطیت تعطیل بود است و مجلس مؤسسان باید بجهران این غفلت برخیزد. اظهارات از قبل تدوین و دیکته شده او بدستگاه وسیع تبلیغاتی دولتی امنان و فرصت داد که تا حدود معینی از بیانات وی بعنوان یک فرد "وجیه الله" و یادگار صدر مشروطیت "استفاده کامل کند".

این یک از خدمات نمایان مجلس فرمایشی مؤسسان بشاه و دریا رسلطنی بود. اما برگترین قدر می که این مجلس سود شفیعیت حکومت مطلق شاه و تضعیف حقوق اساسی مردم برد اشت عبارت بود اتفاقی حق اتحال مجلسین شورا و منا بشخص شاه.

قبل از ازان شاه چنین اختیاری نداشت. مجلس شوراحد اقل از لحاظ صورت ظاهر ارای استقلال عمل بود. شاه راشا و قانون انتمه توائیست در کاران دخل و تصرف کند. تصرفات شاه بخصوص درد هران پس از جنگ عبارت بود از اعمال نفوذ غیر مستقیم، انتخاب نمایندگان بورد اطمینان خود از طرق فرماندها ن ارتضی، یا خریدن آرا^۱ عده ای دیگر از طرق قد اداد پول و امتیاز، و بند و بستهای زیر پرورد. اما همان طریقه اشاره کرد ه ایم تقویت قدر سلطنت هم برای ارتقاء داخلی وهم برای قدر تهای امیریالیستی مدد ل پیشوایی تا کثیر شد ه بود. نه تنها ارتقاء ایران برای نجات خویش از مخاطرات اینده خود را بشدت نیازمند یک دربار مقتدر نماید، بلکه نیروهای امیریالیستی نیز بمحبوب تجارب معتقد گشته، بند و بسته و معامله با یک پاد شاه مطلق العنان را برای حل مشکلات خود در میهن ما آسان تر نمایدند. با ینچهت بود که مجلس مؤسسان اصل چهل و هشت قانون اساسی را در مرود اتحال مجلس پیش زیر نفع شاه تغییر داد:

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی میتواند هر یک از مجلسین شورا و سنا را جد اکانه و یا

د و مجلس را در آن واحد م محل مازد ۰۰۰

این امیریالیستیک در شرایط اختتام آوری بشاه داده شده که همه نیروهای دموکراتیک به بنده کشیده شده بودند و در هرگوشه میهین ما صد هاتن از باران راه آزادی در درکنج زند اتهای نهان باشکجه های توانفرس سروکار داشتند. با یافوهای حق اتحال مجلسین بشاه حداقل دو اصل دیگر از قانون اساسی معنا و عمل از اختیار افتادند. اصل پانزده هم برای نمایندگان مجلس "کمال امنیت و اطمینان" را در بحث ها و مذاکره ها پیش بینی میکند. اصل سی و هشت مقرن مدد ارکه اعضا مجلس شورای ملی باید در یاقوبل طالسب راسریج واضح اظهار اند ارنده اند ایشان را تحریص یاتهدید در دادن رای خود بنماید.^۲

این دو اصل بطور صریح مؤید برگزاری دوین مجلس شورا از ایره هر نوع اعمال نفوذ است، در صورتیکه تغییر حق اتحال مجلس بشاه این مجلس را بدلی دیرحیمه نفوذ و تاثیر شاه قرار میدهد، و حریمه قانونی را برای ارعاب مجلس بحریه قدرت و اعمال زور اضافه میکند. در حقیقت با این ترتیب مجلس مدد شده است بیک مجلس شورای سلطنتی، و نمایندگان مجلس ولود رشایط کالا از اراد و برکار از هرگونه اعمال فشار و زور از طرف مردم انتخاب شوند، بازدیرهاین حالت اختیاری که بشاه داده شده است مانند شمشیر اموکلین بر فراز نشانها قرار گرفته و ممکن است هر لحظه که شاه اراده کند فرود آید و آنرا فلنج سازد. در چنین حالتی مسابقة تقریباً بمقام سلطنت حالت عادی حاکم درین عده ای خواهد بود که عنوان "نمایندگان مردم" را دارد. در این چنین مجلس و بدست این چنین نمایندگان بود که قانون ملی شدن نفت با آن رسوابی نقش بزرگ دید و این بار نیروهای مشترک امیریالیستی برمبنای نفتی میهین مامسلط شدند.

۲- سوچعبیر از مواد قانون اساسی

کودتای ۲۸ مرداد متضمن شکست بی سابقه وعظیم نهضت ضد استعماری مردم ایران بود. این حادثه^۳ از لحاظ شکل کارونه از لحاظ نتایج رُف و کسترد ه ای که بپارهود باهیچیک از شکست های پیشین قابل قیاس نبود.

ارتقاء ایران بسرکردگی شاه و بر هیری سازمانهای جاسوسی امریکا و انگلستان مجموع تجارتی را که در جریان کشاوی ۱۲ ساله بامرد مردم اموخته و بدست ایورد ه بودند با ماحصل شیوه کاراین سرویسهای جاسوسی بهم امیخت و نبردی خونین، بی امان، وکین توزانه علیه مردم اغزار کرد - نبردی که یک طرف ان مجموعه نیروهای مسلح، جلال اخ خونخوار و مأمورین شکجه ای که جنون از ارادت یگران را داد اشتند، و داد کاهه های که ائمظایی، احکام محکومیت و چوچه های اعدام قرار داشت و درسوی دیگرش مردم می بی سلاح، بد و ن

پشتیان و بد ون دفاع و در پیشا پیش انان حزب توده ایران ۰ در این شرایط خفغان آورده مرنج میردند و خشم خود را در سکوتی مرکب از فرمودهند.

در چنین وضع تیروه و تاری بود که از طرف بقا یای مجلس هفتاد هم ، مجلسی که رائی قاطع مود م در جریان رفائد و اثرا محکوم شناخته بودست بعمل خانمانه ای بسود شاه زده شد ۰ شاه طبق یک فرمان خود سرتی و در خارج از حدود صلاحیت واختیارات خویش با صد و هر حکم عزل د کترصد و نصب زاهدی ، زمینه کودتای خوین ۲۸ مرد از رفراهم ساخته بود ۰ این عملی بود برخلاف موافقین مشروطیت و قانون اساسی یک مجلس آزاد و مستقل میباشد این عمل خود سرانه شاه رامحکوم وارد و داعلام کند ۰ چنین مجلسی وجود نداشت ۰ پس از نقوط د ولت ملی د کترصد و قعده ای غلامان و غلامزادگان شاه که هنوز خود را تایید نمود در مجلسی هفتاد هم بحساب می اوردند بنام مجلس هفتاد هم عمل شاه رامحود تایید خود قراردادند و با این عمل تسیل امیزد رواقع قلم نسخه بر روی چندین اصل از قانون اساسی کشیده و در واقع پیکره مرجوح و نیمه جان مشروطیت را در زیرچکمه قداره بندان در بار محمد رضا شاه افتخار نمود ۰ استناد آنها با صلح چهل و ششم قانون اساسی بود که میکوید : عزل و نصب وزراء بوجوب فرمان همایون پادشاه است ۰

اما از مذکول " بوجوب فرمان همایون پادشاه " چه چیزی نتیجه میشود ؟ ایا این اصل مضمون حقی است برای پادشاه و مفهم آن میتواند چنان باشد که شاه رائی حق عزل و نصب وزراء را دارد ؟ اگرخواهیم قول د کترصد و قعده را در دادگاه نقل کنیم باید بگوئیم این عیناً مشابه است که گفته شود " امرازه واج وقتی رسمیت پیدا میکند که در حضور به ثبت برسد ۰ ولی ای از این حکم چنین نتیجه میشود که محض رائی حق دارد کسی را همچوی به ازد واج یا اطلاق کند ؟ ۰

هرگونه تفسیری از اصل مذکور راین زمینه محتوى اساسی انقلاب مشروطیت را در محدود کرد ن اختیارت شاه نفی میکند و پادشاه مشروطه راعمل مدل بیک حاکم مطلق و فعل ماضی میساند ۰ یکی از هدفهای اساسی انقلاب مشروطیت این بود که چنین اختیاری را ازدست شاه بگیرد و د ولتها و کابینه هاراد رخارج از حریطة سیطره و نفوذ شاه قرار دهد ۰ بهمین جهت است که قانون اساسی شاه را غیرمسئول میشناسد و در اصل چهل و چهار متمم قانون اساسی مقریم ارد که : " شخص شاه از مسئولیت مبارا است و وزراء " در هرگونه امور مسئول مجلسین هستند ۰

شناختن شاه بعنوان یک مقام غیرمسئول طبیعاً هرگونه صلاحیتی را برای دخالت در امور کشوری ، و بخصوص پر مسئولیت ترین این امور از شاه سلب میکند ۰ در تایید این موضوع میتوان بچندین اصل دیگر از قانون اساسی و متمم ان استناد جست :

اصل بیست و هفتم قانون اساسی چنین است .

" مجلس در هر جانقصون برقوانیں یا مسامحه اید را جرای آن ملاحظه کند بوزیر مسئول

آن کار اخطار خواهد کرد و وزیر یا بد توضیحات لازم را بدهد ۰

اصل چهل و پنجم متمم قانون اساسی

" کلیه قوانین و دستخوش های پادشاه در امور مملکتی و قتل اجرامیشود که با همای وزیر

مسئول رساند ۰ باشد ۰ مسئول صحت دلول فرمان و دستخوش همان وزیر است ۰

اصل شصت متمم قانون اساسی

" وزراء مسئول مجلسین هستند و رهبر مود که از طرف یکی از مجلسین احضار شوند باید

حاضر کردند و نسبت با مواری که محول به انها است حدود مسئولیت خود را نگه دارند ۰

اصل شصت و یکم متمم قانون اساسی

" وزراء علاوه بر اینکه به تنهایی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند به هیئت اتفاق

نیز رکلیات امور رمقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند ۰

اصل شصت و چهارم متمم قانون اساسی

" وزراء گمیتوانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستعمل کردار داده سلب مسئولیت از

خدشان بنمایند ۰

اصل شصت و پنجم متمم قانون اساسی

" مجلس شورا یا سنا میتوانند وزراً را تحت محاکمه دهند " .

اصل شصت و هفتم متم قانون اساسی

" در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنای با کثریت تامه عدم رضایت خود را از هیئت

وزراً یا وزیری اظهاری ارند آن هیئت یا آن وزیر با مقام خود منعزع میشود " .

شاه بعد از آنکه بایلک کوتای خاشانه بر اینکه قدرت فرارگرفت باره بالجن یک یاغی طاغی و مطلق-

العنان وفعال مایشاً تاکید کرد که تمام اختیارات دلتی درست است . وزراً در قابل اوسوئیت دارند .

واوست که میتوانند برطبق رائی و میل خود وزیری راعزل و نخست وزیری را نصب کند . برای کسانی که سعی

دارند محل های باصطلاح قانونی برای اعمال وگفتار خود سرانه شاه میترانند ، اگر فرض اهل جزئی ابهامی در

مد لول و مفاد اصل چهل و ششم قانون اساسی موجود باشد ، نمیتواند نقطه تردیدی باقی بماند که هیئت وزیری

منتخب مجلس هستند ، فقط دربرابر مجلس مسئولیت دارند و بخصوص اصل چهل و پنجم و شصت و چهارم

متم قانون اساسی وزیران را صراحتا مسئول تمام اعمالی میشمارند که برای جرای دستورات شاه مترب باشند .

مفهوم خالف آن اینست که شاه حق دخل و تصرف در رکار و لتهاند ارد و لتهایا باید دربرابر مجلس جوابگوی

اعمال خود باشند .

عمل شاه در عزل دسترسی بطور صریح نقض هشت اصل از اصول قانون اساسی و متم آن بود .

استمرار این علی خود سرانه جزط غیانی علیه اصول و موازنین مشروطیت هیچ مفهوم و نام و عنوان دیگری نمیتواند باشد .

حقیقت اینست که نحوه عمل بقا یای مجلس منحله هند هم در تائید خود سری شاه بعلت باینت آن با هشت اصل از قانون اساسی پیزترین خیانتی بود که ازین عده نسبت با اصول مشروطیت سرزد . این عده با خایثت تبکارانه خود پایه حکومت دیکتاتوری شاه را استوار کردند : به نظر صریح اساسی ترین حقوق مجلس از طرف شاه صحه که اشتند و عنان گسیختگی های دیوانه و ارشاد رادر لفاظ رائی ظاهرا قانونی خود تجویز کردند . این گناهی است بزرگ و نابخشودنی . این عده بحق دستورات شاه را ملزم جرائم و جنایات رئیم اختناق و وحشت کود تا شرکت و هرگز نمیتوانند خود را از این مسئولیت خطاورد ربرابر جامعه و دربرابر ایندگان تبرئه کنند .

۳- حق و توی شاه

شاه بهمین حد از حکومت فعال مایشاً اکتفا نکرد . او میخواست دلتهار از هر حیثیت رزیر پنجه های

آهنین خود مانند مو نرم کند و شاهرگ حیاتی آنهاراد رست بگیرد و بفسارد . و باین جهت در صدد برآمد

برای خود حق و تو، حق ر د قوانین موضوعه مجلس را بگیرد . اصل چهل و نهم چنین مقرر استه است :

" صد و فراین واحکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بد ون اینکه هرگز اجراء " .

آن قوانین را تعویق و یا توقیف نماید " .

شاه شناح دارد بوجب فرمان خود دستوراً اجرای قوانین را بد هد . این یک حق صرف اتفاقی است

است که شاه داده شده است . در اینجا صراحت ، شاه از هر نوع دخالت در امر ارتارک و با اجرای قوانین

جز در رهمن حد و امضا عکد ن انج شد ه است . و این نیزناشی از همان اصل غیرمسئول بودن شاه است .

ولی شاه پس از مستبردهای سابق بقانون اساسی خود را بمنظور سلط اقتدار مسید این اش نیاز نمی داشد

دستبرد تازه ای ، بخصوص د زمینه لواح مالی که سرنوشت دلتهان و ایسته است ، یافت . بوجب

دستبرد وی مقد مات این دستبرد فراهم گردید . ولی این بار شاه حتی تشکیل مجلس مؤسسان را برای اجرای

این امر را ندانست و تشکیل گنگه ای را مرکب از اعضا مجلسین کافی شمرد . این گنگه تکله ای با صل فوق

بشرح ذیل افزود :

" در قوانین راجع با موالیه مملکت که از مختصات مجلس شورا یعنی است جنانچه " .

اعلیحضرت پادشاه تجدید نظری را لازم بد اند برای رسیدگی مجدد مجلس شورای

ملی ارجاع مینمایند " .

بدین ترتیب می بینیم سرنوشت دلتهان حتی از لحاظ مالی و بودجه دلتی یکلی د رگرو تعیلات شاه

قرار میگیرد و قدرت مطلق شاه با این ترتیب چهارمیه میشود .

۴- تبدیل حکومت مشروطه به حکومت فرمانی

هنوز همه این اختیارات غاصبانه عطش سیری ناپذیر شاه را برای خود سری و استبداد عمل واستقرار حکومت فردی و فعل می‌شائی سیراب نمی‌ساخت. هنوز برای او کافی نبود که کی از توکرانش در تراقب‌الد رسمت نخست وزیری حکومت با صلطاح "مشروطه" باتکه بقدرت پلیسی شاه و رژیم شلاق و تازانه اور برای مجلس رسماً و علناً راه گرد نکشی پیش گیرد و کارسوایی "حکومت مشروطه" و تحقیر مجلس شورا یعنی رایجاشی برساند که به مجلس‌سیان یا صراحت وی پروایی بگوید: «من نوکر شخص اعلیٰحضرت همایونی هستم و بیاری اقیلت و اکبرت اهمیت نید هم تا وقتی که اعلیٰحضرت بخواهند می‌مانم و گرنه مرضی می‌شوم». و هیچ‌نیز نیند های نیز جرئت نکند باو بگوید تبدیل نخست وزیر نیست. تومردی یاغی و گرد نکش هستی که خود را در رقم امیر سهاد رگد آشته^۴ و باید بمحاجرات این گرد نکشی بررسی.

اما حتی این الٰت معطله هم که مجلس‌نام داشت برای شاه نمی‌توانست قابل تحمل باشد. وی پس از عقب نشینی موقتی خویش در جریان انتخابات و تشکیل مجلس‌پیستم خویشن را برای حملات بعدی و بدست اورد ن مواعظ تازه آماده می‌ساخت. این حمله را درست از همان موضع عقب نشینی آغاز کرد. چون پس از مانوهای متعدد، زمینه مقاومت مردم را برای اجرای آزاد امانت‌خایبات محکم یافت، و چون احتمال میداد که در صورت تبدیل انتخابات درست گرفتن تمام نمایندگان برای اشکال خواهد بود، و این بار امکان آن هست که مردم توانند معدود نمایندگان باعث منتخب خود را ب مجلس پفرستند، وی ترجیح داد که بالفعل مجلس را تعطیل کند و خود را از هر دو ساحت‌الی برهاند و تجدید انتخابات را مکول به موقعی سازد که توانسته باشد موقعیت خود را تا حدی تحدیم نموده باشد. باین ترتیب شاه قد نهایی را در راه تعطیل بکلی حکومت مشروطه برداشت و تصمیم گرفت حکومت مشروطه را که تنهایاظهاری ازان برای ماند بود به حکومت فرماتی تبدیل نکند.

با پنجه‌ت در جلسه ۲۰ ابان ۱۳۴۰ هیئت وزیران پس از لک رشته لاف و گزافهای عادی و همیشگی رشته سخن رایه "حقوق" خود را نشانید. این شاه که بدست خود ایام مشروطیت را بهم پیچیده و مهترین و مکرانیک ترین اصول قانون اساسی را باقهر و غله نقض کرد بود، بنحو سخره امیزی پای قانون اساسی را بیان کشید و دعی شد که گویا قانون اساسی بمقام سلطنت حق داده است که رئاساً و بد ون وجود مجلس‌بنشاء قانون پیدا از!

طبعاً شاه کوچکترین اشاره‌ای نکرد که بموجب کدامیک از اصول قانون اساسی بیو چنین حقی داده شده است. در سراسر قانون اساسی و متمم آن تنهاییک مردم را می‌توان یافت که چنین اشاره‌ای در آن دیده می‌شود و آنهم اصل ۲۷ متمم قانون اساسی است. اصل منزه‌چنین است: «قوای مملکتی به سه شعبه تجزیه می‌شود: اول قوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهدی بقوانين، و این قوه ناشی می‌شود از اعلیٰحضرت همایون شاهنشاهی و مجلس شورا یعنی و مجلس سنای هریک از این سه منشأ حقانشاء قانون را دارد. ولی استقراران موقوف است بعد مخالفت با مواعیzen شرعیه و تصویب مجلس».

مفهوم این اصل واضح است. نه شاه و نه مجلس‌سناد رغیا بود و بد ون حضور مجلس حق‌قانونگذاری نداند و هر قانونی که از طرف شاه تدوین و وضع شود بد ون تصویب مجلس‌نادی نیست. ولی شاه در مجلس‌شورا راست و انگاه وظایف مجلس راهم شخص‌خواهد بعده گرفت و خود را قائم مقام قوه مقننه خواند! و چون تکیه او بقوای مسلح ارتش، شبکه وسیع پلیسی، و سازمان امنیت بود، دران شرایط اختناق و فقدان آزادی کسی بیارای آنرا داشت که باین عمل قانون شکننه که فاتحه مشروطیت را بکاره می‌خواهد اعتراض کند.

بعد این این شاه ضمن نامه ای‌گنجانیده شد، و با امضا رئیس‌دفتر مخصوص وی به اینی نخست وزیر بالغ گردید و اینی نیز باین نامه عنوان فرمان شاه داده و با استناد باین نامه مهرختامی بر تاریخ حیات مشروطیت گذشت و اینک بیش از وسائل است که برخلاف مصروفات قانون اساسی مجلس تعطیل و تمام درست شاه تصریکراست.

۵- حکومت ارعاب و اختناق نقض حاکمیت قانون

انچه که فوقاً شرح داده شد قانون شکننه‌ای محمد رضا شاه را در رکسوت "قانون" نشان میداده ولی مقادس حکومت وی بهمین جا ختم نمی‌شد. وی در عین حال بنحو نفرت انگیزی بسمت جلدی امان تمام

ازاد پهاد حقوق مرد م، حتی در همان حدود محدودی که از گزند است بردهای مکرروید رامان مانده بود ظاهر شد. حکومت وی "تمام خصوصیات اساسی استبداد سیاه شرقی برادر خود تکامل بخشدید و این خصوصیات را بوسیله تازه ترین تکنیک جهنمی پلیس، اختباط شدید نظامی و شموه های عمل فاشیستی علیه حقوق اساسی مرد م" اعمال کرد و است. شاه در این زمینه نه تنها موافذ قانون اساسی را بحجوی خشن تغییر کرد بلکه قلم نسخ بربروی مصروفات اعلامیه حقوق پرشکنید و "همه ارزش‌های معنوی انسانی را در رزیوچکه شتی قد ازه بند" جلا'd" افتد و است. منع احزاب و اجتماعات، اختناق مطبوعات، بخون کشید نتظاهرات و اعتصابات، ملسب حق تشکیل سند پاکهای امنیقی برای کارگران و زحمتکشان - اینها از اختصاصات حکومت شاه است. وسیله کارشا و عبارت بوده است از ایغارهای شبانه بخانه های مرد م، کشانیدن هزاران تن به بیغواشه شکنجه گاههایی که در رزیوچکه مخصوصین شکنجه امریکایی اداره میشده است، شکنجه دادن افراد تابح مرگ واژان راه دوش براز شاندیدن مبارزان راه آزاد خلق براه خیانت نسبت بخلق، برقرار ساختن دادگاههای نظامی و تقویض صلاحیات قضائی بگروهی کرد نکش و خونخواره جزا جراحت او امور شاه کوچکترین وظیفه ای برای خود نمی شناختند و جلسات با صلالح "دادگاه" را پیدا میکردند بجای کم قرون وسطائی تفتیش عقايد: بریدن هرگونه رشتة ارتباط بین متهمنین سیاسی و دنیای خارج، سلب حق دفع و حق انتخاب از اراد وکیل مدافع از انها، صدور یا ساهای حکومت شریفترین و خد تگذ ارتیرین تعاصر ازاد یخواه بینهای که با هیچکیک از موافذ قانونی تطبیق نمیکند و زمینه ای توییز برای این یا ساهانه تیوان یافت، برای کاردن چویه های اعدام، و بخون کشیدن دسته هم جمعی قهرمانانی که تا او پیش دم عمارزاه شرافتمند اند خود، از ازه خلق مرتبیچیدند، و باین وسیله ایجاد محیط اربعاب و اختناق بمعنظر پا عال ساختن قانون ملی شدن نفت و تحریم قرارداد زیان انگیز و اسارت اور کسر سیروم و شرکت در بین تجاوز کارانه سنو و قرارداد و جوانبه ایران و امریکا حکومت کود تای شاه هر موقع در راستان ارتکاب خیانت تازه ای نسبت بصالح حیاتی میهن ماقرار گرفت بمعنظور زهر جشم گرفتن از تمام مخالفین عده ای را بچوچنگاند ام می بست و ستور تیواران کرد ان شارا میداد.

نتیجه

چنین است خصوصیات حکومت کود تای شاه بعلت توطئه های مکرر علیه قانون اساسی بعمل نقض تمامی موافذ مشروطیت، تعطیل مجلس، خیانت بحقوق مرد م، سرسیودگی در مقابل دشمنان از ادی واستقلال ملی ما، مادرت بتوطئه برای سا قط کرد ن حکومت ملی مصدق با شرکت و تحریر هری سازمانهای جاسوسی امریکا و انگلیس، خارج ساختن میهن مازاجاده بیطری و رواندن آن بسوی دسته بند پهای ماجرای جوانبه سیاسی، بتمام تعمید خود در مقابل مرد م پشت پارزه و خود را تابح یک عامل با افاده ای امریکاییسم پائین آورد و با این اعمال تبه کارانه خود ش خودش را از قاع مسلطن مشروطه معزول کرد و است. خلق- های میهن ماده در سراسرد وران حکومت سیاه کود تاد رمعرض خیانتهای مکررا بین عنصر آنده و خود فروش قرار گرفته اند دیگر کوچکترین تمهیدی در مقابل اوند ارند. حمدرضا شاه سمت پاد شاه مشروطه را از دست داده و جز یک یاغی کرد نکش نظیر محمد علی میرزا چیز دیگری نیست. مسلط کردن چنین حکومت جبارو فاسدی جزء وظایف اساسی تمام احزاب و مخالف ازاد یخواه و ملی قرار گیرید. این کارتتها بوسیله مبارزه متشکل، هم اهنگ، جازم وصمم صورت پذیر تواند بود. این نقطه توافقی است بین حزب توده ایران و تمام مخالف دیگر ازاد یخواه، ملی و ضد استعمار.

نفت ما و آینده کشور

منابع و ذخایر نفتی ایران و وضع فعلی صنایع نفت

از منابع نزدیکی فراوانی که در ایران موجود است نفت یکی از مهمترین آنهاست. معدن نفت دور تاد و راهان را مانند کوهندی احاطه نموده است. مشخصات موجود در مناطق مختلف ایران وجود منابع نفتی را در مناطق شمالی، غربی، جنوب غربی و جنوب شرقی بثبوث می‌سازد. صرف نظر از این منطقه نفتی مرکزی (میدان قم) که چند سال پیش کشف گردید، از قدم ایام امروزی مشارک زیزمه‌نی د و تا چهار ایام پیش از شهور مشهور طبری است. ناحیه اول مناطق غربی، جنوب غربی و سواحل جنوبی ایران را در بر می‌گیرد. ناحیه دوم شامل آذربایجان، گیلان، مازندران، گرگان و خراسان است.

وجود عامل خاص معرفت اراضی منابع نفت خیز جنوب غربی ایران را چه از لحاظ مقدار نفت و ترتیب شیمیائی آن وجه از لحاظ شرایط طبیعی سیار مناسب جهت استخراج، دردیف بهترین منابع جهان قرار میدهد. نفت خیزترین اقسام راین منطقه در میدان انهای نفتی مسجد سلیمان، هفتگل، لالی، گچساران، نفت سفید، آغازاری و اهواز قرار گرفته اند. از حد نفت سفید مغولی‌ترین نفت جهان بدست می‌آید. معدن نفت آغازاری یکی از پردازخانه‌ترین معدن دنیاست.

کلیه معدن جنوب غربی ایران در حواله فورانند. چاه "ف-۷" که از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۲۷ می‌باشد و انقطاع سوران مکرر شهرت جهانی دارد. بعد از سال ۱۹۲۷ بطور مصنوعی منابع امامه فوران چاه مزبور شدند. تا سال ۱۹۵۶ معدن آغازاری از حیث قدرت مقام اول را در جهان حائزد. فقط پس از کشف معدن قم این مقام آغازاری سلب گردید.

در مناطق نفت خیز جنوب و جنوب غربی شرایط مناسی برای استخراج نفت وجود داشت. در معدن هفتگل نفت از عمق کم بدست می‌آید. علاوه بر این چاههای نفت ایران از حیث تقدیر محصول نیز شهروند بسیاری در جهان دارد. مثلاً محصول ۲۴ حلقه چاه میدان نفتی هفتگل در سال ۱۹۴۶ مجموعاً ۵ میلیون تن بود، در حالیکه در همان سال تولید نفت از ۲۴ هزار حلقه چاه تکزاں شرقی واقع در آمریکا فقط ۱۷ میلیون تن بود. یعنی هر چاه نفت معدن هفتگل در عرض سال بطور متوسط ۵۳۰ برابر یک چاه تکزاں شرقی نفست. میداده است (۱).

حد متوسط تولید سالیانه نفت برای هر معدن امریکا ۱/۶ هزارتن، در رونویش ۱۲ هزارتن، ولی در ایران ۳۴ هزارتن می‌باشد (۲). و مامتد متوسط تولید نفت در ۲۴ ساعت از بیک چاه نفت در رویت ۲۱۰ تن، عربستان سعودی ۸۲۰ تن، عراق ۹۴۰ تن، ایران ۱۱۵ تن، ولی در آمریکا فقط ۱/۱۵ تن است (۳).

با وجود اینکه عملیات اکتشافی پیگیرود قیق در مناطق شمالی ایران بعمل نیاده، ولی خروج نفت و گاز از زمین در پاره ای از نقاط شمالي کشته و همچنین وجود معدن بزرگ در انسویی مزه‌های شمالی می‌باشد. وجود ذخایر نفت را در ایران نیز میرهن ساخته است. در سواحل بحر خزر علائم وجود منابع نفتی پیش از همه در گیلان و مازندران پیش می‌خورد. در سال ۱۹۲۲ "جمعیت ایرانی نفت گیلان" هد فخود را استخراج نفت از منطقه لاهیجان قرارداده بود. خروج نفت از زمین همچنین در اطراف لنگرود و شمال غربی پهلوی نیز

۱- کتاب سیاه "حسین مکی"، تهران، اسفند ماه ۱۳۲۹، صفحه ۵۲۸

۲- مارزوک، "شدن ید تضاد بین امریکا و انگلیس پس از جنگ دوم جهانی"، سال ۱۹۵۲، صفحه ۱۸
۳- "Штаты и международные отношения", Мировая экономика и международные отношения, 1962, No. 1, стр. 122

مشاهد گردیده است .

در مازندران خروج نفت مایع از زمین در ریابل و حوالی سخت سردیده شده است . در حوالی ساخت سرحتی اسقالت سیاه از زمین خروج میکند . وجود نفت و گاز در آمل نیز از قدیم معلوم بوده است .

در گرگان با کشف نفت در نزدیک ده گوش تبه و همچنین در منطقه "نفت جا" در سالهای ۱۳۲۹-۱۳۳۹ وجود متابع نفت در ریان ناحیه نیز به یقین پیوست .

وجود ذخائر نفت در خراسان نیز حد سده میشود . کافیست که بگوئیم در درون سلطنت ناصرالدین شاه از تهران تا مشهد در ۲۰ مقطعه برای استخراج نفت فرمان شاه صادر شده بود .

در آذربایجان عالیم نفت در امدهای کوه سیلان ، دشت مغان و مخصوص در حوالی کیرلسی سرنجی و علاوه بر این در جنده بین نقطه از اطراف اردبیل دیده شده که تعیین حد و دو شخوار و میزان ذخیره آن محتاج بررسیهای بعدی است .

از عملیات اکتشافی که در سالهای اخیر انجام شد معلوم گردید که در مرید ان قم واقع در ۲۰ کیلومتری جنوب تهران ذخیره سرشار نفت موجود میباشد . نخستین چاه نفت در این مقطعه در ۲۷ اوت ۱۹۵۶ در عمق ۲۶۷۵ متر به نفت رسید . قدرت فتوان نفت (۳۰۰ آتسنفر) از چاه مزبور باند ازه ای شدید بود که حتی با توصل به تکیل معاصر فروشنان آن بیش از دو هفته بطول فتوان ۱۰۰ متر و محصول شبانه روزی چاه ۲۰ هزارتن نفت و ۷ میلیون تن متمکب گاز بود .

ذخائر کشف شده نفت ایران در حال حاضر حدود ۵/۰ میلیارد تن (۱) تعیین هده است . این رقم برابر ۱۵٪ ذخایر نفت جهان سرمایه داری و ۱۸٪ ذخایر نفت کشورهای خاورمیانه و نزدیک است (۲) .

از لحاظ ذخیره نفت کشف شده ، ایران مقام چهارم را درین کشورهای سرمایه داری و از حيث تولید نفت پس از امریکا ، ونزوئلا ، کویت و عربستان سعودی مقام پنجم را حاصل نداشت . برای اینکه مبنی مقایسه ای از صنعت نفت در ایران و کشورهای خاورمیانه و نزدیک درست باشد جدول ۱ که ذخایر طبیعی ، تعداد معدان ، تولید نفت و تعداد تصفیه خانه هارنشان میدهد تنظیم شده است (۳) .

جدول ۱

کشور	ذخایر کشف شده نفت (۱۳۳۰ سال میلیون تن)	تعداد معدان که تا ۱۹۶۱ نفت میدادند	تولید نفت به هزارتن که تا ۱۹۶۱ نفت میدادند	تعداد نفت که تا ۱۹۶۱ نفت میدادند	تعداد نفت که تا ۱۹۶۱ نفت میدادند	تعداد معدان که تا ۱۹۶۱ نفت میدادند	تعداد نفت که تا ۱۹۶۱ نفت میدادند	تعداد معدان که تا ۱۹۶۱ نفت میدادند	تعداد نفت که تا ۱۹۶۱ نفت میدادند
	(میلیون تن)		۱۹۶۱	۱۹۶۰	۱۹۶۱	۱۹۶۰	۱۹۶۱	۱۹۶۰	۱۹۶۱
کویت	۸۵۱۸/۸	۳۷۴	۸۱۸۶۳	۸۳۰۰	۲	۸۳۰۰	۱۱/-		
عربستان سعودی	۶۹۹۲/۲	۲۱۶	۶۲۰۶۵	۶۸۵۰۰	۱	۶۸۵۰۰	۸/۹		
ایران	۴۷۰۷/۰	۱۰۹	۵۲۰۶۰	۵۰۸۸۰۰	۳	۵۰۸۸۰۰	۲۵/-		
عراق	۳۰۰۹/-	۹۶	۴۷۰۰۰	۴۹۰۰۰	۶	۴۹۰۰۰	۳/۶		
منقطه پیطر	۸۷۷/۲	۱۹۶	۷۲۸۴	۸۷۰۰	۱	۸۷۰۰	۲/۴		
قطر	۳۵۸/۱	۳۳	۸۴۱۲	۸۳۰۰	۱	۸۳۰۰	۰/۰۳		
جمهوری متحده عرب	۱۰۲/۰	۲۷۹	۳۲۷۲	۳۷۰۰	۳	۳۷۰۰	۴/۰		
بحرين	۳۳/۴	۱۴۹	۲۲۰۷	۲۲۶۰	۱	۲۲۶۰	۸/۸		

۱- تهران اکونومیست ، شماره ۴۷۲ ، ۱۳۴۱ مداد ۱۰ صفحه ۱۵ - ۲- طبق قام متشهده در "فایشل تایمز" مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۵۰ از خیره نفت کشورهای سرمایه داری جهان ۳/۶ ۲۳ میلیارد تن تخمین زده شده است .

جدول ۱ بطوروضح عظمت منابع نفتی خاورمیانه و اهمیت سرشمار آن برای اقتصاد جهان سرمایه داری نشان میدهد. کافیست بگوئیم که ۷۰٪ ذخایر نفت کشورهای سرمایه داری در خاورمیانه و نزدیک قرار دارد و کشورهای مبینه رسال ۱۹۶۱ جمعاً ۲۸۲ میلیون تن نفت تولید نموده اند.

بی سبب نیست که Ernest M. Eller آدمیرال بازنشسته نیروی دریائی امریکا در جلسه داشکد ه مهندسین مکانیک و فلزکاری ضمن سخنرانی خود گفت: « نفت بنیج موجود بیت ماست و خاورمیانه منبع نفت میباشد ۳۰۰ بد و نفت مانمیتوانیم بد شدن در ریا یا گاهای پیش حمله کنیم ، نمیتوانیم بشکار آنها در اقیانوسها و هوابرد ازهم » (۱) . علت اساسی علاقه بی حد و حصر امریکا را به نفت خاورمیانه و نزدیک پس از جنگ جهانی دوم و مبارزات نهانی و آشکارانه از این مناطق رانیز باشد در اینجا جستجوکرد.

مارازه ایکه پس از جنگ جهانی دوم بین انحصارهای امریکا و انگلیس بر سر منابع نفت در رگفت در سایه وضع ناهمجرا اقتصادی و سیاسی امپراتوری انگلستان بنفع امریکا خاتمه یافت . درنتیجه اگریس از جنگ جهانی اول امریکائیها در خاورمیانه و نزدیک پس از تولید نمیکردند رسال ۱۹۲۹ فقط هزارتن و پانصد درصد تولید نفت خاورمیانه را در رسالت داشتند ، در رسال ۱۹۳۶ این رقم به ۴۱٪ و پس از ده سال در سال ۱۹۵۷ به ۵۹٪ رسید.

ایران کی از این صحفه های مارازه نفت خواران جهانی بود که با اخراج هم با پیروزی انحصارهای امریکائی خاتمه پذیرفت . هم اکنون امپریال استیتس امریکائی ۴۰٪ از تولید نفت ایران را کنترل میکنند . میلیون شهاد لارسونی که امپریال استیتس امریکا ، انگلیس ، فرانسه و هلند سالانه از طریق غارت منابع زیروز میبینند ایران بدست میاوردند از ۱۰۹۱ تا ۱۹۵۷ این حلقه چاه تا ۴۱ میگردد (۲) .

برای اینکه خوانندگان تصویر جامعی از وضع معدن موجود در حیطه فعالیت نشریه میگردد (۳) نفت داشته باشند جدول شماره ۲ که برپایه پیکره های منتشره در رسال ۱۹۵۷ تنظیم و تهیه شده از راه میگردد .

جدول شماره ۲

وزن محصول نفت	تعداد چاههای نفت			حد متوسط شبانه روز بهزارتن	نفت در بهزارترن برداری	عمق قشرها نفت خیز بهزارترن برداری	آغاز برداشت سال	معدن نفت
	ارزان جمله در دست حفاری	پسره برد اری میشود	مجموع					
۰/۸۲۶	—	۱۹	۲۰۷	۵/۵	۰/۲-۱/۱	۱۹۱۳	۱۹۰۸	مسجد سلطان
۰/۸۳۳	—	۲۰	۴۸	۱۶/-	۰/۶-۱/۲	۱۹۲۸	۱۹۲۰	هفتگل
۰/۸۶۴	۲	۴	۱۵	۶/۴	۰/۹-۱/۹	۱۹۴۰	۱۹۲۸	گچساران
۰/۷۸۰	۱	۱۰	۲۲	۶/۱	۰/۹-۱/۸	۱۹۴۵	۱۹۳۵	نفت سفید
۰/۸۴۰								
معدن گاز طبیعی						۱/۷	پستان	
۰/۸۰۶	۲	۲۲	۳۶	۶۰/۱	۱/۵-۳/-	۱۹۴۵	۱۹۳۷	آغاز اری
...	—	۴	۱۰	۱/۰	۱/۲-۲/۷	۱۹۴۶	—	لالی
...	۱	—	۰	—	—	برداری نمیشود	—	اهواز
جمع								
۷	۷۹	۴۰۳	۹۰/۶					

(۱) "Journal of Petroleum Technology", N=5, 1959 p.p. 15-19

(۲) رقم مربوط به اول زوئیه ۱۹۶۱ است .

(۳) بازرگانی و اقتصاد ، اکتبر ۱۹۵۸ و "ایرانیان اویل پرینیک کمپانی" سال ۱۹۵۷

جنین ثروت هنگفتی متأسفانه در اختیار مردم ایران نیست . بیش از نیم قرن است که این ثروت ملی بجا آنکه صرف بهبود وضع زندگی میلیونها ایرانی که از حقوق اولیه بشری محروم شده ، غارگران امپریا را غافی میسازد .

شرکت مسابق نفت ایران و انگلیس که در سال ۱۹۰۹ با سرمایه دو میلیون لیvre تشکیل شده بود ، در فاصله بین سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۵۰ با استخراج ۳۲۴ میلیون تن نفت (۱) سودی بالغ بر پنج میلیارد دلار بدست آورد است (۲) .

اما کنسرسیوم بین المللی نفت در شش سال اول فعالیت خود در ایران مبلغ ۱۳۰۰ میلیون دلار سود خالص و فراورده های نفتی به سهای در حدود ۴ میلیارد دلار از ایران خارج شده است (۳) . این ثروت بیکران درخشی از کارهای خلیج فارس در جنوب ایران قرارداده دارای نواحی صد ها هزار ازاهالی بیوه بطریزد هشتاد که در سرحد مرگ و زندگی بسیار میرند . چندی پیش یکی از ساکنین بنادر جنوب ایران در راه آنسائیکد ر روی طالی سیاه میهن خود استه از گرسنگی و عذم بهد است میمیوند نوشته : " من پیوسته شاهد مسأاظرد هشتادک و درد الودی از زندگی انسانها هستم من با چشم سر ناظر جان داد جوانان کودکان و زنان و مردان از بید و ایش و مرگ فجیع و حسرتبار گرسنگان از گرسنگی و پیغمد اشی هستم . ۰۰۰ من خانواده های را میشناسم که در این دنیا " خواهار خور " در آرزوی یک و عده نان گند حسرت میخورند . من زنان و دختران غفیقی را سراغ دارم که پوشاشی برای سترعوت خود تدارن و ماهمه نمیتوانند از خانه خارج شوند . من هر روز دسته دسته کودکان زارو نزدی را بچشم می بینم که در اثر سو تغذیه رنگ بر جهله ظلمون و یگانه هشان نیست ایران با پای و قن بر همه و شکم گرسنه مانند کرم در خاک میلولند و باعلفهای صحرا و ماهیهای گندیده است جوع میکنند " (۴) .

وضعی که اکنون در میهن ماحکم راست زایده خیانت ناباخشود نی است که محمد رضا شاه واعظون و انصار شور ۲۸ مرداد سال ۱۳۲۲ مرتب شدند . نتیجه ستیقی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ واگذاری مجدد صنایع نفت ایران به امپریا میسته بود که ضربت مملکتی بر استقلال اقتصادی و سیاسی ایران بوده و هست . در سایه این خیانت شرکت ملی نفت ایران که پس از می شدن صنایع نفت در ایران بمنظور اداره مستقل کلیه صنایع بوجود آمد و مایه امید همه میهن پوستان بود در حقیقت به آلتی درست استعمار گران مبدل شد .

شرکت ملی نفت ایران - آلت استعمار

در اسفند ماه ۱۳۲۹ د راژه مبارزات متعدد و فداکارانه مردم ایران قانون ملی شدن صنایع نفت از مجلس گذشت . ملی شدن صنایع نفت یکی از آرمانهای دیرینه میهن پوستان ایران بود که در نتیجه جانبازی و از خود گذشتگی صد هانفرازه شترین فرزند ایران بود است آمد . براند اختن شرکت استعماری انگلیس و ایران که بیقول آقای دکتر مصدق د لولتی در داخل دلت ایران بود و تعاقب آن تشکیل شرکت ملی نفت می توانست آغاز مرحله جدید در خشانی در تاریخ میهن مباشد . با تشکیل شرکت ملی نفت ایران وضعیت کلی جدیدی در رکشومنا بار آمد که اگر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ که هدف اساسی خود را استقرار مجدد سلطه اتحادیه امپریالیستی بر منابع نفت ایران و بی اثر ساختن قانون ملی کرد ن صنایع نفت قرارداده نبود ، ثمرات نکدی آن باگذشت زبان بعنده ظهور میسید . متأسفانه در نتیجه خیانت شاه نهضت نجاتی خشن ایران ببیادرفت . بطریکه هم اکنون از شرکت ملی نفت ایران جزا مسمای بیجای نماند است . در هفتم آبانماه ۱۳۳۲ (۱۹۴۹) با انعقاد قرارداد بین دلت ایران و شرکت ملی نفت از

(۱) "Empire of oil by o'Conner New York", 1955, p. 366

(۲) آماراز "Statistical Yearbook" ۱۹۵۸

(۳) "Азия и Африка сегодня" январь 1962, стр. 20

(۴) مجله "خواندنیها" ، نوامبر ۱۹۶۱

جانبی و هشت شرکت امریکائی و انگلیسی و هلندی و فرانسوی که متفاکتسرسیوم بین المللی نفت را تشکیس داده بودند از جانبد یک‌مهمترین حقوق شرکت ملی نفت که عبارت بود از حق اکتشاف و استخراج و حمل و نقل و فروش نفت پایمال شد. از این پس شرکت ملی نفت در حقیقت به مجری اراده نفتخواران جهانی، یعنی کارپید آنها مدل لگردید. تنظیم کنندگان قرارداد برای اینکه جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نگذارند از نخستین روز فقط دخالت در امور "غیرصنعتی" را برای شرکت ملی نفت ایران جایز شمردن. بنده بـ "ماد" ۱۷ قرارداد وظیفه شرکت ملی نفت را جنین تعیین میکند: «منظور از اصطلاح "فالیت غیرصنعتی" کمه در قرارداد مژوپیکارپیده شده، یعنی تأیین و تگهد اری کلیه موئسات کمکی و اداره آنها بیانی که جهت فعالیت شرکتها ای عامل ضروریست: مثلاً، مسكن و کلیه امور مربوط آنها، ناظارت بر اهالی عومی، اقدامات لازم جهت سپید اری و مهد است، اداره تدارکات وادغاشی، غذ اخیرها، رستورانها و غذاهای لباسی، حاضر، تربیت و موزشن‌تکنیکی و صنعتی، محافظت دارایی، امور اجتماعی، حمل و نقل عومی، آب و برق برای اهالی و امور مشابه دیگر که در باره اجرای آنها موافقت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکتها عام—— بعمل آید ».

در حقیقت بوجب ماد ۵ مژوپ سرد مد ایران کتسرسیوم بین المللی نفت حل کلیه مسائل و معضلات را که رابطه مستقیم و یا غیرمستقیم با وضع زندگی و کار کارگران و کارکنان ایرانی کتسرسیوم ارد کلا بعهد شرکت ملی نفت گذارد و خود را از اینگونه کارهای با اصطلاح پرورد سر کنارشیده اند. باد رنظرگرفتن ماهیت قرارداد با کتسرسیوم بود که سنتاورد یوان بیگی ضمن مذکوره لایحة قرارداد د ر مجلس سنایفت: « ماهیت هنگفت یک ستگاه عظیمی را بعهد گرفته، رژیم کاپیتوالیسیون را قبول نموده و با تشکیل دلتی در اخلد ولت ایران در واقع استقلال خود را از دستداده ایم ». دستگاه تبلیغاتی شاه واداره کنندگان شرکت ملی نفت ایران میخواهند چنین و انعمود کنند که گویا شرکت ملی نفت هد فهای خاص را در نیال میکنند که واکذ اری مجدد صنایع نفت به کتسرسیوم بین المللی نمیتواند مانع اجرای آنها گردد. هد فهای مژوپ عبارتند از ۱) توسعه صنعت نفت کشور بالا بردن میزان درآمد حاصله از نفت، ۲) تأیین نیازمندیهای داخلی، ۳) بسط نفوذ شرکت ملی نفت ایران در خارج از کشور(۲). برای اینکه ثابت شود که شرکت ملی نفت با وضع فعلی و شرایطی که هم اکنون در ایران حکم‌فرمات قدر نیست هیچ‌چیز از زند فهای فوق الذکر بواقع اجرای اد هریک از آنها اجد اگانه بوده داده قرار دهنم ». در باره هد ف نخست شرکت ملی نفت باید متذکرشد که شرکت وقتی میتوانست صنایع نفت کشور را توسعه داده و میزان درآمد حاصله از آن افزایش دهد که اداره بخش اساسی صنایع نفت در حیطه فعالیت ۱ و باشد. جدول شماره (۳) که محصول نفت خام و تصفیه شده کشور ایران را می‌داند می‌داند حاکیت که سهم شرکت ملی نفت ایران در تولید سالیانه نفت بآن اند ازه نیست که بتواند نقش مؤثری در ازدیاد د رآمد و یا توسعه صنایع نفت ایفا کند.

بطوریکه از جدول شماره ۳ دیده میشود از مجموع نفت خام و تصفیه شده در ایران در سال ۱۹۶۱ ۹۹٪ توطیف کتسرسیوم بین المللی نفت و فقط ۰/۷ درصد آن توسط شرکت ملی نفت ایران استخراج و تصفیه گردیده است. باد رنظرگرفتن پیکره های جدول مژوپ معلوم میشود که شرکت ملی نفت عملای قادر به اجرای هد ف نخست خود نخواهد شد. یعنی نه خواهد توانست صنایع نفت را توسعه بخشد و نه درآدا یارا ن را افزایش دهد. بخصوص اینکه مواد ۱۹ و ۲۰ قرارداد تعیین میزان استخراج و بهای نفت رابعه کتسرسیوم بین المللی نفت گذارد و سرد مد ایران کتسرسیوم از این حریه برای اعمال شفاراق‌قصدی برد ولت ایران استفاده میکنند.

(۱) روزنامه کیهان، ۱۳، اکتبر ۱۹۵۴

(۲) "تهران اکتوبریست" ، شماره ۴۷۲، ۲۷ موداد ۱۳۴۱، صفحه ۱۰ اسخنرانی آقای دکتر غلامرضا نیک بی درسمنارنفت

(۳) آماراً "پترولیوم تایمز" نقل از کیهان، ۲۴ اسفند ماه ۱۳۴۰، صفحه ۱۰

جدول شماره ۲
محصول نفت خام و تصفیه شده در ایران
(به میلیون میشکه)

معدن	۱۹۰۶	۱۹۰۹	۱۹۱۰	۱۹۶۱	درصد تولید در رسال ۱۹۱۱ انسیست بهر منطقه
آغاز جاری	۱۳۵/۰	۲۱۸/۰	۲۴۴/۵	۲۵۸/۲	۰۹/۸
اهواز	-	-	۲/۲	۲/۶	۰/۸
گچساران	۴/۷	۲۱/۶	۴۰/۲	۹۲/۱	۲۱/۴
هفتگل	۳۰/۸	۵۶/۹	۵۹/۰	۴۵/۷	۱۰/۶
لالی	۲/۶	۵/۴	۴/۷	۴/-	۰/۹
مسجد سلیمان	۱۴/۴	۱۶/۴	۱۷/۱	۱۲/۷	۲/۹
نفت سفید	۷/۶	۱۹/۷	۱۰/-	۱۲/۲	۲/۸
جمع	۱۹۰/۶	۲۳۶/۸	۳۸۳/۴	۴۲۷/۵	۹۹/-
۲- شرکت ملی نفت ایران:	-	-	-	۰/۲	۰/۷
البرز	-	-	-	۲/۴	۲/۹
نفت شاه	۱/۷	۱/۹	-	-	۰/۳
۳- سیرپ (شرکت نفت ایران وایتالیا) :	-	-	-	-	-
بهرگان سر	-	-	-	-	-
۴- آیاک (ایران-پان- آمریکن) :	-	-	-	-	-
داریوش	-	-	-	-	-
جمع کل	۱۹۷/۳	۳۲۸/۸	۳۸۵/۸	۴۳۱/۹	۱۰۰

هدف دوم شرکت ملی نفت بقول اداره کنندگان آن تأمین نیازمندیهای اخلي است مشخص است
و میزان مصرف داخلی نفت و فراورده های آن در داخل کشور بجزیره است: (۱)

سال	مصرف داخلي نفت (به میلیون پیتر)
۱۹۰۴	۱۴۹۳
۱۹۰۵	۱۶۷۰
۱۹۰۶	۱۸۶۰
۱۹۰۷	۲۰۶۴
۱۹۰۸	۲۳۴۷
۱۹۰۹	۲۸۰۲
۱۹۱۰	۳۲۱۲
۱۹۱۱	۵۳۲۴

(۱) "تهران اکنومیست" ، شماره ۴۵۱، ۲۶، ۱۳۴۰، صفحه ۳۱

مقایسه مصرف سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ نشان میدهد که میزان مصرف حد متوسط سالیانه صدی ده افزایش یافته است. از کل مصرف نفت در کشور ۲۸٪ رانفت کروه، ۲۲٪ رانفت گاز، ۲۵٪ رانفت سفید و ۱۶٪ رابنین تشکیل میدهد که اساساً توسعه کسرسیوم بین المللی نفت در اختیار شرکت ملی گذارد و میشود. کسرسیوم بین المللی نفت با پائین آوردن قدر ارتصفیه در پلاسکاوه آبادان هریمال اشکالات جدیدی در راه تأمین نیازمندیهای داخلی ایران بوجود میآورد. هم اکنون نحوه مصرف فراوردهای این نفتی که در فوق بد انداشته شد طوریست که همچنان تسبیب میشود. مثلاً مشتقات حاصله از هرچند نفت کروه، ۱۴٪ نفت گاز، ۱۳٪ نفت سفید و ۱۳٪ بنزین (۱) اگر میزان نفت تصوفی شده در پلاسکاوه آبادان همچنان قوس نزولی راطی توانید (باد رنگرگفت) قوس صعودی مصرف داخلی فراوردهای این نفتی) مقاکن سورج چارخان بزرگی در سالهای آینده خواهد گردید. لذا اگر شرکت ملی نفت طبق ماده ۲ برنامه خود در حقیقت تیزخواهان تأمین نیازمند بهاید اخلي کشاورزی است میباشد در درجه اول مانع از سینزولوی میزان نفت خام تصوفیه شده در پلاسکاوه آبادان نموده باشد. از این راه هم چنین میتوانست کمکی باجرایی هدف نخست خود داشته باشد اگر به افزایش درآمد ایران نموده باشد. ولی تعیین میزان تصوفیه نیز بوجوب قرارداد از اختیارات انصاری شرکت تصوفیه وابسته به کسرسیوم بین المللی نفت است و شرکت ملی نفت ایران حق کوچکردن دخالت راد راموشکرت میتواند اراده هدف سوم شرکت ملی نفت ایران عبارتست از بسط نفوذ در خارج از ایران. مسلماً از شرکتی که حتی اجازه ندارد ۱۲/۵٪ سهم نفت خامی که بوجوب قرارداد بینی تعلق میگیرد در خارج از کشور بفروش رساند، نمیتوان انتظار سط نفوذ ایران را در خارج داشت.

طبق ماده ۲۳ قرارداد با کسرسیوم بین المللی نفت ۱۲/۵٪ از مجموع نفت تولیدی ایاد را خلیجاً دلت ایران گذارد و شود. ولی همین ماده در معین حال دلت ایران راملزم میباشد که مازاد مصرف داخلی از ۱۲٪ را مستقیماً باشرکتهای مازلی بفرموده. در این زمینه اظهارات مدیرکل وزارت اقتصاد اسلام غربی به مخبر روزنامه "اطلاعات" جلب نظر میکند. او میگوید: «کمپانیهای اینفتی الامان فدرال خلیجی مایل بودند نفت را مستقیماً از شرکت ملی نفت بخرند، ولی در این راه دفعه ای از بسط نفوذ در خارج از ایران (۱) شرکت ملی نفت سهم خود را کلاً به کمپانیهای امریکائی و انگلیسی بفرموده که اینها نیازمند ریازاری و بیافروش میباشند و (۲) تعبده شرکت ملی نفت دایریا پنکه نمیتوانند نفت را کمتر از قیمت جهانی بفرمودند» (۲).

با استناد به اظهارات مدیرکل وزارت اقتصاد الامان غربی میتوان گفت که شرکت ملی نفت در شرایط فعلی بهیچوجه قادر نخواهد بود رابطه مستقیم بازار جهانی برقرار سازد (بخصوص اینکه عین چنین تمهبدی را شرکت ملی نفت در قرارداد با کمپانیهای پان آمریکن و ایجاد میتواند) و بوجه احسن نخواهد توانست از این نظریق نفوذ خود را در خارج بسط دهد. طریق دیگری که مسئولین شرکت ملی نفت ایران برای بسط نفوذ ایران در خارج ارائه میدادند عبارتست از "انعقاد قرارداد های نفتی شبیه قرارداد هایی که با شرکتهای آجیپ میتوانند و پان آمریکن منعقد شده و ایجاد شرکتهای مشترک" (۳).

مقامات حاکمه ایران ایجاد رسانهای اخیر ریارهای مزبور تبلیغات دامنه داری آغاز نموده اند که هنوزهم ادامه دارد. آنها مدعی هستند که با انعقاد قرارداد هایی جدید نفتی، که گویا در آن سهم ایران ۱۲٪ است، امتیاز نزدیکی از امیریا لیسته اگرفته و "صفحه جدیدی" در روابط بین کشورهای صادر رکنند. نفت کمپانیهای غارنگر خارجی بازگرداند. مسلمان چنین فرضیه ای ادعایی پیش نیست. برای دلایل این نظر بطور اجمالی قرارداد های مزبور اموری و تحلیل قرارداد هیم.

نخستین قراردادی که پن از قانون ۱۳۳۶ در ریاره نفتی ایضاً رسید قراردادی بود که شرکت ملی نفت در ماده ۱۳۳۶ (اوی ۱۹۵۷) با شرکت دلتی ایتالیائی "آجیپ میتواریا" منعقد ساخت. بوجوب

(۱) "تهران اکنومیست" ، شماره ۱۳۴۱، ۲۷ مداد ماه ۱۳۴۱، صفحه ۱۵

(۲) "Междуннародная жизнь" N.6, 1962 г. стр. 90

(۳) "تهران اکنومیست" ، شماره ۲۷، ۴۷۲ مداد ۱۳۴۱، صفحه ۱۵

این قرارداد شرکت جدید ایران و ایتالیا بنام "سیوپ" با سرمایه ۱۰ میلیون ریال که بطور متساوی پرداخت گردید تشکیل شد تاریخ ۲۹۹۰ کیلومتر مربع از خاک ایران واقع در خلیج فارس، جبال زاگرس و سواحل مکران با کشف پیروز ازد (۱) مدت قرارداد ۲۵ سال با اختیار تبدیل سه دوره پنج ساله، یعنی مجموعاً ۴۰ سال می‌باشد. کلیه هزینه های انتسابی بین طرفین تقسیم خواهد شد. ازتن قرارداد چنین مستفاد نمی‌شود که ۷۵٪ درآمد متعلق با ایران است. معجب قرارداد ایران حدود از مجموع نفت خام ۵٪ برای صرف اخلی باقیت تمام شده باضافة حق کمیسیون بردارد، الباقی نفت خام بالتساوی بین طرفین تقسیم می‌شود، فقط در صورتیکه "سیوپ" حاضر نباشد نفت از شرکت ملی نفت ایران خرد ازی کند، طرف ناببرده میتواند سهم خود را به ریزید ازد بگیرد و شرطی که قیمت آن با بهای اعلان شده نفت در خلیج فارس فرق نداشته باشد. این ماده برای آن در قرارداد گنجانده شده است تا تنازع تکسریومین المللی نفت در نظرگرفته شود و در عین حال ایران را زفروش آزاد نفت در زیارهای جهان محروم کرده باشد.

دومین قرارداد را در سال ۱۳۲۷ (ژوئن ۱۹۵۸) بین شرکت ملی نفت ایران و کمپانی امریکائی "پان امریکن پترولیوم کمپویشن" که یکی از شرکتهای فرعی کمپانی بزرگ "استاندارد اویل اف ایندیا" است منعقد شد. طبق قرارداد کمپانی جدید "ایران-پان امریکن اویل کمپانی" (ایپاک) با سرمایه اولیه ۵/۷ میلیون ریال که بالتناصفه پرداخت شده تشکیل گردید. ایپاک در ۱۱ هزار کیلومتر مربع از آسمانهای خلیج فارس و سواحل مکران آغاز فعالیت نمود (۲). مدت قرارداد باتبدیل سه دوره ۴۰ سال است. سومین قرارداد روزنامه ۹۵۸ (۱۹۵۸) ایکمپانی کانادا اعیانی "سافا پیوتولیوم لمپتد" با شرایط شبیه به قرارداد ایران و ایتالیا منعقد گردید که در اراضی بمساحت یک هزار کیلومتر مربع در سواحل خلیج عمان مشغول اکتشاف است.

وقتی مقامات ایرانی درباره قرارداد های مزبور سخن میگویند از سخنان آنها چنین بر می‌آید که گویا ایران فقط منابع نفتی خود را اختیار احصارهای نفتی خارجی کنار دارد و ازین بابت ۷۵٪ سود را فاتح میدارد. ولی واقعیت اینست که در هر سه کمپانی مذکوره درجه در رفق ایران سرمایه برابر بولی گذارد و است ۵۰٪ سرمایه بولی متعلق بایرانست که نقداً پرداخت ننموده، لذا اقانت حق پرداخت نمود ۵۰٪ درصد از سود شرک را نیز ارد. و ماهریک از شرکتهای نهمنیاد مزبور مانند هر شرکت دیگری که در ایران به ثبت رسیده باشد موظفند طبق قانون ۵۰٪ مالیات پردازد را مسدود نموده. یگانه مبلغی که مالد ایران می‌شود عمارت از همین ۵۰٪ مالیات پردازد است که مبلغ آن مساوی ۲۵٪ کلیه سود و پیشرفت خرفا خواهد بود. تصادف فانجه در قرارداد های مزبور رنترگره نشده است مثابع نفتی ایرانست که موضوع اصلی شرکت است در حقیقت نفت ایران در هر سه قرارداد دون مالک بحساب آمد است. زیرا هیچ چیز از کمپانی‌های خارجی در رازهای متابع نزیر مینی که متعلق بطرف ایرانیست دیناری بعنوان بهره مالکانه و یا ارزش ذاتی نفت و یا هر عنوان دیگری متعاب نمی‌شود (۳). بر عکس در قرارداد های جدید ایکمپانی را بشتری به کمپانی‌های خارجی شرکاء ایران داده شده است. مثلاً فرسه شرکت نفت تولیدی را بد و پرداخت دیناری حق گرفت و عوارض مالیات غیره از ایران صادر خواهند نمود. شرکتهای مزبور حق دارند هر گونه ساختن راه شوسه و آهن، تلگراف و تلفن، ایستگاه رادیو و فرودگاه وغیره وغیره که خواسته باشد ایجاد واحد اث نمایند بد و اینکه عوارض و مالیاتی بد ولت ایران پردازند. علاوه بر این کالاهایی که کمپانی‌های خارجی وارد می‌کنند از پرداخت حقوق گمرکی معاف هستند. خسارتهای از این راه بخزانه د ولت وارد نمی‌شود سر به

(۱) مجله "روشنگر" ، شماره ۴۴۵، ۱۲ خرداد ۱۳۶۱ ، صفحه ۴۲

(۲) همانجا

(۳) بوجوب قرارداد منعقد بایان آمریکن، کمپانی مزبور ۲۵ میلیون دلار بعنوان سرقالی بایران پرداخته است. ولی کمپانی قسمت عده این مبلغ را بعد از در حساب خود مستتبک خواهد کرد، باین معنی که د ولت ایران تا حد تا حد سال در موقع اخذ مالیات پردازد باید را رد کمپانی امریکائی را مبلغ ۲ میلیون دلار کمتر بحساب بیاورد و بنابراین سالیانه ۱/۷ میلیون دلار از اموال مالیات بگیرد. پس کمپانی در واقع پس از د سال ۱۷ میلیون دلار با صلح سرقالی خود را از ایران پس خواهد گرفت.

میلیونه ریال میزند. مثلاً فقط در سال ۱۳۳۹ "پان آمریکن" ۵۴۸۰ ۳۲۷ کیلو کالا بقیمت ۱۱۲۹۶۲۳۶۳ ریال وارد ایران کرد و اند بد ون اینکه پیشیزی حق گمرک و یا عوارض بپردازد (۱).

از همه مهتر ماده ایست که مثلاً در قرارداد نفت یا پان آمریکن گنجانده شده و حق فسخ یک جانبه قرارداد را از دلت ایران سلب نموده است که تخطی اشکار بحق حاکمیت ایرانست.

بدون تردید اهمیت خاص جنبه سیاسی قرارداد هارانیزباید از نظر دلت اشت. از نقطه نظر سیاسی اینگونه شرکتها پایگاه امپریالیسم در ایرانند. لذا برخلاف ادعای ولی‌اُمرو شرکت ملی نفت ایران انعقاد قرارداد های نفتی شیوه قرارداد های مورد بحث نه اینکه طریق بسط نفوذ شرکت در خارج از ایران نیست، بلکه درست برعکس یکی از مهترین طرق بسط نفوذ استعمار در میهن ماست. صدق این مدعای میتواند وجود کنسرسیوم بین المللی نفت بطور واضح مشاهده نمود.

کنسرسیوم بین المللی نفت از ظاهر استعمار جمعی

از هم پاشیدن سیستم استعماری و میل کشورهای کم رشد به ایجاد اقتصاد ملی مستقل خواه و ناخواه سرمایه های خارجی را تحت فشار قرارداده و این امنیت چهه خود سبب شده است که کشورهای امپریالیستی در روابط اقتصادی خود با کشورهای کم رشد تجدید نظر ننمایند.

بدینه ایست که شرایط بین المللی در حال حاضر امکان بهره کشی از اهالی و منابع طبیعی کشورهای کم رشد را مانند سابق از امپریالیسم سلب نموده است. تغییر نیرو و روحانیت بین المللی، امپریالیست هم اسرا و اد رمیسازد که ماهیت غارتگرانه اعمال وکرد ارخید را در کشورهای کم رشد با اشکال و شیوه های نوینی پردازد.

در برنامه حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی گفته میشود: "امپریالیستها سعی دارند با توسل به شیوه های نو و با اشکال تازه با استعمار استعماری ملاد امداده هند" (۲). در عین حال سعی دارند عقب نشینی های راکه نتیجه مستقیم مبارزه خلقهاست به تابهه تجدید نظر را در دل روابط استعماری گذشته جلوه گرسازند. اصل تقسیم درآمد "۵۰-۵۰" نفت یکی از اشکال تازه استعماری است که از سال ۱۹۵۴ در میهن ماتطبیق میشود.

در سال ۱۹۶۱ در ایران ۵۸ میلیون و ۸۰۰ هزار تن نفت استخراج شده است. از این مقدار بحساب سرمایه ملی تقریباً ۷٪ درصد میرسد. بقیه نفت از مطالعه از طرف کنسرسیوم بین المللی نفت کنترل میگردد بدست می آید.

رشد یکجانبه اقتصاد ملی که زائیده سلطه امپریالیسم است سسئله درآمد نفت را بیک محض مهمنی مدل ساخته است. هم اکنون درآمد نفت ۱۰٪ درآمد ملی ایران را تشکیل میدهد. در شرایط فعلی عقب مانند گزین اجتماعی - اقتصادی کشور درآمد نفت (علی رغم اینکه بخش مهمنی از این نصیب امپریالیستها میشود) میتواند نقش مؤثری در رشد اقتصاد ملی داشته باشد. - بود جه کشور از طریق درآمد نفت تا ۱۰٪ میشود (۳). علاوه بر این بطوریکه ارقام جدول شماره ۴ نشان میدهد قسم اعظم درآمد ارزی دلت نیز از نفت تلا مین میگرد د.

(۱) "تهران اکونومیست" ، شماره ۲۷، ۱۳۴۱ مداد ۲۷، صفحه ۸

"Three-Monthly Economic Review. Annual Supplement Iran" (۲)

July 1959, P. 11

(۳) جدول از من سخنرانی دکتر غلامرضانیک پی در سمینار نفت که در مجله "تهران اکونومیست" شماره ۴۲۵ در ۱۳۴۱ شهربیرون ماه ۱۷ بچاپ رسیده استخراج شده است.

درج جدول شماره ۴ دریافت از نفت شامل درآمد دلت از نفت و ارزی که کنسرسیوم بین المللی نفت در مقابل ریال بیانک فروخته است میباشد.

پیکره های مندرجه در جدول مزبور حاکیست که در عرض ۷ سال (از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴) حد متوسط نسبت ارز زیارتی از نفت به کل ارز وارد و بخزانه کشور ۵٪ و بدین درنظر گرفتن وام و "کلت" خارجی ۱٪ است. مسلماندار چنین شرایطی مستغل میزان دارآمد نفت برای اقتصاد کشم حائز اهمیت فراوان است.

گردانندگان کنسرسیوم بین المللی
نفت و عمالین داخلی آنها چنین و نامود میکشند
که گویا با تقسیم باصطلاح "۵۰-۵۰" درآمد
انحصارها و مشکوهای صیاد رکنند "نفت هیچ
فرقی با یکدیگر ندارد" مدیرعامل "استاندارد"
اویل کمپانی (نیوجرسی) "پیچ، همانکسی که به
محبیت دستخوش اینی قرارداد شوم با کنسرسیوم
نفت را مفهومی است دعویست که حتی سهم
کشورهای صاحبان اصلی نفت از سود و پریه بیش
از ۵٪ است. لذا دیگر نمیتوان را استثمار
کشورهای منزه توسط انحصارهای نفتی سخن
نکفت (۱). ولی واقعیت وجود کذب گفته های
پیچ را بیشتر میتواند. نتفخواران جهانی حتی
از میانی که بعنوان باصطلاح ۵۰٪ سود و پریه
مید ولت ایران میبد ازند، سالیانه مبالغ هنگفتی
بینناوین مختلفه که در ذیل نشان داد و خواهد
شد از این میگیرند.

طبق مقدمة وداده اول بخشش و
قراراد اشرکت ملی نفت ایران متعدد شده
است که مبلغ ۲۵ میلیون لیهه با قساطد هسال
زیبایت بهای پایا شکاه که مانتهه ، بعد نفت
شاهه و "غرامت" ازبایت خسارتی که کوید رنتیج
ملی کردن صنایع نفت در ایران به "بریتیش
کمپانی" (شرکت ساق نفت ایران و انگلیس)
وارد شده بود ازد . سالها است که دولت
سالیانه ۵ میلیون ریال ازاین بابت بشکر
سابق میبورد ازد . غرامت منور شرکتی بود اخت
مشیود که طی ۴۳ سال با سرمایه گذاری ۱۱ ملیون
لیهه انگلیسی در سراسیه غارت منابع زیرزمینی ایران
واستعماری بند و باره ها هزار فراز براد ران
کارگران مبلغی در حدود ۱۰۰ میلیون لیهه بشرط
زنیزید است آورده است (۲)

(۱) و (۲) ارقام از کتاب "پنجاه سال نفت ایران"؛ مصطفی فاتح استخراج شده است.

مجموع نفتی که شرکت درد روان فعالیت در ایران استخراج نمود
سودی که شرکت درهمن مدت بسایر سهام پرداخته است
مالیاتی که بدول افغانستان درهمن مدت پرداخت شده
مجموع جوهری که شرکت صرف سرمایه گذاری نموده است

حق الامتیاری که در مقابل اینهمه درآمد ایران پرداخت شده فقط و فقط ۱۰۵ میلیون لیره یعنی
۷۰ میلیون لیره کمتر از مبلغی است که شرکت سابق بدول افغانستان بعنوان مالیات داده است.
درقرارداد باکسرسیوم بین المللی نفت نوشته شده است که شرکت سابق بادارنظر گرفتن وضع بد
مالی ایران بدراحت ۲۵ میلیون لیره غرامت که گویا در واقع با مبلغ اصلی "غرامت" وارد مطابقت ندارد ارضی
شد بدینسان مقامات کنسرسیوم بین المللی نفت نه تنها بد ون هیچگونه مجوز قانونی سایانه مبلغ معنایش
از خزانه دولت ایران بگاوصند و قهقهه شرکت سابق در لندن منتقل میکنند، بلکه منتهی هم بدین مردم ایران
میگذرند.

دوازده تشکیل کنسرسیوم بین المللی نفت بنابراین اتفاقی که بین اعضاء هارتل بین المللی نفت بعمل
آمد بود، اعضاء یگر کنسرسیوم متعهد شدند ۶۰۰ میلیون دلار بشرکت سابق افغانستان و ایران که حاضر
شد بود ۶۰٪ از سهام اولیه خود در نفت ایران رایه کمپانیهای امریکائی، فرانسوی و هلندی واکد ارکت
بپردازند. نود میلیون از این مبلغ نقداً پرداخت گردید. برای پرداخت ۵۰٪ میلیون دلار بقیه از هر کشور
نفت ۱۰ سنت بحساب "بریتانیا کارگردان" میشود (۱). آنچه از طبق اعتراف مجله "پترولیوم
تا یمز" (۲) مبلغ منبور از میزان درآمد ویژه نفت "کسر میگردد، لذا نصف آن خواه تاخوا بر حساب درآمد
ایران منظور میگردد". مجموع جوهری که بدین طریق از سهم ایران تاول زانیه ۱۹۶۱ کسر شده تقریباً در
حدود ۱۰۰ میلیون دلار است (۳). آقای ستاتور لسانی در سال ۱۹۵۴ بحق ازد کثرعلى اینه عاده قرار داد
نفت در این زمینه سوال کرد که: "اگر این معلمه است بین کنسرسیوم نفت و شرکت سابق، پسچه دلیلی
۵۰٪ آنرا از میگیرند؟ متأسفانه این سوال نیز مانند های وارد یکری که مرد در موقع خود
طرح میکردن بی جواب ماند. بدینسان مجموع "غرامت" که شرکت سابق از بابت نفت ایران از اعضاء دیگر
کنسرسیوم بین المللی نفت و از همه ضحکت از صاحب اصلی نفت یعنی ایران درافت نمود عبارت بود از مبلغی
در حدود ۱۴۰ میلیون لیره تقدیم دارایی به ارزش ۱۵۰ میلیون لیره که بعنوان عضو کنسرسیوم — وی
تعلق میگیرد (۴).

طبق ماده ۶ بخش اول قرارداد با اگر ارکلیه مؤسسات صنایع نفت ملی شده در اختیار کنسرسیوم
بین المللی نفت، ایران سالیانه ۱۸۸ میلیون دلاری که میتوانست و میتوانست از بابت استهلاک ماشین آلات
دریافت ازد استداد. علاوه بر این بعوبت مواد ۶ و ۲۲ از بخش اول قرارداد، پرداخت کلیه هزینه های
ایجاد مؤسسات جدید و همچنین مخارج مد نیزه کرد ن کارخانه ها و معادن موجود بعنوان اینه کلیه
ماشین آلات متعلق با بیانست، بد و استنداً بعده دولت ایران گزارده شده است. حال آنکه اجازه
استفاده از مؤسسات مزبور بد ون یکنده دیناری از این بابت بد ولت ایران پرداخت گردد، منحصر در راه اختیار
کنسرسیوم است. از همه مهمترانه کسوار استهلاک ماشین آلات بحساب کنسرسیوم منتقل میشود.

۷ اوست ۱۹۵۴ دکتر على اینه درنخستین کنفرانس طبوعاتی خود بخبرگزاران گفت که دولت ایران
باید در ۱۰ ساله اول انعقاد قرارداد ۲۱ میلیون لیره صرف تعمیر و مد نیزه کرد ن پا لایشگاه آبادان و
معدن نفت کند (۵). ولی تجربه شان داد که مخارج خیلی بیش از این مبلغی است که دکترا مینی گفته

"P.W.E. Skinner. Oil and Petroleum Yearbook , London (۱)

1955. P. 49

" Petroleum Times", August 20, 1954, P. 845 (۲)

" Petroleum Press Service " May 1959, P. 204, (۳)

Januara 1961, P. 4

(۴) "نفت ایران" الول ساتن، چاپ روسی، صفحه ۴۰۵

(۵) همانجا، همان صفحه

بود. فقط در سال ۱۹۵۸ مجموع مخارج میزوبه ۲۷/۲ میلیون دلار رسید (۱) علاوه بر این کسرسیوم بین المللی نفت سالیانه ۱ میلیون دلار به عنوان "هزینه فروش" ازدارد ناویزه ایران کسرمیکند (۲).

آنچه در فوق بدان اشاره شد مبالغی است که کسرسیوم بین المللی نفت بنحوی ازانحاء بدولت ایران تحمل نموده است. البته مسئله تجاوز بحقوق ایران بدینجا خاتمه نمی پذیرد. بعوجب قرارداد، آنچه کسرسیوم بدولت ایران میبود ازدیعارت است از مبلغی در حدود $\frac{1}{4}$ بهای اعلان شده نفت بعنوان "پرد اخت مشخص" باضافه مبلغی مالیات برد را بدasherطی که مجموع "پرد اخت مشخص" و مالیات برد را بد از نصف "سود و نیویه" کسرسیوم بین المللی نفت تجاوزنماید. این همان فیروزی است که نام آنرا تقسیم عاد لانه "۵۰-۵۰" گذارد ه اند.

خدت هد مقامات کسرسیوم از زد رهم آمیختن "پرد اخت مشخص" بمالیات برد را بد و بغيرج سا محاسبات اینست که مبلغی را که میباشد بعنوان "ارزش ذاتی نفت" یا "بهره مالکانه" و یا "حق الامتیاز" در ازاء مدد نفت که موضوع اصلی قرارداد است و مورد بهره برد اری قرارمیگیرد، پرد اخته شود، لوث نتند. بعوجب قرارداد، شرکت ملی نفت ایران گواهنت رابکسرسیوم بین المللی میفروشد ولی از بابت بهای کالای مورد معامله وجهی دریافت نمیکند. زیرا آنچه با ایران پرد اخت مشخص بحسب اعلان مالیات برد را بدی است که شامل هر موسمه بازگانی است.

در طبقه نامه شماره ۳۲ (۴) سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) گفته میشود: «..... ترتیباتی که در حال حاضرین کشورهای عضو و شرکتهاي نفتی برقرار است در واقع متضمن هیچگونه پرد اختی از بابت ارزش ذاتی نفت نمیباشد. زیرا هر چه بعنوان حق الامتیاز یا پرد اخت مشخص بحسب می اید عینا از میزان بد هی مالیاتی شرکت کار میشود» (۵).

از کشورهای عضو اوپک فقط ونزوئلا علاوه بر ۵% مالیات از سود و پیو مبلغی در حدود $\frac{1}{11}$ -% $\frac{1}{25}$ -٪ باعنوان بهره مالکانه دریافت میکند. در قرارداد هایی که اخیرا بین عوستستان سعودی و کویت با شرکت بازگانی را پنی ضعقد گردیده میزان بهره مالکانه ۲۰٪ تعیین گردیده است (۶). از آنچه گفته شد میتوان نتیجه گرفت در حدود ۸ سالی که ازانعقاد قرارداد با کسرسیوم میگذرد، نتخواران امریکائی و انگلیسی و فرانسوی و هلندی سالیانه حداقل ۲۰٪ از سود و پیو را که میباشد بعنوان بهره مالکانه یا "ارزش ذاتی نفت" و یا "حق الامتیاز" با ایران بد هندخود تصاحب نموده اند.

بازی باقیمانده

یکی از شیوه هایی که کسرسیوم بین المللی نفت برای تقلید را در ایران وافزایش سود خود بکار میبرد بازی باقیمانده است. نخستین مرحله این بازی با تخفیف رسمی نرخ اعلان شده نفت آغاز میگردد. هم اکنون تخفیف رسمی که بارضای طرفین برای ایران قائل شده اند ۲٪ نرخ اعلان شده است (۷). در سالهای بین ۱۹۵۰-۱۹۶۰ این مبلغ برای هر شکه نفت صادراتی ۴ سنت بود یعنی فقط در عرض سال مبلغی در حدود ۳۷ میلیون دلار از سهم ایران کسر و بسود کسرسیوم اضافه گردیده است (۸). تازه خسارتری که بدین طریق با ایران وارد میشود خیلی کمتر از آن مبلغی است که ایران در نتیجه تقلیل بکجانبه نرخ اعلان شده نفت از طرف کسرسیوم ازدست میهد.

تاجنگ جهانی دوم قیمت نفت خاورمیانه و زد یک اعلان نمیشود. بعد از جنگ جهانی دوم

(۱) "Iran Press Bulletin for Trade and Economics" June 1959

(۲) روزنامه "اطلاعات" ، ۱۱ مرداد ۱۳۴۱

(۳) روزنامه "کیهان" ، ۱۱ تیرماه ۱۳۴۱

(۴) روزنامه "اطلاعات" ، ۱۱ مرداد ۱۳۴۱

(۵) "World Petroleum Report" 1957 P. 122

(۶) ارسال ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰ مقدار ۱۲۶/۲ میلیون تن و یا ۹۴۱/۵ میلیون بشکه نفت از ایران صادر شده است.

انحصارهای نقیبجهانی چند مجبور شد نرخ نفت را خاورمیانه ونزویلک اعلان کند. نخستین نرخ اعلان شده نفت در خاورمیانه ونزویلک بیان قیمت نفت در آمریکا (باد رنظرگرفتن فرق بهای حمل و نقل تامکت صرف نفت) تعیین گردید. از نیمه دوم سال ۱۹۴۸ که امریکا از شهرو صادر کنند نفت به وارد کنند آن مدل شد، نرخ اعلان شده نفت خاورمیانه ونزویلک را با قیمت نفت ونزویلا برای رساختند (۱). با اید متذکرشد که در این دهه اعلان شده نفت خاورمیانه ونزویلک به قیمت جهانی فروخته میشد. ولی پرسود نرخ اعلان شده نفت در بنادر رخیج فارس نسبت به قیمت جهانی تقاضی یافته و فرق بین آنها رفته رو بازدید کرد که در سال ۱۹۶۰ این فرق برای هر بشکه نفت به ۰/۵ دلار رسید (۲).

از آنجاکه شرکتهای تولید کنند نفت در خط عمودی کلیه عملیات نقیب از مرحله استخراج تا فروش آن بصرص کنند نهایی انجام میدهند لذا از نرخ اعلان شده در بنادر مدل فقط برای محاسبات داخلی آنها ضرورت دارد. مجله "اکنومیست" چاپ لندن ینویسید: « نرخ اعلان شده در حقیقت بهای واقعی فروش نفت در بازارهای جهان نیست، بلکه میاری است برای تعیین درآمد ولتهاز نفت » (۳). سهود واقعی انحصارهای برای اساس بهای فروش فراوردهای نقیب تعیین میشود.

نقطه از راه بازی باقیتنهای انحصارهای نقیب بین سالهای ۱۹۵۴-۱۹۵۹ پنج و نیم میلیارد دلار سود اضافی از نفت خاورمیانه ونزویلک بدست آورد که نیمی از آن میباشد بکشورهای صادر کنند نفت تعلق گیرد (۴). لذا اگر میزان سود ویژه کنسرسیون بین المللی نفت منحصر با رنظرگرفتن نرخ اعلان شده تعیین کنیم، سهم وی از سود عمومی بین سالهای ۱۹۵۹-۱۹۵۴ حداقل ۱۲٪ و سهم ایران فقط ۳٪ بوده است. یعنی در رواج انحصارهای نقیب مدتهاست که اصل تقسیم باصطلاح "را زیر با گذارد" اند. این حقیقتی است که حتی پروفوسور میرکاشی ادیت پنوز نیز بدان معترض است. او ضمن تحلیل باصطلاح اصل "۵۰-۵۰" مینویسد: « نرخهای نقیب که کمپانیهای استخراج کنند بفروش میرسانند توسط خود آنها تعیین میگردند. ولی قسمت اعظم نفت بیانی که از پیش معین شده است نصیب شرکتهای خارجی، یعنی سهاد ایران این کمپانیهای استخراج کنند میگردد. همان شرکتهای خارجی با شعب آنها در عین حال بخش عدد بزار جهانی را تحت کنترل خود آورند، لذا این سیار بعدین نظر میگرد که آنها در تعیین نرخهای که سهم مود شان برآسان این معین میگردند و بالنتیجه در تعیین میزان درآمد کشورهای تولید کنند نفت نیز دخیل است نفوذ خود را بکاربرند » (۵).

هل جوشون معاون مدیر مجله هفگنی انگلیسی "نیوستیمن" عین همین نظر را چنین تشریح میکند: " محاسبه پرداختهای امتیازاتی برآسان نرخ هر بشکه نفت انجام میگرد و این نرخ نیز در همان نقاط حمل و ارسال نفت بخارج منطقه استخراج نفت تعیین میشود و همچنین ارتباطی با نرخهای نهائی فروشنده است. آنچه که باصطلاح جریان فروش نامده میشود بجز یک معامله روى کاغذ چیزی نیست. ترکیه در نقاط حمل و ارسال اعلان میگردد فقط جزو چوچکی از نرخ واقعی نفت در بازار جهانی است. دفاتر محاسباتی کمپانیهای استخراج کنند نفت درنتیجه این امر سود شرکتهای مادر را که فروشنده نفت در بازار جهانی هستند منعکس نساخته و فقط میزان حق سهم های را که حاضرند برآسان موافقت بین خود بهارند معین نمایند » (۱).

در حال حاضر رآمد ایران از نفت برآسان ۵۰٪ مالیات از سود ویژه کنسرسیون بین المللی نفت تعیین میگردد. و امداد رآمد ویژه ای که کنسرسیون از آن مالیات میگرد ازد عبارتست از قیمت نفت خام تولیدی بر

(۱) "کارتل بین المللی نفت" ، صفحه ۴۲۷

(۲) همانجا ، صفحه ۴۳۱

(۳) نقل از "کیهان" ، ۲۵ تیرماه ۱۳۴۱

(۴)

" The Egyptian Gazette". October 21, 1960 ;

" Magazine of Wall Street and Business Analyst" November 5, 1960 , P. 177,201

" Economic Journal " , June 1959 , P.243-244

" New Statesman " , July 13, 1957 , P.53

(۵)

(۶)

ماعذنخ نرخ اعلان شد همهای هزینه عملیات وغیره . نرخ اعلان شد طوری تعیین میگردد که در اصل سهم کشورهای صادر کرندۀ نفت بیش از $\frac{1}{3}$ را در آمد عمومی را تشکیل نموده . پول جونسون مبنیوسید که سهم کشورهای صادر کرندۀ از استخراج ، تصفیه و حمل و نقل و فروش نفت در حدود $25\% - 30\%$ دارند کل است (Connor ۱۹۷۰) . هر چنان‌یست امریکایی د رتایید همین نظر اقول اقتصادیون ایرانی مبنیوسید که سهم ایران از رآمد نفت یک

چهارم سود و پردازشرسیوم بین اطلاعی هفت است (۱) .
بدینسان بازی با قیمتها یکی از طرق اساسی تقلید رآمد ایران از نفت و انتیجه افزایش سود غارتگران
نقتخوار عرض و کسرسیوم بین المللی در رسالهای پس از ۱۹۵۰ بوده است . هم اکنون نیز اعلان شده بریناد
خلیج فارسی به نازلترين میزان خود در رسالهای اخترنیل یافته است . از اواسط سال ۱۹۵۳ تاکنون نیز
نهایت اعلام شده دخام منابع هیچ حقیقت نیما نیست ، فعلی تهدید است (۲) .

نفت خام اعلام شد در حراور میانه هیوچوست پیمان را رساند یعنی بیوکه ۱۳ سنت ترقی در روابط سال ۱۹۵۷ نزخ اعلان شد در خلیج فارس بهمیزان متوسط هر شکه ۱۳ سنت ترقی نمود. ولی قیمت‌های منور یک باره در اوائل سال ۱۹۵۹ هاردد یگرد راوت ۱۹۶۰ تنزل کرد و سطح قیمت‌ها پایه‌شین تر از آنچه پیش از سال ۱۹۵۷ بود کاهش یافت. مثلاً بهای نفت خام ایران از بضع ۳۴ درجه ۱۰ بی. ای. که در اوخر سال ۱۹۵۷ هر شکه ۲ دلار و چهار سنت بود، طی دور حمله تنزل متواتی بهمیزان فعلی، یعنی هر بشکه یک دلار و ۷۸ سنت پائین آمد (۴). دولت ایران فقط از این راه در سال ۱۹۵۹ مبلغ ۲۷ میلیون و در سال ۱۹۶۰ مبلغ ۱۴ میلیون دلار مضرور یگردید (۵).

طبق آمار منتشره از طرف سازمان مل متحد ارزش تمام شده هر شکه نفت خام در بازار میانه وازنجمله ایران طی دو سال اخیر ۱۶ سنت (۱)، یعنی هر تن ۰/۲ دلار بوده است . حال آنکه همین نفت در بازار اروپا از قراتنی کمتر از ۲ دلار (۷) بفروش نمیرسد . آنچه از این مبلغ نصیب ایران میشود ۲۴ شلینگ در مقابله هر تن نفت صادره است (۸) .

میرزا نعمت‌الله امیریان میرزا نعمت‌الله امیریان میرزا نعمت‌الله امیریان
 یکی بگزار طرق تأمین مود اضافی برای کنسرسیوم بین المللی نفت تقلیل میزان تصفیه دیرا لایشگاه
 آبادان است. اگر در سال ۱۹۰۷ نفت خام تصفیه شد در پایشگاه آبادان ۱/۴٪ از مجموع نفت خام
 تولیدی بود، این رقم در سال ۱۹۰۸ به ۱/۵٪ و در سال ۱۹۰۹ به ۱/۶٪ تقلیل یافت. در سال
 ۱۹۱۱ از ۱/۵٪ میلیون تن نفت خام تولید شده فقط ۱۵ میلیون تن یعنی ۱/۵٪ آن در آبادان تصفیه گردید.
 ملت اسلامی کا هش میزان تصفیه در آبادان اینست که صد و نف خام بیش از صد و فوارده های نفتی برای
 کنسرسیوم سود مند است. زیرا بهای فروش نفت خام در کشورهای صرف کنندۀ بازار اعلان شد هر تن نفت
 در بناد رخچیخ فارس حد اقل ۴/۵ دلار فرق دارد. علاوه بر این کشورهای آلمان غربی، انگلستان،
 فرانسه، هلند و بلژیک که وارد کنندگان ۵٪ از نفت ایران هستند براسان نفت خام میهن ماصنایی
 شیعیانی را رکن شهای خود رشد داد و کارجهت بیکاران خود تهیه میکنند. حال آنکه کنسرسیوم بین المللی
 نفت سالیانه هزاران نفر از کارگران ایرانی نفت را که عموماً در صنایع نفت بسربرده اند از کار اخراج میکند. مثلاً
 تعداد کارمندان و کارگران ایرانی از ۴۵۴۷۰ نفر در سال ۱۹۰۶ نزد رسان ۱۹۰۷ به ۳۵۱۹۷ نفر در سال ۱۹۰۶ کاهش
 یافته است. در عرض یک سال یعنی از ۱۹۰۶ تا آخر سال ۱۹۱۱ یازده هزار نفر و یک سوم کارگران ایرانی
 از کار اخراج شده اند (۹).

" New Statesman ", July 13, 1957, p.53

P. 374 (1)

"Monthly Review. An Independent Socialist Magazine" January 1959 (x) P.374 (1)

(١) مداد ماه ۱۳۴۱، "اطلاعات"، "فتی" و "الحال" نامه، ۱۱ صداد.

بران به نیسرسیوم بین انسانی است. اندامات

اطلاعات ۱۱، مرداد ۱۳۹۲

"Международная жизнь", № 6, стр. 90, 1962 г.

(۶) روزنامه "کیهان" ، ۲۷ تیرماه ۱۴۰۱

¹⁴ "Международная Жизнь" № 6, 1962, стр. 89.

(۸) "تهران اکنومیست"، شماره ۴۷۱، ۲۰ صرداد ۱۳۴۱

(۹) "تیران اکونومیست"، شماره ۴۵۱، ۲۶ آسفند ۱۳۴۰

1999-2000
Yearly Report

علاوه بر آنچه گفته شد کنسرسیوم بین المللی نفت باوارد کرد ن کالاهای مورد نیاز بد ون پسرد اخت حقوق گمرکی، سالیانه مبلغ همنگی بخزانه د ولت ضرر میزند. مثلاً فقط در سال ۱۳۳۹ بوزن ۷۹۰ کیلو به قیمت ۲۲۰۰۰۶۴۹۰۸ ریال بایران وارد کرد است (۱) .
بی مسبب نیست که حتی بموجب ارقام رسمی کنسرسیوم بین المللی نفت در در وران ۸ ساله فعالیت خود باشد و ۲۰۵ میلیون تن نفت ملیخی در حدود ۳/۵ میلیارد لارسود ویره بدست آورده است (۲) . حال آنکه در همهین فاصله در آماده ایران جمعاً ۵۵۷۸۳۱۲۴۰ لیوہ انگلیسی (۳) و ۱۵۴۰ میلیون دلار امریکائی بیش نبوده است.

صنعت نفت و اقتصاد ملی ایران

جدول شماره ۵ نموداری از میزان تولید و تصفیه، صد و نیف تخم و فراورده های نفتی، میزان مصرف داخلی و همچنین تعداد کشتیهای نفتی که از ایران بارگیری کردند میباشد (۴) .

جدول شماره ۵

میلیون تن	کل صادرات	تعداد کشتیهای بارگیری کردند	تعداد کشتیهای آنبارگیری کردند	میزان صادرات خارجی کیلو کرد پر	میزان نفت خام بیلیون تن	میزان نفت شد تصفیه شد بیلیون تن	مصرف داخلی بیلیون لیتر	میزان نفت ایجاد شده بیلیون مترمکعب	میزان نفت توسعه پایا شگاه ایجاد شده بیلیون مترمکعب	میزان نفت توسط کنسرسیوم بیلیون تن	میزان نفت توسعه سالیانه پایا شگاه ایجاد شده بیلیون مترمکعب
-	-	-	-	-	-	۱۴۹۳	-	-	۳/۰	۱۹۰۶	-
۱۴/۸	۳۹۲	۴۷۹	۸/۳	۶/۰	۱۶۷۰	۸/۷۸	۱۰/۱۸	۱۰/۵۷	۱۰/۱۸	۱۹۰۰	۱۹۰۶
۲۴/۲	۷۴۰	۷۴۸	۱۴/۱	۱۰/۱	۱۸۶۰	۱۲/۵۷	۲۰/۹	۱۲/۵۷	۲۰/۹	۱۹۰۶	۱۹۰۷
۳۲/۷	۸۰۴	۹۰۸	۱۸/۹	۱۳/۸	۲۰۶۴	۱۸/۲	۲۳/۴	۱۸/۲	۳۴/۸	۱۹۰۷	۱۹۰۷
۳۷/	۸۴۶	۱۲۱۰	۲۳/۸	۱۳/۲	۲۳۴۷	۱۳/۲	۲۸۰۲	۱۸/۵۷	۳۹/۸	۱۹۰۸	۱۹۰۸
۴۱/۷	۷۶۲	۱۲۰۳	۲۸/۳	۱۳/۴	۲۸۰۲	۱۸/۵۷	۴۴/۷	۴۴/۷	۴۴/۷	۱۹۰۹	۱۹۰۹
۴۷/۰	۸۹۰	۱۱۹۲	۳۲/۹	۱۴/۶	۳۲۱۲	۲۰/۴۴	۵۱/-	۵۱/-	۱۹۷۰	۱۹۷۰	۱۹۷۰
۵۱/۱۹	۷۰۷	۱۱۴۹	۴۰/۱	۱۱/۱۹	۳۵۲۴	۱۸/۱۱۴	۵۷/۱	۵۷/۱	۱۹۷۱	۱۹۷۱	۱۹۷۱

پنکه های مدرجه در فوق بطریوضوح غلظت صنایع نفت میهن طراشان میدهد. مسلمان اگرچه
صنایع عظیم و متایع بیکران در اخشاریه حکومت ملی و متفرق بود بسیار متوانست حتی از درآمد یکساله آن
شالوده صنایع سنگین راد رکنیه ریزی نماید. ولی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ سرنوشت میهن ما
بدست کسانی سپرده شد که منافع امیریا لیستها را بر مصالح ملک و ملت ترجیح دادند و در ترجیح حتی آن مبلغی
که از سال ۱۹۰۴ تاکنون بعنوان درآمد نفت وارد خزانه گردید صرف رشد اقتصاد ملی نشد.
مبلغی که بین سالهای ۱۹۶۱-۱۹۰۴ از بابت درآمد نفت وارد خزانه داشت شد شده طبق قوانین
موجوده بین سازمان برنامه، وزارت دارایی و شرکت ملی نفت ایران بطریق زیر تقسیم گردید است (۵)

(۱) "تهران اکونومیست" ، شماره ۲۷، ۱۳۴۱ مرداد ماه ۱۳۴۱

(۲) "Международная жизнь" , № 6, 1962, стр. 89

باید مذکور شد که سود حاصله از فروش نفت تصفیه شده در داخل مبلغ مجزور نیست. طبق ارقام منتشره

در مطبوعات خارجی سودی که کنسرسیوم از این راه بدست میاورد سالیانه بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار است.

(۳) "تهران اکونومیست" ، ۱۰ شهریور ماه ۱۳۴۱

(۴) در تنظیم جدول ازارف از منشوره در مجله "تهران اکونومیست" شماره ۲۶ اسفند ماه ۱۳۴۰ استفاده شده است.

(۵) جدول از طرف شرکت ملی نفت منتشر شده است، نقل از "تهران اکونومیست" شماره ۴۷۴، دهم

شهریور ماه ۱۳۴۱

- ۴۰ -
جدول شماره ۶
درآمد نفت و طرز تقسیم آن
(به لیره انگلیس)

٪	سهم شرکت ملی ایران	٪	سهم وزارت دارایی	٪	سهم سازمان برنامه	درآمد نفت	سال
۲۸	۸۵۷ ۳۹	۷۲	۲۲۴۷۹۴۹	-	-	۳۱۰۵۸۸۸	۱۹۵۴
۲۹	۹۳۵۳۲۳۸	۶	۲۰۲۸۳۲۶	۶۰	۲۰۹۴۲۱۰۰	۳۲۲۲۲۳۷۶۴	۱۹۰۵
۲۰	۱۳۵۸۲۷۰۱	۲۲	۲۰۰۸۸۲۹۰	۵۳	۲۹۱۲۱۴۲۹	۵۴۷۹۲۴۲۰	۱۹۰۶
۱۶	۱۲۱۱۱۶۸۰	۳۴	۲۰۷۲۸۲۰۲	۵۰	۳۸۱۸۷۸۸۷	۷۶۰۳۸۳۴۹	۱۹۰۷
۱۱	۱۰۲۹۳۰۴۳	۴۳	۲۷۷۶۰۶۰۱	۴۶	۴۰۲۸۰۷۱۰	۸۸۲۳۹۳۰۴	۱۹۰۸
۹	۸۴۲۳۵۱۸	۴۱	۲۸۹۳۰۸۴	۵۰	۴۶۴۲۸۰۷۰	۹۳۷۴۵۱۷۲	۱۹۰۹
۷	۷۱۴۲۸۰۷	۳۸	۲۸۷۰۲۰۰۵	۵۰	۵۶۰۳۲۶۰۹	۱۰۱۸۷۷۴۷۱	۱۹۶۰
۵	۵۳۵۷۱۴۲	۴۰	۵۰۰۶۶۸۲۸	۵۰	۵۹۱۸۴۸۰۲	۱۰۷۶۰۸۸۸۲	۱۹۶۱
				۱۹۰۱۸۳۱۰۷	۵۵۷۸۳۱۲۴۰	جمع	
				۶۷۱۲۲۳۹۸	۲۰۰۰۵۲۰۶۸۰		

بطوپاک از جدول شماره ۶ دیده میشود درحالیکه سهم سازمان برنامه و شرکت ملی نفت از درآمد نفت سال بسال کاهش یافته بسهم وزارت دارایی افزوده شده است. اکنون بینینم مؤسسات ملی موز سهم در ریافتی خود رابطه طرقی مصروف رسانده اند.

۱- سازمان برنامه - سازمان برنامه انسال ۱۹۵۰ تا آخر سال ۱۹۶۱ مبلغ ۲۹۰۱۸۳۱۵۷ لیره انگلیسی از درآمد نفت دریافت نموده است. کرچه بنابراین اتفاقی دتر غلام پاشانیک بی "بررسی وضع مالی سازمان معلوم نمیدارد که درآمد نفت دقیقاً مصروف چه اموری رسیده است" (۱)، با وجود این شواهدی درست است که محل خرج راکم پیش روشن می‌سازد. مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار از همینه میزبور صرف احداث سه سد کرج، سفید رود و زرد یاده است (۲) که در روضع فعلی خود پیشیز سود برای کشاورزی و صنایع ایران ندارد. حتی آقای ارسنجانی وزیر کشاورزی نیز بان حقوقی معتبر است. اور سخنرانی خود در رسانه تحصیلکرد های کشاورزی نکت: «ما آمدیم چند تاسیسات خاصیم و پواری بلند کشیدیم و پشت آن دریاچه زیائی بوجود آوردیم که فقط بد رشناکی دن و ماهی گرفتن میخورد. برای ساختن سدهای کرج و زد و سفید رود چندین میلیون تومان خرج کردیم بد ون اینکه در مرحله اول توجهی بشکه های آبیاری و توربین های برق سد بکنیم» (۳).

مبلغ ۱۱۷ میلیون لیره صرف ایجاد و تعمیر اهالی و خطوط آهن وسائل مخابراتی و فرودگاه های وسیله رکرد یده است که اکنون مطلع آنها فقط و فقط جنبه مستارتیک دارد. ملا برای اسفلات کردن راه های شوسه جنوب غربی که در ای اهیت اقتصادی چندان نیست ده میلیارد ریال و ۱۵٪ کل بود جه برسامه هفت ساله دوم خرج شده است (۴). پنج شرکت خارجی که این راه را میساختند جمعاً ۵۰ کیلومتر راه تحويل مقامات وزارت راه دادند، حال آنکه شرکت های ایرانی حاضر بودند با همان مبلغ چهار هزار کیلومتر راه بسازند (۵). احداث بنادر رخمشهر و شاهپیر نیز هیچگونه ضرورت اقتصادی نداشت. ظرفیت بند رشاد پیو به تنهایی ده میلیون تن در سال است، حال آنکه کلیه صادرات سالانه ایران از ۵۰٪ میلیون تن تجاوز نمیکند. فقط برای ساختن فرودگاه مهرآباد ۵۱۳ میلیون ریال صرف شده است (۶). علاوه بر این در

(۱) "تهران اکتوبریست" ، شماره ۴۷۰، ۱۳۴۱ مداد ماه ۱۳۴۱، صفحه ۱۸

(۲) "روزنامه کیهان" ، ۲۲ مداد ماه ۱۳۴۱، اسناد اسنایرانی ارسنجانی در تاریخ کیهان.

(۳) "روزنامه کیهان" ، ۲۱ تیر ماه ۱۳۴۱

(۴) "محله دنیای جاود" ۲۵ ماه مه ۱۹۶۱

(۵) "روزنامه اطلاعات" ۱۰ مداد ۱۳۴۷

تبریز، مشهد، همدان، اصفهان، شیراز، زلفی، آبادان، بند رعبان وغیره نیز غرود گاههای که هوا پیما- های جت امریکا شیخوانت از زبان آنها لوح گیرند ساخته شده است.

جالب توجه است که سازمان برنامه از جمع کل سهم دریافتی از محل دارآمد نفت فقط سه میلیون لیره صرف توسعه صنایع نموده است (۱) د رحقیقت با وجود اینکه ۲۹ میلیون لیره سهم سازمان برنا مه کلا بشرکتها و مقاطعه کاران خارجی و داخلی پرداخت گردیده تغییری در سیاست اجتماعی و اقتصادی کشور پدید نیامده است. آقای آرامش وزیر کابینه شریف امامی و سرپرست سازمان برنامه در طی مصاچه ای گفت: «یکانگا برنا مه ای تنظیم کرد و اند که تا آخر ورثه قرارداد کسرسیروم آنچه پول نفت با ایران میرسد حیف و مول بشود تا ماهروز کاسه گ ائی بدست گرفته و بد ریوگی بروم» (۲) و در نهاده سرشاده عیمه مجلس شورای ملی نوشته: «۰۰۰ از مخارجی که سازمان برنامه نموده حتی یک درصد آن برای کارهای تولیدی و انتفاعی که موجب بالا آمدن سطح زندگی مردم بشود نیست» (۳).

مقام مسئول دیگر وزیر کشاورزی کابینه اسدالله آقای حسن ارسنجانی در کانون تحصیلکردۀ های کشاورزی صریح‌آفکت: «۰۰۰ بین ۸ سال گذشته ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان در کشورمان خرج شد ولی این مبلغ بصورت دود رآمد» (۴).

۲- وزارت دارائی - از نخستین روز آغاز شهره برد ایری از متابع نفتی کشور آنچه وزارت دارائی بست آورد ه صریف هزینه های نظامی و تسليحات ارتش نموده است. اگر از سال ۱۳۰۶ تا جنگ جهانی د و می خش عد ۸ دارآمد نفت صرف خرید اسلحه و مهمات میگردید (۵)، بعد از جنگ جهانی د و م نیز سهم وزارت دارائی از د رآمد نفت صرف نگهداری ارتش ۲۰۰ هزار تن فری شاه و خرید اسلحه و مهمات شده است. جدول شماره ۶ نشان میدهد که سهم وزارت دارائی ازد میلیون لیره در سال ۱۹۵۰ به ۴۳ میلیون لیره و یا % ۴۰ کل د رآمد در سال ۱۹۶۱ افزایش یافته است. در سال ۱۹۶۲ این رقم به % ۶۰ کل د رآمد نفت بالغ گردیده است. افزایش سهم وزارت دارائی از د رآمد نفت نتیجه مستقیم اضافه شدن بود. چه ارتش، زاند ارمی، پالیس و سازمان امنیت است. مثلا اگر در بودجه سال ۱۳۴۰ برای هزینه ارتش، پلیس، زاند ارمی و سازمان امنیت مجموعاً ۱۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال (۱) در نظر گرفته شد بود، در بودجه سال ۱۳۴۱ مبلغ مزبور به ۱۱ / ۵ میلیارد ریال افزایش یافته است (۷).

طبق اعتراض نخست وزیر سابق دکتر امینی «۰۰۰ الحال ایران به پیمان بقد ادد در سال شصت میلیون د لار مخارج بود جه ئی د ولت ایران افزوده است» (۸). خلاصه کلام آنکه از سال ۱۹۵۳ تا اوائل سال ۱۹۶۱ د ولت ایران مبلغ ۱۵ میلیارد ریال صرف هزینه های نظامی نموده است که کلیه مبلغ مزبور از درآمد ایران از نفت تأمین گردیده است.

۳- شرکت ملی نفت ایران - چند پیش مقامات شرکت ملی نفت برای تبرع خویش د راظه را عومن پیکره هایی حاکی از محل خرج سهم شرکت ملی از د رآمد نفت منتشر ساختند که حتی در صورت صحبت نشان مید هد که قسمت اعظم د رآمد بعصار فی رسیده است که اکثر بازگشت سرمایه را غیرقد ورمی سازد. موارد سرمایه گذاری شرکت ملی نفت در سالهای مختلف بقرار زیر است (۹).

(۱) "تهران اکنومیست" ، شماره ۴۷۰، ۱۳، مرداد ۱۳۶۱

(۲) روزنامه "اطلاعات" ، ۱۱ تیرماه ۱۳۴۰

(۳) روزنامه "کیهان" ، ۲۸ آبان ماه ۱۳۳۴

(۴) روزنامه "کیهان" ، ۲۱ تیرماه ۱۳۴۱

(۵) "تهران اکنومیست" ، شماره ۴۶۷، ۲۳ تیرماه ۱۳۴۱

(۶) "تهران اکنومیست" ، شماره ۴۲۲، ۴ شهریور ماه ۱۳۴۰

(۷) "تهران اکنومیست" ، شماره ۴۲۳، ۳ شهریور ماه ۱۳۴۱

(۸) روزنامه "کیهان" ، ۱۰ مهرماه ۱۳۳۶

(۹) "تهران اکنومیست" ، شماره ۴۷۵، ۱۷ شهریور ماه ۱۳۴۱

(به لیزه انگلیسی)

جدول شماره ۷

محل خرچ	نامه از سال ۱۹۵۰ و تا سال ۱۹۵۶	۱۹۵۷	۱۹۵۸	۱۹۵۹	۱۹۶۰	جمع کل
خطوط لوله	۱۲۰۰۴۰۸۷	۳۸۳۳۰۲۲	۳۶۸۹۸۲۶	۴۰۱۷۰۳۶	۲۰۳۷۴۰۲	۷۰۸۱۳۲۲
ماشین آلات متحرک	۱۹۲۰۳۸	۱۳۹۶۴۶	۶۰۶۱۰۲	۱۰۳۹۸۸۵	۲۷۲۰۹۳	۲۷۰۰۸۱۴
تائیمین سایر سرمایه کاریها	۴۸۰۰۰۴	۵۴۹۰۹۲	۸۶۱۶۳۸	۳۷۲۹۹۸۶	۵۰۰۰۹۳۸۵	۱۰۶۲۵۱۰۰
۹۰۲۳۸	۷۹۶۷۰۴	۹۴۸۸۵۱	۱۸۱۰۶۲	۸۰۴۹۰۷	۲۸۲۷۷۲۶۲	۴۳۲۴۴۶۴۹

تخميناً ۲۷ ميليون ليره از سهم منور صرف ايجاد خطوط لوله نفت گردیده که مهترین قسم آن خط لوله نفت اهواز-تهران است که بيش از ۱۴ ميليون ليره و پايه مليارد ریال ارزش آنست. صرقت از آنکه مقاطعه کارخانه خارجي برای احداث خط لوله منور و پرا بر هزینه واقعی را از شركت ملی نفت ايران در رفاقت نموده اند، از طرفی کمی قطاع لوله نفت که بهيچوجه متناسب با افزایش ميزان مصرف داخلی نیست و از طرف دیگر کشف منابع عظيم نفت منطقه البرز و نقشه احداث پا لايشكاه نفت در تهران بدريج خط لوله منور افاده اهميت پيسازد. از اينرو امكان بازگشت سرمایه نيز منتفی ميگردد.

وامدار مرور ۱۰/۵ ميليون ليره که در جدول ۷ تحت عنوان "تائیمینات" درج گردیده اولياً شركت ملی نفت حتی يك مورد مشخصی که نشان دهدند مصلح مصرف مذکور باشد نتوانست برای نمونه مشال بياورند. آنچه مسلم است اكتروجوجه منور صرف ساختمان "آسمان خراشی" گردیده که ادارات عريض و طوپول شركت ملی نفت در آن جا گزین شده اند. حال آنکه با مبلغ منور شركت ملی نفت متوانت ساختمان پا لايشكاه را که خيال دارد با گرفتن وام از ايان غرى در تهران احداث نماید، آغازند.

از ۲۸۲۷۷۲۱۲ ليره ساپرسما به گزارهها گذاري پنج ميليون ریال در "سيوب" و ۳/۷۵ ميليون ریال در "اپاك" و بلغى نيز در شركت کنان ائمي معلوم است. بقيه مبلغ منور هزینه صرف کارهای تولیدی نشده است.

تابا مروز فقط قسمت بسيارنا چيزی که صرف ماشین آلات متحرک جهت ادامه عملیات اکتشافی گردیده مشعری گردیده است. سهم شركت ملی از درآمد نفت نيز مانند سهام سازمان برنامه و وزارت داراشي اکثرا صرف هزینه های پوستلي و کارهای غير تولیدی شده و یاتوسط کپانهای خارجي به غارت رفته است.

از آنجه تاکنون گفته شد متيوان اين نتيجه نهایي را گرفت که ۵۰/۵ ميليون ليره و بيش از ۱۱۷ مiliارد ریال (۱) که از سال ۱۹۵۴ تا آخر سال ۱۹۶۱ وارد خزانه دولت شد نتوانسته نبور مولد را بطور محسوس رشد دهد. تنهانشي که مبلغ منور ايفا نموده عبارت از افزایش ثروت اولتی ناچيز و فاسد طبقه حاکمه و عميق گردن فاصله طبقاتی در میهن ماست.

بامبلغ ۱۱۷ مiliارد ریالی که سازمان برنامه، وزارت داراشي و شركت ملی نفت ايران در مدت ۸ سال بپادداده اند که کارهای نمیشد انجام داد. برای اينکه اهمیت اين مبلغ از لحاظ سرمایه گذاري روشن شود کافیست متذکر گردیم که در ۸۱۰۶ واحد کارخانه خصوصی و دولتی که در سال ۱۳۳۸ در ايران موجود بود جمعاً ۴۰/۵ مiliارد ریال سرمایه گذاري شده که ۱۳۰/۷۱۲ نفر کارگر، کارمند، مهندس و غيره در آن مشغول کارند (۲).

با ۵۵/۰ ميليون ليره و ۱/۵ مiliارد لار ميشد زمینه مساعدی برای رشد سریع کلیه بخششای (۱) از ليره انگلیسی بریال برا سام هر ليره ۲۱۰ ریال محاسبه و تبدیل گردیده است.

(۲) آمار افعالهای صنعتی و معدنی کشور در سال ۱۳۳۸، صفحه ۴۲۶، ۴۸۸.

تولید اجتماعی فراهم ساخت . مثلاً با صرف ۲۰۰ میلیون دلار میشد يك کارخانه ذوب آهن ۵۰۰ هزار تنی ساخت . علاوه بر این چهار مرد با مشخصات سد ز ساخت (۱) که جماعت‌قاد رید آن د و میلیون کیلووات برق، یعنی ۴ برابر برقی که هم اکنون در کشور تهیه میشود (۲) باشد . کارخانه تراکتورسازی که بتواند احتیاج اولیه کشور را برآورد و سازد بیملغ ۳۵۰ میلیون دلار احداث کرد . کارخانه های اتوموبیل سازی، کشتی سازی و همچنین کارخانه هایی برای تولید وسائل تولید جهت صنعت نفت وغیره که مجموع رحد د و ۷۰۰ میلیون دلار هزینه برآمد است ایجاد نمود .

اگر مردم ایران حاکم بر صنایع نفت میبودند با استفاده معقول و صحیح از کاربری متصاعد ه از معادن نفت میتوانستند پایه صنایع عظیم شیمیائی را در کشور بنیاد گذارند . طبق پیکره های موجود نسبت گازد رهربیک نفت خام در معادن جنوب بقرار زیراست (۳) :

مقدار گازد رهربن بمتر مکعب	معدن
۱۹۸	آغا جاری
۱۳۳	گچساران
۹۶	هفتگل
۴۸	مسجد سليمان
۱۹۸	نفت سفید

بطور متوسط با هر تن نفتی که ازید انها را نفتی جنوب تولید میگرد ۱۴۴ متر مکعب گاز طبیعی متصاعد میشود . بدینسان ازد و آغاز نزهه برداری از معادن نفت جنوب آغاز رسال ۱۹۶۱ که ۵۰۵ میلیون تن نفت استخراج گردیده بیش از ۸۶ میلیارد مکعب گاز متصاعد گردیده است که قسمت اعظم آن سوزانده شده است . در صورتی که برایه گاز طبیعی میشند شهرهای مهم صنعتی کشور را با سوخت ارزان تامین نموده همچنان که شیمیائی ، کاربن بلک ، گوگرد ، تهیه گاز مایع و منسوجات صنعتی و کائوچوک صنعتی و غیره وغیره احداث نمود و درنتیجه صد ها هزار کارگر ایکارهای تولیدی جلب کرد ، دهات را باد ساخت ، کشور را از واپستگی به پهپالیسم نجات بخشید و ایران را زلک کشور عقب ماند ه نیمه فعد الی پکنور پیشو و مدل ساخت .

در شرایط فعلی که همچرین بخش تولید اجتماعی مایعی نفت کشور ماتما میشود . بدینسان ازد امکان آنست که بیست و پنج درصد ازد را مدد ملی ازتفت است . اگر صنعت نفت کشور ماتما در اختیار ایران باشد امکان آنست که بیست و پنج درصد ازد را مدد ملی را زلک سوخت حاصله از فروش نفت خام و فراورده های نفتی فراهم ساخت . و ما اکرمانیاب سرشان نفت در آذربایجان و مازندران و گیلان و خراسان و لرستان و همچنین در مناطق مرکزی ایران نیز بهره برداری اغاز شود آنوقت میتوان بیش از ۵۰٪ ازد را مدد ملی را زاینده بست آورید . با چنین امکاناتی یک دلت ملی و مکنی باکریت مود م چنان ایران آباد و مستقلی بسازد که انسانهای ایران ازد و سعادت تعزیز زندگی کنند ، ایرانی که فقر و تهیه دستی ، گرسنگی و میکاری ، جهل و میسوادی و مرگ و نیستی جای خود را به غنا و بیت نیازی ، تامین و رفاه ، علم و فرهنگ و زندگی و سعادت داده باشد . اینست آن د ورنمایی که در مقابل ایران ماست و حزب ما - حزب توده ایران دزره آن مبارزه میکند . مردم میهن مایتوانند و باید بسوی این آینده تابانک پیشروند و در راه آن مبارزه کنند . (۴)

شهریور ماه ۱۳۴۱

مطالب این مقاله همه مبوط به زمان پیش از تاریخ نگارش آن است . از زمان تاکنون جریانات دیگری رخ داده که طبیعت اداد را این مقاله انعکاس نیافته است .

(۱) در پژوهه رسمی هزینه سد ۲/۵ میلیون دلار را نظرگرفته شده است .
(۲) مقدار برقی که اکنون در کشور تهیه میشود ۴۰۰ هزار کیلووات است ، "خواندنیها" ، شماره ۱۳، ۱۳

آبان ۱۳۴۰

(۳) "پنجاه سال نفت ایران" ، مصطفی فاتح ، تهران ، ۱۳۳۵ ، صفحه ۲۰۵ و ۲۰۶

در باره

سیر تفکر فلسفی در ایران

I - مدخل - اسلوب تحقیق

II - جهان بینی های ایرانی پیش از اسلام

III - جریان های فکری و فلسفه، پس از اسلام

I

دادن چشم اند ازی از سیر تفکر فلسفی در ایران و تحلیل ولو عام و اجمالی ازین سیر، در یست بررسی کوتاه، کاری است دشوار。 جامعه ماجمهه ایست کهنسال وابن جامعه طی عمر دار و پراشوب خویش ای چه سی فراز و نشیبه‌ها به پیموده و رنگها که پذیرفته است。 برای آنکه سیر تطهیر و تکامل حیات مادی و معنوی این جامدۀ پرینه بخوبی مطالعه شود و بد رستی و زرفی تحلیل گردد، باید دهها و صد ها پژوهند و کوشنا، روشن بین و نکه یاپ، باتکاً اسلوب علمی و انتقادی در تطبیق و دارکوبی کنند و نتیجه تعمیم و تحلیل خود را در مجلدات عددیده ای مدون گرد اندند。 ما اکنون (علی رغم تلاش‌های چندی که از جانب دانشمندان ایران بد یک‌کشورهاد راین زمینه شده) همزود را باید ای این جاده‌دار از استاده ایم。 ولی از آنجاکه هرنسلی جویای آنست که در رهره‌مینه برای خود منظره ای جامع بسازد، و نسل کنونی کشورمانیز بیشک عطشان است که تاریخ حیات مادی و معنوی کشور خویشا برداشت و برشورهای تاریخ سراسر از جانب تلاشی و لو مقدّماتی برای ترسیم حد و شخوصی این تاریخ سراسار و دیرند، ه تلاش عینی نیست بویژه اگر این تلاش بتواند کاربررسی تفصیلی و تحلیل علمی تاریخ حیات مادی و معنوی کشورمارا تسهیل کند.

کیفیتی که تنظیم تاریخ تفکر فلسفی را، صرف نظر از فاکت‌های علمی و تحقیقی این عمل، بویژه از جهت اد افریضه می‌هی، ضرور می‌سازد ایست که تا امروز نیز تاریخ تفکر فلسفی وطن ما از تاریخ فلسفه عرب‌در زند پژوهند گان و کارشناسان کشورهای باختری اروپا، مجزائیست。 این واقعیت که پس از سلطه اعراب و غلبه اسلام برخی از فلاسفه ماعده آثار خوش‌باریان تازی که زبان بین المللی و علمی عصری دارد (عیناً مانند زبان لاتین در اروپا) نگاشتند و نیز این کیفیت که در اثرانچه اشتراک معنوی و فرهنگی در کشورهای خلافت عرب الکتدی کوفی و ابن سینا یا بخاری و ذکریای رازی و غزالی طوسی و ابن طفیل و ابن رشد آند لسی نه تنها بزبان واحد بلکه در رسائل واحد اظهار نظر می‌برد اند و باهم بایه و رابطه و علقة فکری داشته اند، وجوب شد است که در رکتب تاریخ فلسفه که کارشناسان اروپای باختری پرداخته اند همه این فلاسفه در اباب فلسفه عرب گنجانده شوند روشن است که ماهنوز در عصر موحد و دیت های ملی و در دره‌رانی که غیرولی نقشی در تکامل سرعت خلقداد ارد پسر میریم و در چنین عصری هر خلقی ذ حقیق است مهزه‌ای آن سهیم را که وی بفرهنگ جهان اد اکرد ه مصرح کند، به پیرای آنکه آنرا می‌باها فروشی جاهلانه یا جلوه گری متعصبانه قرار دهد بلکه برای آنکه ازان الهام گیرد و این قوّه‌اظهار خود در بند زندگی سازد و بعد ان ها پیش روید.

البته این سخن راه رگز بد ان معنی نباید فهمید که باید در جستجوی سهم اصحابی و مالکیت مطلق در این یا آن رشته فرهنگ و در مورد این یا آن دانشمند و هنرمند بوده هر فرهنگی و زبان‌جمله فرهنگ کشیده ماد ارای عناصر مشترک با فرهنگ‌های دیگر است، از اینها فیض گرفته، بآنها فیض داده، از آنها متأثر شده و در آنها تاثیر گشیده است。 این خصیصه اختلالاتی (Syncretique)، خصیصه فرهنگ انسانی د رهسم اکناف زمین است。 پس از سلطه عرب و اسلام در خاور میانه بویژه نویی جامعه کشیخ‌الخلق پدید شد که در آنها دین و فلسفه واحد اساطیر و قصص و اشکال ادبی و هنری همانند، مقاهم سیاسی و اجتماعی شبیه، شیوه

وسط اقتصادی کمابیش یکسان، روابط مادی و معنوی متعدد و فراوان وجود داشته و در رون این جامعه وسیع وسیتاً متحرک که بوزیر در قنایا ۳ تا ۶ هجری با جمل خود رسیده است، عالی ترین و گرانبهترین بخش میراث فلسفی علمی واد بی ماد بد آده است. این امر موجب شده است که گاه ارشیه فلسفی، علمی و هنری ماجهان یا میراث برخی دیگر از خلقهای همسایه در آمیزد که دعوی انحصار و مالکیت مطلق ناچارکار را به مفسطه در واقعیت تاریخی می‌کشاند و هیچ گناهی نیز در جهان از سفسطه در واقعیت و زشت و زیاساختن غیبت تاریخی با لازمیست. گذشت زمان در پیغیر ازی و رنگ آمری جاهلين و سفسطه گران تاریخ را بروآ بر ملامیسازد. فرهنگ فلسفی ایران مانند ارشیه علمی و هنری، مؤلفین فراوانی از اتفاق و خلقهای گوناگون دارد که برخی از آنها اکنون در آسیوی مرزهای کشور ما زندگی می‌کنند و صورت اقوام، ملتها و دیانتهای بد اگانمو مستقل در آمدند. باید تعلق این فرهنگ فلسفی را بدان خلقهای که در رایجاد و سفر و نمونه ای شریک بودند - اند، بی اند ک تتعصب جاهلانه تصدیق کرد و از آنچه مردم ایران وان خلقهای طرقون متمادی باهم میزسته و میباشد می‌آفریدند، اکنون که سرنوشت هریک بشکلی دیگر صورت پذیرفته، مزانیست ارشیه مشترک پاره شده، کود کانه بد پنسو و آتسوکشیده شود و سهم بکدیگر را رافینش فراموش کنید. باید کوشید که در عین حفظ غور منطقی و تصریح حدود و شغور فرهنگ و تاریخ میمن خود، از تعصب خام و افق شنگ متبرز باشیم و با واقعیت تاریخی بی مشاطه گزند ن نهیم و حقیقت عینی را از ملاحظات گذرا و اغراض و شهوت ناسالم والاتر شمریم.

کیفت دیگری که تد وین تاریخ فلسفه در رایان را بامری سود مند و ضروری دلم کند، دادن پایان خسته اند که این شیوه ارتقای "مرکزیت معنوی اروپا" (Europocentrisme) است که تمنها این قاره را سرجشمه فیضانات معنوی مبیند ارد و درخش فرهنگ را در پیغایق راه عاصی از این سرچشممه نور و اقتیا از این منبع فیاض میشمرد. بررسی فرهنگ فلسفی ایران - چنانکه در این مقاله نیز بدان اشاره خواهد رفت نشان میدهد که ایران خود یکی از واکری از این بهره گرفته است. نژاد پرستان خلقهای جهان را بسیه گروه خالق و مبدع فرهنگ (Kulturschöpfende) و حمال پاسیفی وی ابتکار فرهنگ (Kulturvernichtende) و نابود کننده فرهنگ (Kulturträgende) تقسیم میکردند. اند پیشه "مرکزیت معنوی اروپا" از همین فکر سخیف و ضد بشری نژاد پرستان ناشی شده است. در این اند پیشه، آسیافوچش یک ححال بد و ابتکار و مغلد سطحی فرهنگ اروپایی است. بررسی تاریخ فلسفه کشور ما نشان میدهد که چه اند از این اند پیشه زشت، دروغ و خلاف واقع است.

نخستین مسئله ای که در رایربایک پیوچند ه تاریخ تفکر فلسفی در رایان مطرح میشود آنست که فلسفه در ایران از کی پدید آده است؟ در اینکه آثار متفکرینی مانند ابونصیر فارابی، ابوعلی سینا، زکریای رازی، ابوحداد غزالی، شهاب الدین سهروردی، فخر الدین رازی، خواجه نصیر الدین طوسی، صدر الدین شیرازی وغیره وغیره، یعنی آثار فلاسفة پس از اسلام، آثاری صرفاً و مطلقاً و تمام عیار فلسفی است، ادنی تردید نیست، ولی آیا پیش از اسلام نیز در ایران فلسفه وجود داشته و میتوان در این دوران از فلسفه و تاریخ تفکر فلسفی سخن گفت؟ برای حل این مسئله که در حد خود بخراج است باید نخست دید فلسفه چیست.

فلسفه بنایه تعریف دقیق علی امروزی (۱) یعنی علم عالی ترین تکامل طبیعت و جامعه و تفکر، علم پیوند اند پیشه عرفت جوی ابا هستی مادی و پیغمراون. بدینسان فلسفه یک جهان بینی است یعنی مجموعه آراء و نظریاتی است که منظره ای از جهان جنبده و روپنده در دهن ماترسیم می‌کند و رابطه دهن ما را این جهان روش میسازد. مذهب نیز یک جهان بینی است ولی تفاوت فلسفه و مذهب را نسبت که (۱) در تعریف فلسفه اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. یک علت این اختلاف تعاریف آنست که موضوع فلسفه که زمانی علم علوم و جامع کلیه معارف انسانی بود تغییر کرد و همتد ریج علوم طبیعی و انسانی از آن جدا شد و کاربد انجرسید که بوزیر تویست ها و نئوپیزی تویست ها اصل وجود فلسفه را بعنوان رشته مستقل معرفت انسانی مذکور شدند. تعریف متن بر اساس مارکسیسم داده شده که بوجود مستقل فلسفه بهماهی شکلی از اشکال شعور انسانی معتقد است.

مذهب برپایه پند ارتوخیل مبتنی است و شیوه تعبد را بکار میرید و فلسفه به واقعیت استناد می‌جوید و شیوه تعلق را بکار می‌یندد. فلسفه می‌کوشد جهان را چنانکه هست بازشناسد ولی مذهب جهانی در وراء واقعیت که عکسی پند از امیازات قوای واقعی طبیعت و جامعه است می‌آفریند. جهان بینی فلسفی زمانات پس از پیدا یش چهان بینی دین د راتریخ پدید آمد و نتیجه تکامل رونی و تحول کیفی این جهان بینی و شرمه بسط ورشد علوم است. پس از پیدایش، رشد و سیطره فلسفه، مذهب کوشید تاباحد گرفتن از اسلوب تعلقی واستدلالی آن، احکام جزئی و غیر معمقول خود را بکث شیوه مطلقها "میرهن ساز" و دینسان تولوی و کلام پدید آمد. کشیشان قرون وسطی ای مقتنت: «فلسفه خادم الہیات است» (۱).

میتوان با اطمینان گفت که در روان پیش از اسلام (جزد روحی د روانی اشکانی و ساسانی که فلسفه یونان و رم، استکندر ری و پیروانش را کشوارخنی یافته) فلسفه، معنای اخصل کلمه، بثایه جهان بینی می‌شناسد و مقولات واستدلالات مطلقی، در کشور ما بطور عده وجود نداشت. میکوئیم بطور عده زیرا در ریکرشته امور علمی، مانند سیاست و اخلاق، تفکر غیر مذهبی، مبتنی بر تجربه و تعمیم، بصورت اند روزها و پند ها و آینین ها و دادها (قوانين اجتماعی) در ایران متداول بوده است. بخلافه، چنانکه در بررسی سیر تفکر فلسفی در ایران قبل از اسلام خواهیم دید (بخشی II این مقاله) دین ناتورالیستی مذهب یستنا (د پس زرتشتی) در نبرد خود علیه رخنه آراء فلسفی ای ریون (گوستیک ها) و نوافلاطونیان وقاد نصرانی و انواع جریانات احاد امیز، ناچارشد وارد مرحله جزو بحث فلسفی و کلامی شود و تدریج تولوی "مستدل" خود را بنیاد گذارد ولی نه این جریان رسمی مذهبی و نه جریانات "بدید یشی" (یا احاد) (۲)، هیچکدام بمرحله یک جهان بینی مفاسی معنای واقعی کلمه نرسیدند و نکاتان و بطور عده جهان بینی دین و تولوی وابسته بد ان، باقی مانند.

ایامنی این سخن آنست که باید در بررسی تفکر فلسفی در ایران، بررسی جهان بینی های مانند مذهب یستنا، مهرپرستی، زروانیگری، مانیگری، درست دینی مذهب کی را که بطور عده جهان بینی های اساس طبیری- دینی هستند، حذف کرد؟ بمنظرنگارند ه مرجع است از چنین ملکی خودداری شود. وضع شلال در چین و هند نیز مانند ایران است. فی المثل آموش گونک فوتیه و لائوتسه و بودا (سایکامونی) نیز اموزش هایی است با رنگ غلیظ اساطیری - مذهبی ولی در تاریخ فلسفه چین و هند جهان بینی متعلق با این اندیشه و روان از زاویه فلسفی مور بررسی قرار می دهد. د لیل ند ارد مباراجهان بینی های ایرانی که در فرقه ازانها یار کرد ایم و بنویه خود محتويات جا لی از نظر منطقی و اجتماعی دارد، رفتار دیگری کنیم و انها را از عرصه بررسی فلسفی د ورسازیم.

فلسفه شکلی است از اشکال شعور اجتماعی و ازان چاکه بین ماده و شعور تقدیم وجودی بساماده است نه با شعور، در جامعه نیز این هستی مادی اجتماعی یعنی مجموعه منابع اقتصادی و اجتماعی است که تطهیه و تکامل شعور اجتماعی را متعین می سازد نه بر عکس. این سخن بد ان معنایست که اولاً خود شعور اجتماعی د رهستی مادی اجتماع بینویه خود تا عینی کند و ثانیاً شعور اجتماعی (وازان چله فلسفه) در تطور و تکامل خویش از توسعی استقلال برخورد جریئت یعنی اصل توارث افکار و عقاید (Filiation) در آن حکم روانی ندارد. لذا در مطالعه تفکر فلسفی در رجایمه ما، پیوسته باید علت را یش و بالش آنرا در مناسبات اقتصادی و اجتماعی موجود جست و نیز تا عیور متعاقن آنرا در تکامل جامعه روش ساخت و خود توارث رونی افاده رانیز از نظر ورن ونداشت.

همچنین باید د است که تاریخ تفکر فلسفی در ایران، مانند تاریخ تفکر فلسفی در یگر نگاتاط جهان پیدایش و تکامل و نیز ماتریالیسم را در رانواع اشکال جنینی یار شد یافته اش علیه اید الیس، شیوه

(۱) برای بیان اختلاف کیفی جهان بینی مذهبی و جهان بینی فلسفی اعم از ماتریالیسم یا اید الیس باید بحث مشیع تری انجام گیرد و این بررسی مقام آن نیست و مقصود ازان چه در متن گفته شده داد ن کلی- ترین شخصات است.

(۲) واژه "الحاد" و معادل پهلوی آن "بدید یشی" را بمعنای واثه ارویانی résie یا بکار میریم و مقصد ازان دینی است که از دین سلطنتی و سعی جداد شده و احفظ معتقدات اساسی آن دین، بحکم این یا آن اختلاف، بمقابله باوی برخیزد.

د یالک تیک راعلیه طرز تفکر متافیزیک، نشان میدهد. تبرد آنه ئیسم (۱) (با انواع اشکال ابتدائی آن مانند الحاد و آزاد اند پیش و شکاکت مذهبی) علیه ذهب نیزنا جارو بسیب خصلت مذهبی داشتن برخی از جهان بینی های مورد پیررسی، باید در تاریخ فلسفه ایران وارد گردد، گچه اصولاً مطالعه این تبرد به مبحث آنه ئیسم علمی که اترابا بد مبحثی مستقل شمرد، تعلق دارد.

تبرد یدی نیست که رشد سیاستی قوای مولده در ایران و تحول کند و گاه رکود آمیز اقتصادی و اجتماعی جامعه کشور ما منع شد که تکامل ماتریالیسم دیالک تیک و آنه ئیسم باقی لازم برسد. با اینحال عناصر و هسته های ماتریالیستی، دیالک تیک و آنه ئیسمی فراوان و گرانقد ری در ارشیه فلسفی کشور موجود دارد که باید انهار بازشناخت وعرضه داشت.

II

سیر تفکر فلسفی در وران پیش از اسلام عرصه زمانی پهناوری را (حدائق از آغاز پیدایش و بسط) جهان بینی زیستی د رواخ در وران مادها و آغاز ها منشیان (تاغله اعراب در برمی گیرد). در این د وران طبقه که متألفه اطلاعات مادریاره حیات معنوی آن باشد از افراد رسانیست و حتی ازد ارک موجود نیز استفاده ه جامع برای روش کرد ن زندگی معنوی و عقلی این در وران شد، تقدیر ایرانی به سطح تقدیر اصول فلسفی و مطبقی نرسید یعنی مقولات اصولی فلسفه و موضع خود را از هالمه اساطیری - مذهبی جد انساخت و باقولات دینی د رامیخته ماند. با اینحال ایران یکی از "طبعخ" های مهم ساخت و پرداخت ایده علویه های مذهبی بود و از این جهت برخی محصولات صادر راتی پرورونق نیزد اشته است مانند مهرپرستی و مانگری که در شرق و غرب تأثیر رزف و وسیعی پخشید. بعد از این مذهبی کش مزد ایروستی و باقیلو موخرین یعنانی "فلسفه غنان" بناشد لایل گوتانگون، در نرجس جهان بینی فلسفه بونان مانند هرآلکیت وانا کاساگر و امپد ولک و د مرکیت و فالاطون مصویر بوده است. در وران پیش از اسلام چهار رشته زندگی فکری و معنوی ایران را که از جهت مطالعه سیر تفسیر فلسفی د رکشور ما سزاوار پیررسی هستند، باید از هم بازشناخت.

۱- مذهب، شمولی آن وکیله های وابسته بآن

۲- جریانات الحاد آمیز

۳- نظریات غیرمذهبی د رباره سیاست و اخلاق

۴- جریانات فلسفی مکتبه ازد گران

اینک هر شتھ را مورد مطالعه اجمالی قرار دهیم:

۱- مذهب

مسئله آنکه آئین مزد ه یعنی چگونه از کشکهن مزد ای و عقايد بینه آرایی و داعی نشانگ کرد و تاچه اند ازه محصول ابد اعات ذنیز شت سیستان پیغمرا برای ایست ویاتجه حد مجموعه ای ازند ارفزایگی مود زمانه، خود نکه ایست که علی رغم پژوهش های موجود، هنوز بد رستی روش نشده است. در روایات زیستی د وران ساسانی از "فرجود کیشان" و "فتروم دانشان" (یعنی اشنهای که کیشی جد ای کش زر شت د اشتند ولی در خود احترامند، و انانی که آغازگر دانش و معرفتند) یاد شده. در برخی اسناد مانند "اند رزناهه فرجود کیشان" که یک سند نیمه فلسفی است بین عقاید آنان و جهان بینی مزد ه یعنی تساوی کشیده شده است. هدف آن بود که عقايد رزنشی را نوعی بدعت ملحد آنه و نقی اندار آمیز عقايد پیشینیان جلوگیر نسازند و آنرا بررسنند اند پیش های کهن ایرانی مبتذل کنند و این خود رسته ایست بر پیوند آئین زر شت بازخی عقايد و نظریات ماقبل. دین زر شت بطور عدد ه لک دین "نائزه الیستی" است یعنی در آن قوا و عنان صربیج است مانند آتش و آب و خورشید و نهر وغیره بد روحه قد مرسیده اند. با اینحال مnasibat اجتماعی نیزد راین دین انعکاس پند آرآمیز و افسانه گون خود را یافته است و آهورا مزدا و اماش پند انش در رارگاه آسمانی خود گروتمان = عرش "شاه شاهان و پیرامونیانش را در راکخ سلطنت بیاد می آورند.

۱) برای "تئیسم" و "آنه ئیسم" در زبان پهلوی معادل کاملاً قیق "یزدان گوئی" و "تیست بیزان گوئی" وجود داشته که اکتون بکارنی روود. اکتوخواهیم این د و معادل را بکاربریم در آن صورت و از اروپائی آنه ئیسم از معاد لهای دیگری نظیر "کفر" یا "انکار وجود خداوند" و امثال آن بهتر است و بجاست همان را بکار بریم.

دین زرتشت، ازان هنگام که به دین رسمی و یاقاعق در ایران بدل شده، یعنی از عصر هخامنشیان، تاد وران ساسانی تحوّلات بسیاری را گرداند و بوجهه درد وران ساسانی در آن "رفورم" هائی شده و کتاب اوستاییز مود جرج و تعدیل ها و کاست فروزهای فراوان قرارگرفته است. روشن کرد ن این سیوحتولی آئین زرتشت، مانند روشن کودن شیوه نشات و پیدا شدن، خود یک امر تحقیقی جدی است. چنین بنظر می‌رسد که در وران اشکانی، برخی کیش‌های منشعب یا وابسته به آئین زرتشت مانند کیش "مهرپرستی" (متراپیسم) و کیش زروان پرستی (زروانیسم) رواج وسطه ای بیش یا برابر باشد هب اصلی داشته است. روايات تاریخی حاکی است که بلاد دوم اشکانی نخستین گردآورنده اوراق پراکنده است. قرائن تعدادی نشان میدهد که ساسانیان آئین زرتشت را حیا مکرده‌اند بلکه این دید روان اشکانی نیز رسیت داشته ولی با اینهمه قوت و رواج کیش‌های نامرد در فرقوق لاق نشانه ضعف مذکور اصلی و نوعی هرج و مرچ فکری است والا آنهمه اقدامات فهرمیستی شاهان ساسانی ضرور نمی‌شد.

ازمیان کیش‌های وابسته بمزد هستند، بوجهه کیش مهرپرستی شایان توجه خاص است. از خوبختی منابع دراین باره بسیار است زیرا این کیش در آسای صغیر و یونان و روم انتشار یافت و دراین باره موخرین این کشورها اسناد و توصیفات شرحی ذکر می‌کنند. مهرپرستی بد ون ترد بد ریشه بسیاری از عقایدی است که بنویه خود عرفان تکامل یافته ایرانی را تغذیه کرده است. مقاید گتوستیک‌ها، نظریات نوافاطلونیان، معتقدات مذکور هب این مسیح وسپس عقاید مانی تحت تأثیر مهرپرستی واقع شده است. حتی احتمال دارد که اساطیر مهرپرستی البته با غاییرشکل در تشیع رخدنه یافته باشد. بهره‌جست در توصیفات مذکوری شیعیان راجع به علی و حسین جلوه هائی از توصیفات متبروکستان درباره مهرد بد می‌شود که مسلمًا تصاد فر نیست. دامنه تأثیر مهرپرستی در اراء و عقاید مردم ایران از آنچه که گفته شد بیشتر منتظر می‌رسد و حتی چنانکه برخی ازمو لغفین ایرانی نیز حد منزد است که بعضی از نظریات رندان و خراباتیان در وران پس از اسلام باقی‌ای از آن دشنه های مهرپرستی مروج باشد. از این جهت دقت در اشعار حافظه که در آن از "عبدان افتاب" نیزیاد شده است کاری غیرمشکور نیست. با اینحال باید ممتاز بود و از غلو و همانند سازی و قیامت تاریخی مست پیوند و غیر مستد ل پرهیز کرد. به رصویر مهرپرستی مانند مانیگری یکی ازان د وکیش‌جهانی است که ایرانیان در اکناف جهان کهن پراکنده اند و رزمان کند و دیکلیسین و گارلیوس و ماکسیمیان امیراطوران رم "هرمز" (Mithra) یه خد ای اول رم بدل گردید و دامنه سرایت آن به سرزمین اعلان و مرتباً نیز رسانید. یکی از علی‌اهمیت خاصی که کیش مهرپرستی در سیستم مذکور است که "مهر" دراین آئین بازمانده ای از پانتئون هندی و ایرانی قدیم است و در خود اوتا سنا یشها بسیاریانم "مهره‌زارچشم و هزارگوش" وجود دارد و "مهرد روزان" و مذکور این خد ای پر فر و شکوه سخت نکوهش شده اند. لذا پژوهش مهرپرستی از جهت ایجاد ربط بین آئین مزد هستند ای ایرانی و هندی نیز ضرور است^(۱). از این کیش یک جریان مادی نیز شناس کرد ه است. به ظن قول ریشه جریگری و قاتلیسم ایرانی راد در وران پس از اسلام که علی‌واشکارا رخشش کاکت مذهبی و عذر منطقی برای نفی معاد، عذاب و عقاب، درون و بهشت،

۱- بنای ماد راین مقاله ذکر محتوی جریانهای است - امریکه باید بصورت بررسی های جد اگانه ای انجام گیرد ولی درباره مهرپرستی بایبیگوییم که خود مهرد رکیش مذکور است یکی از ایزدان ای از انجاکه کیش بیش خسرو شید (مهر) ار نزد همه اقوام و ملل سوابق طولانی دارد و مدت‌ها پیش از عروج مذکور مذکور هست کیش مهرپرستی یکی از کیش‌های نیرومند راهند و ایران و تیانی بود این ایزد رمتولوی زرشته قرب و اهمیت خاص یافت. مهر خدا اوند نور و پاکیزگی و راستی و درستی است و بنا بر روایت مذکور هستند ای از اینها مانند موسی و مهریش مهرپرستی را طراف مهریک سلسه عقايد خرافی و مراسم بوجود آمد که برخی از آنها مانند موسی چشید نان و شراب، عید تولد مسیح (که روز جشن مهر و روز عبور خورشید از جنوبی تین نقطه در ارضیضوی شمس است)، عید روز یکشنبه، اعتقاد به رستاخیز، اعتقاد به ظهور مهدی و منجی آخر الزمان عیناً به مسیحیت انتقال یافته است.

شواب و گاه بود (و بوبه دوازد اند پیش زیرگوار ایرانی خیام و حافظ از این عذر منطقی برای درهم کوافت مذهب سود جستند) نیز یاد رعایت زروانی یافته اگر این حد سیّات از لحاظ علمی مبرهن گردید را نصیرت د رفلسفه خیام و حافظ از طرفی کیش عشق و شراب و زیائی به مهرپرستی و از طرف دیگر کیش قضای و قدر روسنروشت به زروانیگری هویت میشود و مکتب آزاد اند یعنی این دو شاعر فیلسوف دارای محتوای اصلی و کهن ایرانی میگردد . در هران میسانی واکنشی بر ضد یونان مأبی (هلینیسم) شاهان اشکانی که خود را یوتانیست (فیلهون) میخوانند آغاز شد . شاهان میسانی تقویت مزد میسرا بایتابه کشیر سمعی در واقع حرمی معنوی تسلط خود میشودند و کوشیدند تا آیرا از انحراف " آشونغان " (مهد عین دردین) و " بد بنان " (ملحدین) بزد ایند و به دینی را برپا یاهای مبت و احتجاج مبتنی کنند . مؤبدانی چیزه دست و سخنگوی مانند آرد آیرف ، کرتیر ، تسر ، پهنهنک ، مهربراز ، آذرباد مارسپند ان ، آزاد شاد و غیره از جمله کسانی هستند که به رف و روم مذا اهباب ، گرد آورد ن نصوص واحد بیث و حقیقتی شمولی احتجاجی مزد میسرا فقهه زرتشی (داتیک) هست گماشتند . مباحثات علمی زرتشی با یوسیوان مونوفیزیت و نسطوری و یقینی و ملحدان و مروجین فلسفه منطق یونان و معتقد اند به نظریات اند یشه هران هند و چین ، آشنا را مید است که در جستجوی دفاع ازدین رزشت گام از حد و دیا ساطیری و افسانه هافرا ترینند و دریاره وحدت یاثنتیت ، ذات وصفات اهوم زدا ، بدباد و منشاعجهان ، ازالیست و قد ماده و امثال اشها وارد بحث شوند .

کلیساي مونوفیزیت و نسطوری مراكز پخش زبان یونانی و سریانی ، فلسفه مقراط و افلاطون و ارسطو و فلوطین ومنطق ارسخط بود . برخی از ایرانیان مانند نرسی که در زمینه دوم قرن پنجم میلادی میزسته و معنی بیت ارد شیوی (Ma: no de Persia) و نظریات آنان در واقع رابط این مدارس نیم مذهبی و نیم فلسفی سریانی (که اسکول نام داشتند) و جامعه ایرانی قرارا گرفتند . این ایرانیان مذهب مسیحی را ساتکیه به فلسفه ومنطق یونانی میدان حجاجه با مردمه یعنی مکشانند نه . استناد متعددی در دست است که از گرمی بازار حشای ایده گلولیت د ران در هران حکایت میکند . مثلاً بنابرایت سریانی در ساره شهمد ان مسیحی د رایان ، زمانی ، در هران میسانیان ، یک مبلغ مسیحی بنام گیوارگیس (Giwargis) در رمجمی رسمی یا مغایی بحث در پیوست و دین زرتشی را بسب پرستش آتش دینی بیت پرستانه و فرمایه خواند . مخد ریاضخ نکت ما پرستند ة نفس آتش نیستیم بلکه آتش را وسیله ای برای پوسترشد ای و احد ساخته ایستم چنانکه صلبی د رنزو شعاچین است . گیوارگیس این دعوی مؤبد راناد رست شمرد و قطعاتی از اوست برخواند که حاکی از ایست که آتش سماهای خد ای مردم نیایش قرار گیرد . معنکت اگر هم مآشی رانغا میرم ازانست که گوهر اشتبه گوهر اورمزد پکسان است . گیوارگیس گفت ای معنی این سخن ایست که آنچه مایه آتش ایست و آتش از آن میزد ، مایه اورمزد نیز هست . غن گفت چینی است . مسیحی گفت پس سرگین نیز نایه آتش است ، آیا مایه اورمزد شمانیز هست ؟ برایت مسیحی مخد ریاضخ در ماند . شک نیست که این روایت سریانی از روی تعبیه و برای محیم ساختن غلبة ملخین مسیحی د ریخت نگاشته شد و لی نمود ارای است از مشکلاتی که مؤبد ان زرتشی یا آن رهبری و داده اند .

پیش از خاتمه کلام در رباره کیش زرتشی مختصرا نیز به اهمیت فلسفی این آشین اشاره کنیم . در مزده پیش از پیش عناصرد بالک تیک بد وی (یاساده لوحانه) از هزاره شایان توجه است (رجوع کنید به مقائله اینجانبی در شماره سوم سال اول مجله دنیا) . اصل " هستاری " (Antithétique) در این آشین ، نبرد اعمی متقابلان ، منظره ای گرچه پند آرال اوزرسیرواقعی طبیعت و جامعه معنکنی کند . در رباره تاثیر این مزده پیش از رفلسفه یونان یعنوان شال اظهار نظر اعتصار اقای پوردادرا به نقل از " پیشها " (صفحات ۵۹۱-۵۹۲) در مبحث مرسوط به " قره و شی " یا فرهنگ از کیم . اقای پورداد می نویسد : " همچنین پیمار عید بنظر میرسد که افلاطون در رفلسفه خویش در تحت نفوذ مزده پیش ایجاد شده در رجای ای گوید هر یک از ای جسم صورت ذهنی و معنوی موجود است ، از فره و شریین اطلاع باشد . افلاطون می گوید نه فقط انسان و اتش و آب را جنین صورت باطنی موجود است ، بلکه نیکوئی و خویی و عدالت نیز دارای چنین صورت ذهنی است . صورت ذهنی (idea) و قالب و سرهشق (Paradeigma) کلیه اشیا موجود است و با عبارت دیگر صور ذهنی قالب اشیاء غیرحقیقی است و اشیاء موجود جسمانی تقليدی است از صورت ذهنی که قدری وجود ادنی و غیرمرعی است . آنچه

تقلیدی است در معرض همه قسم تغییر است. پس هرچیز را در عالم دو جز است: جزء از لی و ایزدی، و جزء فنا نباید. جزء از لی مثلاً روح انسانی که پیش از ترکیب جسمانی ای موجود داشته و در صورتی که پاک و بی آلایش مانده باشد، دوباره بحال علوی عروج کرد و مقام اولی خود می‌مود و بحیات ابدی پیوسته گردید. این فلسفه کاملاً یاد اور حکمت زننده است، مگر آنکه کلمه فروشی به idea تغییر یافته است. در همین زمانه باید گفت که بنایگفته فرد یانند لاسال در کتابش یارجع به هرآلکیت (بنایه نقل نین در "دفتر فلسفی" صفحه ۲۹۳) تحقیقات انجام گیرد، روش خواهد شد که دامنه تأثیرات بیش از اینهاست.

۲- الحاد

آئین زرتشت در وران ساسانی باد و الحاد نیرومند، سرکش و عنود که گرچه از احکام و اساطیر (Manichaeism) خود وی نشانگرگفته بودند ولی خود عوی جانشینی اش را داشتند روپرور گردید: مانیگری (Manichæry) و درست دینی مزد کیان.

چنانکه روش است نبرد طبقاتی در عرصه فکری در ورانی که ایده ئولوی مذهبی ایده ئولوی و زی مسلط جامعه است، بطوط عده بصورت نبرد دین والحاد بروز می‌کند و این حکم که فرید ریش انگلش آنرا متد کر میگردد (کلیات مارکن و انگلش بروسی جلد ۸ صفحه ۱۲۹-۱۲۸) در نونه کیش مانی و کیش مزد که بعیان دیده میشود.

مانی سفرد یک بنیادگر ایده است که وی خواسته است جهانگیری باشد و از این جهت آنرا بصورت التقاطی از منع ترقی دینها و عقاید دارد. مانیگری (۱) مانند مهرپرستی در شرق و غرب از روم تا چین بسط یافت و منشاء بروز یکرشته جریانات الحاد آمیز (الحاد پاولیان در رخاواروپا، کاتار در رایاتیا، الپس زوا در فراتنه، بوگویلیف در بلغار) گردید. نفوذ کیش مانی را در قلعه امپراتوری روم حتی دتها پس از تابودی مانی از اینجا میتوان فهمید که سنت اوگوستن یکی از متكلمن مهم مسیحی و از این بر جسته کلیسا در قرن پنجم میلادی مجبر شد رهبری ای برمانیگری بینیسد. مانیگری کم مانده بود آئین زرتشی را از رسالت سیطره بیان از د ولی مweed این سر اینجام موق شدند بنیادگر از اینکه دادرسی عقدتی و مذهبی به قصاصگاه بفرستند و ازراه جبر و زوران کیش را بر افتکند. با اینحال کیش مانی دیرگاهی پایید و علاوه بر آنکه به آئین مزد کی غذای فکری داد خود مستقل اراد و اورد و مسلمان رجیان فکری از ازاد اند یاشانه پس اسلام موسوم به "زندقه" محظی اساسی مانیگری است. این ند به تصریح میکند که در زمان پیش امیه مانویان سریلنک در دند و مسعودی عده ای از مانویان بنام زمان خود مانند این ابوالعلوچا، حداد عجرد و یحیی بن زیاد و مطیع بن اسماں رانام میسرد در کتاب اغانی ابوالفارج اصفهانی این متفق و بشنا رین برد رانیز از این گروه میشود. مهدی خلیفه عباسی در پند گوشی به فرزند شهادی اور ایه برد شدید با مانویان اند زد مداده است. این واقعیات نشانه نفوذ عمیق کیش مانی پس از اسلام و رخنه آن در رفاقت زناده است.

کیش مانی که از عرفان گوستیک و مرتأتیض هندی انباشته و جنبه مذهبی شد دارد از درست دینی مزد کیان بمراتب حاوی عناصر مثبت کمتری است. در برای این آئین اخیرینگارند و بحث مشبوعی کرد که است (رجوع کنید به مجله دنیا شماره ۱ سال دوم). کیش مزد کنیزد رجیانات الحاد آمیز قربانی اویله پس از اسلام (بپویه خرد پیش) اثری عقید داشته است و حریه معنوی قیام مردم ایران علیه سلطه عرب بوده است.

۳- فلسفة معنای اخصل

با انکه در ایران مولفین پس از سلطنت عرب از "فلسفه خسروانی" و "فهلویون" و "حکمت المشرقین" و "منطق المشرقین" سخن بیان امده، ولی هنوز محتوی مشخص این مفاهیم چنان روش نیست و ای چه

(۱) مانیگری مانند مزد ه یستا مسئله نبرد نیروظالم را مطرح می‌کند ولی به غلبه ظلمت به نظر معتقد است، لذا کیشی است بد بینانه و پاسیف و ریاضت و ترک دنیا و رهبانیت و احتراز از تشکیل خاکناده را توصیه می‌کند. مانیگری بیان می‌آورد و اساطیری محرومیت ها و نجھای تبدیله های بود است و از این جهت آن را می‌دانند. مسیحیت که یکی از پناهی فیض است شباخت محتوی دارد. همین جنبه مانیگری آنرا برای رنجیران شهر و ده جالب میساخت و اینها را خد یعنی کرد و تسکین می‌داد ولی روحانیون کشورهای مختلفی که مانیگری در آنجارخنه کرد و بود این رقیب خطرناک را باهمه پاسیف و زیون بودند با خشنوتی و حشتناک تعقیب میکردند.

بس اشاره بمکتب یا مکاتب فلسفی معنای خواه این کلمه نیست، بلکه یا اشاره به عقاید الهیون و متكلمین رزشی و مانوی و مرد کی وغیره است که افکار خود را بشکل استدالی بیان میکردند، یا اشاره به کتب حکمت و منطقی است که از آغاز ساسانیان از یونانی و سریانی به پهلوی ترجمه میشدند است.

صرف نظر از دروان اشکانی که طی آن زبان و ادب و هنر و حکمت یونان و روم در قشر اشرافی کشور رواج داشت و سیله جلوه فروشی بود، چنانکه قته شد از اگر از دروان ساسانی واژzman شاپور ارد شیران دمیون شاه ساسانی ترجمه اشاره یونانی شروع شد. معروف است که تشریف دید رزشی با فلسفة مقراط و افلاطون و ارسسطو آشناشی داشت. اسکولهای سریانی که به پخش مسیحیت مشغول بودند فلسفة نوافلاظوتی و منطق ارسسطو را نیز ترویج میدادند و ممنی بیت ارد شیری که ذکر شد کشت از مروجان منطق ارسسطود را برایان بود.

در دروان اخیر ساسانی رخدنه فلسفه یونانی د رشوم بپیشترشده بعیشه مهاجرت هفت تن از فلاسفة مکتب آتن (که در رسال ۵۱۹ میلادی تعطیل شد) به ایران و مباحثات شاه ایران (خسرو کواثان معروف به انشیریون) پا انتها، توجه ایرانیان را به مطالب مطروحه در فلسفه پیشتر جلب کرد.

مترجم بیزانسی آگاثیا از مردم شهر مرینه (Myrine) مؤلف کتاب "سلطنت رُوستین" که با خسرو انشیریون معاصر بود (۵۳۶-۵۸۲ م.) در کتاب خود (کتاب ۲ بند ۸) تصریح میکند که خسرو انشیریون تصنیفات ارسسطو و افلاطون را سیاره وست مید آشت و مهدیان را آگرد می آورد تا در ریارة تکونین جهان بحث کند. مطالب مورد بحث بنابر تصریح آگاثیاس چنین بود: آیاعالم متاباهی است یانا متاباهی، ابدی است یاحداد، یگانه است یامتکر. بولس یونانی که ذکر شد کشت مختصری از منطق ارسسطو را برای انشیریون که ظاهر اینسان سریانی آشنا بود از یونانی سریانی ترجمه کرد و تقدیم این فلسفه را برای خسرو شرح نمود. در اینکه منطق ارسسطو به پهلوی نیز ترجمه شد بود تردیدی نیست زیرا نخستین مترجم منطق ارسسطو به عربی این مفعع است و وی بظلن اقوی در ترجمه خود از ترجمه پهلوی استفاده کرد است.

۴- نظریات سیاسی و اخلاقی
از دریازد را برایان سخنان حکمت آمیزد ریارة شیوه زندگی و آمیش، تد بیوار کشوری صورت جملات قصار (آفسوریسم) مرسوم بود و پرکشته کارنامه ها و آئین نامه ها و اند رزناهه ها و د استانهای متضمن "حکمت عملی" در دروان ساسانیان پرداخته شد است. از میان اند رزناهه ها میتوان از اند رزمامه بزرگمربرختگان و خسرو کواثان و او شزد اند اوزری شست آذرباد و آذرباد مارسپند آن که در دست نام سرد. در میان د استانهای که تعداد آنها زیاد بود باید بعیشه از کلیله و منه یاد کرد. این کتاب را بصورت د استانهای پراکند و در ریارة جانه ران بروزیه طبیب از هند و سلطان با خود آورد. رابطه معمنی هند و ایران در آن ایام بسیار بسیار و تاثیراند یشه هندی در زندگی کی معنوی ایران از تا شیری یونانی نه تهمه کمتر نیست بلکه بعراقب پیشتر است. شیوه اند رزناهه و کارنامه و آئین نامه نویسی در دروان پس از اسلام محفوظ ماند و ایرانیان و اعراب بدین شیوه آثار فراوانی ترتیب دادند. از روی این آثار میتوان بسیاری از گههای سیاسی و اخلاقی عصر ساسانیان را روشن کرد.

III

از آنجاکه مرههای حیات معنوی ایران پیش از اسلام چند ان روشن نیست، با آنکه بنای این بررسی به حفظ احتمال کامل و ذکر کلی ترین خطوط و عده ترین مطالب است، در این زمینه مکث پیشتری کرد یم ولی سیر فلسفه و تفکر اجتماعی در دروان پس از اسلام بمراحت روشن تراست و در این مورد تلی از اسناد و دارک و متابع اولیه وجود ارد و محله مسائل یا لحن گردید و باحتی که بیشترین محور ضایت بخشی حل شده است لذا میتوان در این باره بد کریخی نکات اکتفا کرد.

غلبه عرب و اسلام تحول کیفی و گاه نیز رسمت مثبت در جامعه ایران که در چارچوب رژیم کاست و شیوه های تئوکراتیک و اریستوکراتیک شاهان و اشراف ساسانی مجده شد و بعد ایجاد کرد و اثری خلاق ما دی و معنوی مود مراتحدی از ازاد ساخت. در دروان پس از اسلام پست اسخن اند رزمانه ایرانیان استقلال خود را کمابیش را طراف و اکتفا کشید که این مرکز رستاخیز معمنوی بزرگی شد و نقشی در پیش رفت تعدد انسانی ایفا کرد که جمعی از شرق شناسان اتحاد شوروی آنرا درد نهش یونان عتیق می شمارند. از قرن چهارم تا هفتم هجری ایران پرور شکاه بزرگترین فلسفه و علماء عصر ما تند فارابی، این سینا، بیرونی،

رازی، خیام، غزالی، فخر رازی و خواجه نصیر الدین طوسی بود.

علت این راستاخانه‌ی معنوی روشن است: فتوحات عرب تد نهای مختلقی را بیم پوندداد. میراث معنوی یونان و روم و میراث و هند و یاران و سوریه و مصر همه و همه در یک انبیه هظیم در هم آمیخت و با آنکه عرب مسلمان که خود راستخانه بعراط فوتراز سطح تدبیر کشورهای متفوحة خوش قرار داشت مدعا یود که "کتاب خدا" یعنی قرآن و احادیث قدسی و بنوی کافی است و به بیش ازان نیازی نیست و بدین بهانه نیز کوشید تا در شرق و غرب خزانه‌ی گرانقد رکب را تابید (۱)، بتدریج در راه رفاقت عنود انه وزیر کانه و فد اکارانه خلائق های مغلوب جمیور شد گام بگام عقب پیشندید. در این فتح معنوی، ایرانیان، که از طریق ترجمة آثار متعدد فلسفی واد بی میتد روح روح خود را در جهان تحت فرام خان لفلاً عرب رخنه می دادند، نقش پزگی داشتند و این موالی زندیق مابد ردت کوتاه زمام حیات ایده گلوبزک جامده را در دست گرفتند. جانشکه حتی در ایام امپراتور "علم" اسلامی نایبی مانند فقه نیز رانحصار موالی ایرانی نژاد بود و سیطره معنوی ایرانیان در عرب فاتح احسان بغض نژادی سخنچرای ابرانگیخت و اینهمه صحنه های شکرگ نبرد شعوبیه عرب و ایرانی را بوجود آورد. ایرانیان کی از اینان جنبش "تعقل" (راسیونالیسم) در مقابل اسلوب "تعبد" (فیده یئسم) مذہبی عرب بودند. این راسیونالیسم به اشکال مختلف بروزکرد و مضمون ان این بود که نمی توان تنبهایه آیات واحد یست اتفاکرد بلکه با ایده نبال "رائی" و "عقل" و قضاوت خود رفت و آیات واحد را تامرد تأول و تفسیر قرارداد و بطور آنرا بیرون کشید. از همان نخستین سده های پیش از سلطنت اسلام نبرد "اصحاب حدیث و اصحاب رائی" "آغا شد، بحث "متزله" و "اعشه" در گرفت، "قدره" و "چیره" بجان هم افتادند و قشر یونان و اسطنبوں بدیدند، فلسفة و منطق وارد میدان شد و درین تشیعی، سریع و شگفتگی رخ داد.

مثالي بزنیم : امام ابوحنیفه نعمان بن ثابت که در اوائل قرن دوم هجری میزست و خود از مردم کابل است و زاده چهارگانه اهل سنت بشمار میورده کی اینسیداد گزاران جیران " اصحاب رائی " است . می گویند وی در ٤٠٠ حکم شرعی پیغمبر اسلام مخالفت داشت . مثلاً پیغمبر فتحه است : للقُرْنَى سَهْمَانَ وَلِرَجْلِهِمْ وابوحنیفه باین حکم که سهم اسب را در برابر سهم انسان قرار میدهد خلافت میکرد وی گفت : لا جعل سهم بهمیع اکتر من سهم المؤمن یعنی : من سهم جائزی رایبیش از سهم یک گروند بدین قرار نمی دهم . وی می گفت : اگر پیغمبر هم با من میزست بسیاری از اراوه مراهی پذیرفت . ابوحنیفه در عراق برای افسوس قهقهه اصحاب را می قراراد اشت و همانکه بن انس فقیه عرب در حجاجه که از اصحاب حد پیش بود مبارزه ای سخت میکرد . لیستی ایرانیان از طریق ترجمه اثار فلسفی وادی (مانند ابن مفعع) و از طریق دفاع از روز شهار ار اسپوتنی نسبت به احکام دین (مانند اصحاب راعی و معتبره) یا زاره ایجاد یخچاهی بقصد تعقیف دگم های دین (مانند دفع از جبرید رمقابله قدریه) محیط ایده علویونگ جهان خلافت را ساخت تحت تاثیر بخود قرارداده بودند . سرکرد ۀ کتب " اعتزال " ابوخدیقه واصل بن عطا ایرانی بود و جهنم بن صفوان خراسانی نماینده ۀ جنبش جیریگی است و از طریق اثبات همین مجبوریت انسانی است که جیریها ضرورت عذاب و پاداش پس از مگ معاد ، احمد شک قاره مدد آردند .

پن ازاین نخستین درگیری های ایده عولوژیک جریاتان عدد ۸ گفري عصرشکل میگرد . این جریاتان عدد ه بیارت است ازدین رسمنی ، الحاد ، عرفان ، فلسنه ، کلام . دین رسمنی بیارت بود از طریق شه سنت و جماعت (سنتن) و مرکب بود از چهار مذہب حنفی و حنبلی و مالکی و شافعی . در میان پیروان این مذاهب چهارگانه نیز مخاصمت شد ید بود . الحاد به مرور جنبشیت تشیع و رفض و دفاع از خاندان اعلی را مسد و نهضت های قوی خوارج و قرمطی و اسلامی ایلان برخاست . عرفان نیز سرعت شکل گرفت و از صورت زید و ورع و مرثیت پیش خشک دوانهای اولیه (نقش) خارج گردید و بیش از پیشیه اند یشه های نوافلاظطنی رو آورد و بسوی تشقیق وحدت وجود واشراق کرایان گردید . فلسفه و منطق رواج یافت و شارحین عرب و پارسی ارسطو و افلاطون (که غالباً رادراغاراند پیشه این دو فیلسوف را معزز میکردند) مانند الکتدی و فارابی پدید آمدند و

(۱) عبد الرحمن بن خلد ون در "مقدمة" می گوید وقتی سعد و قاضی ایران را فتح کرد عمر بن خطاب را آگاه ساخت که در این دیار کتب بسیاری است و از خواست تا آنها را بعربی ترجمه کند. عمر پیام فرمود که کتابهای اراد را بشوید و باش بسوزاند زیرا که مغمون آنها همانند قران است که کتاب خدا برای مکافی است و اگر مخالف است که خدا اوند بهتر است مارا از شر آن ضلالت محفوظ نگاهد ارد.

جرگه های مخفی "اخوان الصفا" و محافل فلسفی اطراف ابوزلیمان منطقی سیستانی تشکیل گردید و فیلسوف نام آوری مانند ابن سینا بروز کرد. اهل کلام نیز نتیجه ریج به د وگوه عده ۸ معتزله و اشاعره تقسیم شدند و نقش کلام که بحث تعلقی داشتند دین است از قرقه که بحث قضائی در قریعه دین است جدا شد و کلام بصورت یک جریان تعقلی ولی در خدمت دین و علیه فلسفه مشاهده بوده آن جهاتی از این فلسفه که دین رانگران میگشت (مانند اعتقاد به حقیقت عالم و نعمتی ماد جسمانی) درآمد. درین متکلمین معتزلی و اشعری، معتزله بد و نون شک بتعقل فلسفی بمراتب نزد پیشترند. کلام معتزلی پایه کلام شیعی که زمانی کیشی الحاد آمیزید قرار گرفت.

پس از فعل و انفعالات اولیه که کوشید یه نظره ای سخت فشرده ازان ترسیم کیم و پس از آنکه ازاواسط قرن دوم هجری تا اوائل قرن ششم نبرد ایده علوییت پژوهش و خوشویشی گذشت، دران نهی رکود که برآورد اجتماعی همپاس فرامیسرد و این رکود تاقردن اخیراً داده داشت. در این دران طولانی جریانات از لحظه کیفی نوی دیده نمی شود و تمام تغییرات و تحولات، تغییرات و تحولات التقاطی است که در اثر ترکیب درونی و تأثیر متقابل جریانات سنتی ایده علوییت پدید میگرد.

در واقع خلافت عباسی که از همان قرن های سوم و چهارم هجری د چار خطر سقوط بود، با تکیه بر امیران ترک (که در دفع ازدین رسمی و خلافت تعصب داشتند) موفق شد خود را حافظ کند و دست سلطانان غزنوی و شاهان سلجوقی علیه آزاد اند یعنی وتسامح دران سامانیان وآل زیار وآل بویه وآل ماون ودیگر امراً بیانی و اکنشی خونین اغاز نماید. از قرن پنجم قشریت و ساخت کیوی مذهبی راه را بر عقل راهگشایی زیش می بندد و فلسفه را بسازش با کلام و کلام را بسازش بیشترداردین و عرفان را به تعیین از احکام مذهبی و سالوسیهای منتظرانه والحاد را بعقب نشینی و سازگاری و مامد ارد. وقتی که الحاد شیعی بتدیری و بعیزی دران صفوی دین رسمی شد ویا الحاد نقطه و بایگری و بهائیگری و پژوهیسینون فکری عرفانی و فلسفی روبرو گردید اونیمزار سخت کیوی و تعصب و خونریزی پیرای بکرسی نشاند احکام خود تن نزد.

پژوهندۀ تاریخ تقدیر فلسفی ایران در این دران موظف نیست که در ریاره مذهب والحاد و شعب عدیده آن در تاریخ خود بمحضی خاص بازگشت زیرا برخلاف افاده دران پیش از اسلام چنانکه اشاره رفت در داد و ران پس از اسلام یک سلسله ایده علویهای صراف فلسفی وجود دارد که موضوع ویژه و اصول تاریخ فلسفه است و این ایده علویهای فلسفی عبارت است از فلسفه شنا" و فلسفه اشراق (عرفان) (و اند یشه های مادی و آزاد - اند یشهانه و حکمت عملی (مسائل اجتماعی و اخلاقی)، و امداد رمود کلام با بد گفت که دنبال کرد ن سیستان و شسان داد و جریان در آمیختگی آن با فلسفه ضروری است ولی مسلمان تاریخ فلسفه نمی تواند و نباشد در مباحث کلامی و تاریخ متکلمین غرق شود.

متکرین برجسته ای که زندگی و فعالیت معنوی و آثار آنها باید برای روشن کرد ن سیوت فکر فلسفی بمعنایی که ذکر شد مورد مطالعه قرار گیرد عارتداد از: ابن مقعد، واصل بن صالح، جهم بن صفوان، ابو منیر فارابی، زکریای رازی، ایرانشهری، ابوریحان بیرونی، ابوزلیمان منطقی سجستانی، گروه اخوان الصفا، ابوعلی سینا، بهمنیار، ابوعلی مسکویه، ناصرخسرو، عمر خیام، عین القضاۃ همدانی، غزالی، شهاب الدین سهروردی، شهرستانی سنانی، فردی الدین عطار، فخر رازی، جلال الدین مولوی، مصلح الدین معبدی، نصیر الدین طوسی، افضل الدین کاشانی، سعد الدین تفتخارانی، شمس الدین حافظ، قطب السدین شیرازی، محمود شبستری، میرفند رسکی، میردا ماد، صدرالدین شیرازی، عبد الرزاق لاهیجی، ملاهادی سبزواری، میرزا ابوالحسن جلوه (در قرقن اخیری: عبد الرحیم طالبی، کسری، ارانی).

برخی از تأثیردگان پیرو و مكتب مشاعنده باکمی گرا یش بفلسفه افلاطون (مانند فارابی و ابن سینا و بهمنیار)، برخی پیرو و مكتب اشراق (مانند سهروردی، عین القضاۃ، عطار، مولوی، شبستری)، برخی جزء جریان تقدیر مادری، شکاکیت و آزاد اند یشنیدن (مانند رازی، ایرانشهری، بیرونی، خیام و حافظ)، برخی بیشتر متکلمدن (مانند غزالی، فخر رازی، تفتخارانی، شهرستانی)، برخی بیشتره حکمت عملی پرداخته اند (مانند ابوعلی مسکویه، معدی)، برخی دست سیاستگاری کلام و فلسفه (مانند خواجه نصیر)، یاعران و فلسفه (مانند ملاصدرا) زده اند. اهمیت همه این افراد نیز از جهت ناآوری و خلاقیت و قدرت تا تاگیری کسان نیست. در جریان بظاهر یکنواخت و بی تناقض سیوت فلسفی در هزاره پس از سلطنت عرب و اسلام، در واقع نبرد پرشوری بین روند های فلسفی ماهیت مختلف و متضاد: بین ماتریالیسم واید و آلیسم، بین آنه ئیسم و

مذهب، بین طرز تفکر متأفیزیک و شیوه تفکر بالک تیک، بین راسیونالیسم و ایرانیسم جریان داشته است. جای کمترین تردید نیست که نه فقط در هریان و طباعیان و اصحاب هیولی که بنابهادت جمعی کثیر از مؤلفین (مانند جاخط بمصری و ابوالعلاء معربی و غزالی و سمعانی و شهرستانی و ناصرخسرو و ابن جوزی بخدادی و دیگر) دارای عقاید مادی بوده اند، بلکه عناصر تفکرمادی در مکتب مشائیخ ایرانی (بویژه ابوعلی سینا) در آن تیک معتزله نیز فراوان است و اصولاً از قلسطه و منطق یونان و ضرورت استناد به براهین عقلی و احتجاجات مستدل برای درک واقعیات و اثبات احکام (در قبال نفی آن که تنها بر اهیان نقلی و ذکر احادیث و اخبار را کافی می‌شمرد) قشرها و افراد مترقی عمر حیات میکردند. و اما مذهب یعنی بصورت آزاد اند پیش و شکایت و شیوه زندگی و خوشباشی و خرباتیگری و توصیل به جبر برای سست کردن پایه های مذهب و حشر و نشر و بهشت و درون (بویژه در افکار خیام و حافظ) بروز میکردند. است. عناصرد بالک تیک در عقاید عرفانی و حدت وجودی و ازان جمله دارند پیش و فلسفه ملاصد رای شیرازی (که حرکت جوهری است که متعالی معتقد بود) آشکار است. درباره برخی از این نکات بررسیهای بعنوان نمونه کار از طرف این مجله شریاقه است. این نمونه ها تنها میتواند الگوی اولیه پژوهش‌های کاملتر، دقیق تر و پوسان تر بعدی قرار گیرد.

در پس این نبرد اندیشه ها، نبرد طبقات وجود دارد. سخن انگلکس که الحاد و عزفان را در رفسن فکری مبارزه قشرهای اپو زیسیون و انقلابی جامعه درقون وسطی دانسته است مخفی است کاملاً بمحض صواب. در کشور معاalone بر عرفان والحاد، فلسفه و منطق و بطور کلی راسیونالیسم (وازا زین جهت حقیقت کلام) نیز رفسن چنین مبارزاتی بود. لذا نه تنها کشف تماد فکری در رسیونی فلسفی بلکه یافتن آسترطیفی ایان یعنی زرمهای دهقانان و مستندان شهرباغی اشراف فتووال، نیوادهای ایرانیان مغلوب علیه اعزاب و خلافت و ایران و سلطانان دست نشانده خلافت نیز وظیفه پژوهشندند است و تنها بایافت انتقال واقعی (نه جعلی و پند اری) آن نبرد فکری با این نبرد اجتماعی است که تاریخ فلسفه در ایران میتواند به يك مبحث علمی و به علم بدشود. واژه‌های از اسامی اشخاص و آثارهای مشتی عقاید و مقولات پراکنده بیرون آید. بهترین طریقه حل وظیفه بزرگ هنرمند نگارش تاریخ تفکر فلسفی در ایران، نگارش تدریجی، ایجاد منوگرانهای جد اکانه بررسی تدریجی منابع اولیه، رجال، ادوار، مکاتب و جریانات فکری جد اجد است تا پس از این آمدن باشد از این کافی مد ارک حلیلی، باند ازه کافی استنتاج و روشن شدن نظره، این تاریخ چنانکه در خورد محتوی غنی آنست فراهم گردد.

ماکن شته رایبرای آن نمی‌پژوهیم که بد ان درآویزیم و در مغایر آن سرنگون شویم. آموخته اندیشه تنها برای روشن کرد ن اینده والهام گرفتن از نسخه مثبت آن، برای احیا عناصر قابل زیست و در خورد تکامل آنی آنست. اینکار باید باعینیت علمی، بی شتاب، بی تھصیب، با عشق به حقیقت و تاریخ ورد م انجام گیرد. سیور تفکر سه هزار ساله در کشور مانشان میدهد که خلقهای که در فلات ایران میزسته اند بنویسه خود نبردی کردند که هرگز اسان و هموار نبود. دههای از متفکرین در این راه سرخود را تهادند و جان خود را باختند. جمعیت دیگر باید بسیار و صباً بسیار دشواری را بخاطر عقايد خویش متحمل شدند. این سیور داستانی است دل انگیز، پوشیر، سرشوار از قهرمانیها و قد اکارهایها که تنها میتواند ویا بد مشوق ما به ادامه نبرد سرخست در راه حقیقت و محرك ماد را تقویت و تشدید می‌زره بست شکننه و ضلالت براند از کنونی مردم ایران باشد.

نمید انم مضمون این بیت : «شغال بیشهه مازندران را
نمیگرد جزوگ مازندرانی » تاچه اندازه درست است و چنین است که مثلاً سگ استرابا دی یا تاریزی تیز و تهرانی از پس شغال بیشهه مازندران بر نمیاید ، در هر صورت این ضرب المثل در راه دو حرف این داستان بجاست .

شغال بیشهه مازندران

با

وصیت نامه

هر وقت سرگرد (مدیر زندان قصر) و افسران زندان، پنهانی، در اطاق کوچک و در افتاده کنوار آشیخانه جمع میشدند، در رابروی خود میستند و حتی به آذان شیزداد هم میسپردند که نزد یک در نماید، همه زند اینان بی میردند که پیشاد تاره ای در زندان روی خواهد داد . علت نجوای آنروز سرگرد با افسرانش این بود که ساعت یک بعد از ظهر سرهنگ (رعیس کل زند انسنا) با تلفون با خبر داد که "حکم اعدام تیمورقی" معروف به "خالدار" در یوان عالی تمیز ابرام شده و روز دیگر حکم اجرای خواهد شد

سرگرد فوری به افسرکشی در روزه زندان دستور داد روزنامه های عصر را، که برای زند انسان سیاسی و بعضی زند انسان دیگر میرسید و البته این خبر در آنها نوشته میشد، نگهدارد و در آن نفرستند . دیگر آنکه زند انسان را که آنروز برابر داد رسی به داد گاه هارفارقه بودند به بند های داخل زندان راه نداشت و همه آنها را یکسر به بند مجرد ببرد تا آگرکسی از اینها این خبر را شنیدند و باشد زندان را پخش نکند . اما کار باین جاتم نمیشد . دشواری بزرگ این بود که چونکه واکد ام نیونگ که بدگمانی ای پیش نیاورد تیمور را به سلول مجرد بیند از زندان خود او و نه یاران و دستانش بی نیزند که کاسه ای زیر نیم کاسه است، چون تیمور خالدار بارها پیش زند انسان و زند انسان قسم خورد و بود که اگر یوان تعیز هم حکم اعدا هش را ابرام کند خود کشی خواهد کرد . آنوقت بگذر مرد اشرا بد اینکشند .

دشواری دیگرکه با خود سرگرد مستگی داشت این بود که او با تیمور دوست نزد یک بود و از یکسال و نیم پیش تا آنروز همه کارهای خصوصی سرگرد در زندان، از جاوسی زند انسان سیاسی گرفته تا فروش اجنبی منوع در بازار سیاه زندان و لفت و لیس از زند انسانها، روی شاخ تیمور خالدار ارمیگشت . از دست دادن چنین دوست و هم دست زرنگ و کارآمدی البته تا حد تی پکارهای خصوصی سرگرد زبان فراوان میرساند و بنظر او بید اکدن جانشینی بالایقت برای تیمور کاری نمود که زود و آسان انجام گیرد .

از اینها گذشته، بخصوص این وظیفه ناطلوب که میایستی خود او باحیله و فریب تیمور را به سلول مجرد بیند ازد و پس فرد ساعت سه بعد از همیه شب زند و تندرست به دادستان یانعماً ده او تحولش بد هد سرگرد را بسیار ناراحت میکرد . شش ماه پیش که پس از مدتها سکوت دوباره سروحد ای پرووند تیمیر در دادگستری و داد و سه روزنامه بلند شد سرگرد خیال داشت همینکه کاری جای نازک بکشد چندین روز خود را

بناخوشی بزند و سر کارنیاید。اما پس از یکماء باز سروصد اخوابید و خیال سرگرد راحت شد。ولی ایند فعنه کار وزیرتازه داد گسترنی، که فقط چند روز پیش سر کار آمد بود، و تلفون ناگهانی سرهنگ اورا غافلگیر کرد و دیگر چاره ای نبود。

پس از ساعتی گفتگو و شور و مشورت با افسران، سرگرد به دفتر کار خود برگشت و غلام قزوینی سرگرد که در های قزوین را به دفتر خود خواست。بعد با سه نفر از اسبابان کشیک خلوت کرد و پس از این پیش در این نقشه ایکه با افسرانش ریخته بود با ینشکل اجراءشد:

زند یک غروب بود و هرف تپه های شمال تهران از سرخی شفق زستانی به ارغوانی مایل به نیلوفری میزد، چند دقیقه دیگر خورشید گرمابخش تناد بد پد بیشید و بی خانمانهای شهرها به سرمهای بی امان شب در از زستان و میکنداشت.

تیمور خالد ارورد و سه نفر از همکارانش کارهای پوار حیاط بند سه نشسته بودند، سیگار میکشیدند و اختلاط میکردند。غلام قزوینی با عده ای بیش از ده نفر از "جاهل" هایش، که همه آنها در بند پنج جا داشتند، به حیاط بند سه رسیدند。غلام نیمه مست بود و دیگران هم گلوی از عرق ترکدند بودند。زندان و عرق؟ عرق د و آتشنا اصفهان که چیزی نیست。زندانی، با جنایت سنگین، اگر کسیه اش مانند مغز زند اینان بسیک نباشد، جین اسکالتندی و حشیش هندی و مورفین و هر ویش فرانسوی هم برایش مسیسا میگردند.

آمد ن غلام قزوینی و جاهلهایش به بند سه کنگاره ای پیش از نیمه شب بودند، چون تیمور و غلام د وحیره قوی پنجه بودند。اولی برای قتل د و دیگر زندان میگذراند و می درد فتر فعالیت زندگیش، بجز خزم زند نهایی بی اهمیت، د و سه قلم شکم پاره کردن و یک فقره سربریدن ثبت شد بودند。هم اخانگی این د وجود بدهمچاری تگ و کفاره میماند。به همین جهت آنها و همکارانشان را در بند های جد اگاهه جاد اد بودند.

د شمشی خوین غلام باتیمور از اینجا سرچشمه مهیگرفت که تیمور، به پشتیبانی سرگرد، تمام درامد بازار سیاه زندان را بانحصار خود راورد و بود و باد بزندان قسمت میکرد، و تا آنوقت هیچ یک ازد و ز و کلک های غلام در رقبت با این حریف بجا نداشتند.

جاهلهای غلام را در میان گرفته بودند، یکی از آنها این تصنیف بند تنبانی رامیخواند "آی د من کوچوچوچولو، معه ات تو مشتم" باقی آنها با عده ای از زندانیان، که یکد مخدنده و شوکی و تغیری را در رگوستان کاسالت بارزند این غیمت میشمعدند، کف میزدند در جوای خوانند د مید اند "معه ات تو مشتم"。گروه غلام قزوینی پس از آنکه ازند سه بحیاط اند دیقه ای یکجا ایستاد، یکی میخواند، یکی گل و گرد ن میاد و پشت میگباند، دیگران بازند اینها بیکه بدبالشان بودند کف میزدند و د مید اند.

تیمور همچنان کار حیاط نشسته آنها را زیورچشم می پایید ولی محلی نمیکنداشت。غلام، برای خود نمای هر انگیختن حریف، در حیاط براه افتاد و همینکه به جوانی کل و آبله رواز هعد سtan تیمور رسید تیپایی به پشتیش زد。مردی که قرمیداد نگاهی سخره امیز به جوانک اند اخた و با صد ای زیرو تود ماغی گفت:

— کچلو بتظیر آشنا میای، مثل اینکه پارسیس هد بیگه راد ید یم؟ همه بخندند زندند。جوان نگاهی پریغضیره غلام و نگاهی پرسش آمیز به تیمور اند اخた تا یفهمند د متور سرگرد د چیست。یکی از آن سه نفره با تیمور نشسته بودند نیم خیزشید که بطراف غلام بیاید ولی تیمور، که همچنان بظاهر خوسرد و بی شویش بجا خود نشسته بود، ببازو پیش زد و اهرا نشاند。بعد، برای آنکه نهایت بی اعتمایی خود را نشان دهد، کند و آرام باناخن شست تریشه ای از قوطی کبریت کند و به خلال کردند ادان مشغول شد.

تیمور گوینکه خود را بظاهر خوسرد و بی اعتمایی نمایاند اماد را ل باین سخره بازی چه معناد ارد؟ بیشتر از شش ماه است که غلام به بند سه پانزده اشته، و هر وقت هم که بیرون بند با تیمور رهروشده سلامی اند اخته، مثل سگ بیکانه د مش رالای پایش جمع کرد و براه خود رفته است。حالچه شد؟

که رو گرفته و بی هیچ علت و سببی این تیگ غروب به بند تیمور آمد و این لش بازی راه اند اخته است ؟ آیا مسست است و نمی فهمد چه میکند یاخود را به مستی زده و خیالی دارد ؟

"آی د من کوچولو، پاکوچولو، معه ات تو مشتم ۰۰۰ معه ات تو مشتم ۰۰۰"

یکی از جاهلهای گروه تیمور، که زند یک تیمور شانه اشرا به دیوار تکیه داده بود، دست بیخ گوش کرد اشت و فریاد کشید :

"قوریاغه آوازه خون شد ه بیات گاپ میخونه ۰

خواننده میخواند، دیگری قر میاد، دیگران دم گرفته بودند، تیمور دن ان خلال میکرد، جمعیت

رفته رفته در حیاط زیاد ترمیشد، عده ای پاسیان دوان دوان به حیاط بند سه آمدند، زند اینهای کنجهکاو بی تابانه درانتظار زد و خورد خونین و پرتماشایی بودند.

غلام روبروی تیمور استاد در حالیکه ابد هن از لب ولوچه اش سرازیرید گفت :

- آقاتیمور، قربون اون خال گوشة لبت برم، دیگه نمیخاد شبها آنقد قران سریگیوی ۰۰۰

- تیمور دن ان قروچه ای کرد و چیزی نماند بود که باخیز تیزی از جا پرورد هطرف او بد ود، ولی

جمله آخر حرف غلام اور ابجایش میخکوب کرد. - میگن از زند و آزادت میکنن، من اولد همینو بهت خبر بد م.

تیمور از شنیدن این حرف سست شد، کینه پر جوشش ناگهان فرونشست، دشمن خونین بچشم ش

فرشتہ مژه اهی امد، با خوشروی وکی التماں آمیز پرسید :

- خدا ازد هن ت بشنو، کی ؟

- هروقت مردی .

خشقش خند ه بلند شد، کرکر خند گله غلام که با سرفه آمیخته بود از قمه همه بلند تر بود. تیمور، انگار

که ناگهان زیوش آتش کرد ه باشند، از جاست و جاقوی تیغه بلند ضامن دار را باز کرد. زندان و جاقو؟ در

بازار سیاه زندان چه چیز که پید انمیشود ! صورت تیمور از یغض و غضب کبود مینمود. زند اینهای کنجهکاو و

تماشاگرها هول و هراس به پس د ویدند. جاهلهای تیمور و غلام پشت سرکرد گان خود صرف بندی کردند.

مید ان برای جنگ د وحیف باز نشد. پاسیانها در حالیکه کمیندهای چرمی را باز کرد ه یکسر آنرا به مچ دست

پیچیده سرقلاب دار شر برای ضریه آزاد گزاره بودند پیش میامدند.

چند دقیقه ای د وحیف بمقاصد د دا و زده قدم از یکدیگر ایستاده بودند و مانند ماهیگیر که

چشم به چوب پنهانه قلاب د وخته و هر تکان آن برایش معنا و اهمیت بخصوصی دارد، بادقت کوچکترین جنبش

هدیگر ایم پاییدند. پس ازان غلام آرام آرام برای افتاد و مهمنان اند ازه که او دور مید ان قد مرید است

تاخود را از پهلو به تیمور نزد لک کند تیمور از اود ورمیدند.

تعجب عده ای از زند اینهای، که از قوت و فن جنگ تن بتن با چاقو و کارد خبرند اشتند، از این

بود که در دست غلام چاقوی دیده نمیشد و از خود میپرسیدند که اوچگونه خواهد توانست دست خالی با

حریف قوی پنجه ای مانند تیمور بجنگد ؟ اما چشم تیز بین و پر تجربه تیمور تیغ خود تراش راک بین د و انگشت

غلام پنهان بود مید بدم. تیمور مید است که غلام از اوجوانتر است و زهر و چاپکی پیشتر، واگر به تیمور نزد یک

و با اودست بگریانمیشود آخرش، اگرچه پس از جند زخم برد اشتن باشد، چاقو را از مشتش بیرون خواهد

کشید و آنوقت اگرچشم را باینچه کور نکند دست کم صورتش را جاک چاک خواهد کرد. بهمین جهت تیمور

میخواست از د وحیفه ای کاری و جانانه به حرف بزنند و برای اینکار منظر فرست بدم.

پس از زدن تی سکوت سنگین و حالت انتظاری که نفس را در رسینه همه خفه کرده بود، غلام آرام و

خود پخود گفت "نه میگ سرش رونتش سنگینی میکنه". آنوقت ناگهان قد می به پیش کشید اشت، پا بزین کوید

ونعره ای کشید. تیمور باین خیال که حرف قصد خیز زدن و حمله دارد، برای پیشستی، دستش را بد ور

سرگردان و تیز و فرز چاقو را بطرف سینه او پرتافت.

غلام، که شگرد دشمن را مید اشت و درانتظار پرتا چاقو بود، بچاکی بغل خالی کرد. چاقو از

زیمغل چپش کشید و چند قدم د ورتر بران پاسیانی فرونشست. پاسیان فریاد کشیده بزمین افتاد و پیش

از آنکه تیمور چاقوی دیگری از جیب بیرون بکشد ضریه سخت قلاب کمر به پشت سرش و مشت سنگین پاسیانی به

شکمش خورد. نفس تیمور بند آمد. همینکه جاھلهای د وحیر خواستند بھم بریزند و دست تبه یخه بشوئند پاسبانها با ضریب قلاب کمر آنها را پراکند ه کردند. به د دست غلام، بناید سترنچی سرگرد، د سمت بند آمد ه چهار پاسبان زیر بازو های تیمور را گرفته اوراکشان کشان از در حیاط بیرون بردند.

فرد ای آنروز، نزد یک ساعت یازده شب، پس از ساعتها ماعطلي وانتظار که د یگر حوصله تیمور را سربرد ه بود، افسر کشیک بند مجرد از روزن در آهنین سلوی به تیمور خبرداز که سرگرد رخواست اورا برای ملاقات وشنیدن شکایت پذیرفته اما جون امروز ساعت پنج بعد از ظهر برای کارفروي احضارش کردند و داده است که فرد أصبح زود ملاقات او بیايد.

این خبر را آندازه ای خیال زند انیرا راحت کرد. اگر افسر کشیک پیش نمیامد واين دروغ را نمیگفت بد گمانی ونگرانی او ترسی که تمام آنروز و شب مثل سلطان یاجانش افتاده بود تسکین نمیافتد. بخصوص این نکته از ساخته و پیدا اخته های افسر کشیک، که با زانی چرب و نرم و با پوششی د وستانه بخورد تیمور داد، در او تاثیر مورفين را داشت ونششه آرامش هنده و خواهی د وستانه بخورد داد. در رگ و روشی اشد و دید. افسر باو گفت با گرچه خدمت شدن پاسبان عذری بوده اما بانتظر سرگرد و افسران د یگر، برای حفظ ظاهر هم شده، تا پاسبان در ریمارستان میگرداند تیمور هم باید در سلول مجرد زند آنی باشد.

زنده اني، که د یگر از نگرانی و تشویش آزاد و از راه رفتند و در خود چرخیدن در سلول تنگ خسته و بی حوصله شده بود، روی زمین در راز کشید و افتاده در مغز شرمه بافت. اول باین فن رافتاد که مداد اپاسبان رخم خود را ازاوشکایت کند و گرفتار تاره ای، که شاید دواره نام تیمور را در داد گسترش سریانها بیند ازد و در ترسیج بچریان افتادن پرورده هم بی تائینباشد، روی دستش بگدارد. فرد اباید با سرگرد در این باره مشourt کرد و با وقت که هرچه زود تر پولی به پاسبان بد هد و ازاولد لجویی کند، واگر لازم باشد رضایت نامه ای از او بگیرد که مقصر غلام است و تیمور فقط از خود دفاع کرد ه است.

پس از دست تی ازاين فکر غلش و پیاد کارهای خصوصی خود افتاد "سه لوله تریاکی که سرگرد دفعه آخر با داد هنوز در رجعبه آهنتی است، نکند را يعنی روزه اکه اور رمجد است بند هارا بایارسی کنند و گند کارد ریباید ۰۰۰ اگر تیمور یا پیش بزند ان عمومی برسد که جنان پدری ازاين غلام در بیاروید که در استانها بنویسند ۰۰۰ پنجاه تoman ازان زند آنی بند و طلبکارا ست میاد اواين روزها زند آن خلاص بشود یگر اگر کف دستت مود راورد این پوامهم بدست خواهد رسید ۰۰۰ سرگرد در معامله اخري سریمور کلاه گذشت اشت بايد تلافی را جای د یگر راورد ۰۰۰ راستی فرد أصبح باید به سرگرد گفت کلید جعبه را که موقع بازرسی بدنی ارجیب تیمور راورد ه اند بیکی از چه هابد ه د تاسه لوله تریاک را در بیارو و جای امنی بگذرد ۰۰۰

زنده اني گاه چشم را که از هرچراخ خسته میشد میست، گاه دستش را روی پیشانی میگذاشت تانور چشم را نزند، نکم برو و د می بیشت میخوابید و افتاده بیشان چون کلاف سر درگمی و مغزش می پیچید. کم کم پاکها یش منگین شد و نزد یک بود خواهی بسیرد که ترنگی بده راهنمین خود وحدت ای ان در سلول پیچید، در چیز روزنه با لارفت و تا تمیع خود آمد و خواست نیم خیز شود گلوله کاغذی را باند آزه یک هسته درشت خرماد ریشش بزمین افتاده. در پیجه باز پایین آمد و نکسی پا هرچین باور چین از پشت در در خود.

تیمور با سراسیمگی کلوله را بایارزد و در آن بسته د یگرید بد. با احتیاط زیاد، با سرناخن لای کاغذ را بالا زد، کبسولی بچشم خورد و ماتش برد. اول باری بود که در زند آن چنین بسته ریز و اسرار آمیزی بدست میرسید. مد تی فکر کرد و عقاش بیجا یعنی نرمید که در کبسول چیست و فرستند ه کیست. عاقبت، بنا به گنجکاوی غیری که خصلت هرزند ای با تجریه است، به اوسی د و تکه کاغذ مجاله شد ه ورنگ و رو رفتہ روزنامه، که اند ازه هریک ازد و انگشت هم کمتر بود، پرد اخت. تکه کاغذ اولی را که رویش بسته بود سر رانویش پهن کرد و پاشت دست چین و چروش راه موارن مود. آنوقت باد قت پشت و روی اتر اگاهه کرد و جلو نورچراخ گرفت، در آن نوشته ای یا چیزی که نظرش را جلب کند ندید. تازه اگر چیزیم نوشته میبود در ش نمیخورد چون خواندن نمید است.

از تکه کاغذ اول که ناما مید شد کاغذ د و راکه د ورکبسول پیچید ه بود با همان دقت و احتیاط روى زانویش صاف کرد. پس از ایارسی یکروی د یگر ابرگرد اند و همینکه نگاهی بآن اند اخت بند لش پاره

شد ، مثل موش به تله افتاد دل دل میزد ، نفشنی شماره افتاد ، سست و بیحال روی زمین پهن شد و بی اختیار و اگاهی نیوش را خیس کرد .

در گوشه کاغذ د وخط ، که یکی نصف دیگری و عمود بر آن بود ، باد سته لرزان و قلمی قرمز نقش شد و بود و همین نشانه ساده تمام راز مرگ آمر کبسول ، دوز و کلک دستگاه زندان ، چنگ ساختگی غلام و افتادن به سلوول مجرد را برایش آشکار ساخت .

شش هفت ماه پیش که بازنگهان گرد و خاک پرونده تمیز را کنان دادند و سر و صدای بجهان افتادن آن در دادگاه تمیز بلند شد ، تمیز به همدستان از این شمس پرورد که اگر حکم اعدام ابرام شود به شیوه زهربرسانند تا خود کشی کند و بر سر دارترود . د لیل تمیز برای اینکار بظاهرا این بود که نمیخواهد دشمن دور چوبه دار را بگیرد ، بمرد ۰ او بخندن و مرگش هادی کنند . پس قراربران شد که هر وقت اید نجات از مرگ بریده شود همکارانش از هزاراهی و بهر قیمعی شد ا است مرگ موش با پرسانند و نشانی ابرام حکم و اجرای آن نقش چوبه دارد رکنار کاغذ باشد .

دیگر برای تمیز فکر رباره این طلب که کدام کس پسته را به سلوولش اند اخذ هیچ اهمیت و معنایی نداشت . کدام پاسیان قلاش و باتوجهی ایست که بخاطر صدریال اینکار ایستند ؟

تمیز در آغاز برخورد با مرگ تن وجاشن چنان از هول سرد و کرخت شد و بود که همه چیز حتی حقه بازیزد ستگاه زندان و ماجراه دعوای با غلام و گینه ای و یکی از لکه اش پرید . ولی رفته رفته تنش گرم و داغ شد ، حالت تب باشد ستد اد ، عرق از سر و رویش میریخت ، هیجان روحی آزارد هند ای در دلش راه یافت ، فکرهای پیشان و سرگیجه آور بلکه اش افداد ، منظره آد مکشی دوسال پیش در فاحشه خانه و دست و پا زدن و غلتیدن کشته درخون خود پیش چشمی نتش بست . تمیز جیغی کشید و از صدای خود از جا گشت . زبان و گلوی خشک شد و بود ، لیوان لعابی را زنگنه سلول برد اشت و باش راتانه سرکشید . میخواست راه برود طلاق پا برداشتند اشت . دست بد یوار د و سه قدم پیش رفت ، بگریه افتاد ، مد تی بد یوار تکیه کرد و حق کنان اشک میریخت . پاهاش تاب سنگینی بد نرانی ایورد ، کاردار یوار بزمی من نشست . صورتش را بین د و دست گرفته چشمها را بسته بود ، پلکه ای را بهم میفرشد و حالت صورت چین و جزوی خورد اش چنان بود که انکار از د سخت دندان بخود می پیچد . پس از چند دقیقه ای گریه کنان دست بد عابرداشت و شروع بخواندن الحمد و دعاها بیکه پیاد داشت کرد .

نگهان بیاد ش آمد که کبسول را کم کرد ا است و ممکن است زیر پا له بشود . چشش پراشیک بود و زمین رانیدی . پا پشت دست اشک را پا کرد و دست گرفته چشمها را بسته بود ، پلکه ای را بهم میفرشد و اتراندید . وحشت گم کرد ن آن اورا به هیجان جسمی و حنبش واد اشت . جستجوکان ، روی دست و زانو تامیان سلول پیش خزید ، تکه روزنایه جلو دستش آد ، آنرا کارنیز ، کبسول زیر آن بود .

همینکه آنرا برداشت و درست گرفت ، احساس شیئی معین اورا بیاد این طلاق معین و مشخص اند اخذ که بنای قراریکه با هم سنتاش دارد باید اثمار بسته زهر ازین بپردازد . دو تکه کاغذ روزنایه را در دهون گذاشت و به جوید آن مشغول شد .

در حالیکه کاغذ را میجوبد مد تی بقفرهند سنتاش بود . ریخت و قیافه آنها از نظرش میگذشت . دزد یها و عیش و عشرت یهای راکه با آنها کرد و بود بخاطرش میادم . پس از مدتی ، از قدر همکارانش با این فکر افتاد که : « صد و پنجاه هزار تومن بیچند نفر آنها باید هکار است . این بولیست که با ضافه صد هزار تومن مال خود تمیز - گذشته از تعارفها چرخشی دیگر میل د و حلقة لاستیک اتوموبیل - ببکی از دادرسان عالیته » داد گسترشی ، برای نجات تمیز از اعدام داده شده و این مرد باتعلق وعده های دهن شیرین کنی که داد هیچ کاری از پیش نبرد . شاید هم میخواست کاری بکند اما نتوانست که مید اند ؟ که میتواند از کار ایسن داد رسماً بی دین و ایمان سر در بیاورد ؟ اما این دادرس از آن ارقه ها و بخورهاست که شاید هم مید انتست که هیچ کاری نمیتواند بکند و همه وعده ها بد لگرنیها بشیش برای سروکیسه کرد ن تمیز در راینموقع بد بختی بود ؟ لابد این نظر پیش خود ش حساب کرد که پول را از یارو میگیریم ، کاری شد شد ، نشد و یارو را بد ارشیدند که دیگر کار تمام است و یکسی حسابی نباشد پس ید هی . اگر حساب با پیغام ایست پس خیالی عوضی فهمیده . تمیز تبان خود شیطان را پایین کشیده و از آنها بیم نیست که حتی وقتی عزاییل هم سرو قش

آمده بگذر ارد کلاه سرش برود . بخصوص که صد و پنجاه هزار تومان از این پول مال رفیقهاش است و زیرا بین آنها خواهد ماند . . . این سرگرد مدیر زند از رایگو، بعد از اینکه خدمت که تیمور باور کرد این دست آخری با چه حقه ای اورا به سلیمان مجرد اند اخت . هیچ وقت غلام جرئت نمیکرد بید و زلک و دستور سرگرد پا به بنده سه بگذر ارد و آن لش بازیار ریاورد . حتما سرگرد به غلام وعده کرد اما است که کارهای تیمور را با خواهد سپرد . . .

کشمکشی که با داد رسن عالمیتیه دادگستری و مدیر زند از د رغز تیمور در گرفته بود مدتها فکر رو هوش را بخود مشغول داشت و کم کم حواش را جمع و دلش را گرام میکرد . وحشت مرگ بین آنکه فراموش شود و ازین بروز ذره تسلیم میباشد و یکینه داد رسن و مدیر زند از دادن و فکر پس گرفتن پول شدید و شدید میشد . گویی محاکوم برای مرگ خود هد فی یافته بود . . .

درینحال بی اختیار دست بجیب برد و سیگاری در ازهار ، تعجبش از این بود که با وجود میل زیاد به سیگار چطرت بال آنرا فراموش کرد . وقتی سیگارا آتش میزد بیاد شد که در ازرسی بدن قوطی کبریت شر را گرفته بودند و بیرون پس از ساعتی داد و فریاد و مذاکره با افسر کشیک آنرا پس دادند . سیگار را که آتش زد با حرص داد آنرا فرمودید و حمه اش درین خیال بود که در د مرگ چه شاهکاری بزند که هم بول بدست همکار اش بزرگرد و هم بروی اکه مال خود است به مادر و کس و کار د و مقتول بد هند تایپ خشندت و از خدابرات طلب امریزش بکنند . مرا باید دریکی از امازونه ها خاک بکنند و لک قاریم سرقبرم قران بخواند . . .

محاکوم درین خیال باید که باز رشته فکرش پاره شد و این مسوال برا پیش پیش آمد که حکم اعدامش چه روزی باید اجرا شود ؟ پس از منتهی فکر و بخاطر ازهار ن قرارهایی که با هم ستائش داشت بیاد افتاد که اگر یک خط دیگر لای د و خط قزم نشانه دار کشیده باشد معلوم میشود مود اجرای حکم یکروز بعد از رسیدن زهرید است اوست و اگر و خط د و روز ، اگر هیچ خط دیگری نباشد روز اجرای حکم همین فرد است .

"اما آیا خط دیگری با لای نشانه دار بود یانبود ؟ . . . خدا یا بتونه میرم ، بود یانبود ؟ . . . چرا کاغذ را خوب نگاه نکرد ؟ . . . مثل اینکه خوب نگاه کرد همچ چیز خطا نبود . . . باید و حالا یاد مرفته . . . خدا ایا خود ت بفریاد برس ، بود یانبود . . . بود یانبود . . . بود یانبود . . ."

نگاهان صد ای پا در راه را او را بخود آورد ، تیمور پشت در آمد و گوش به در پیچه در چسباند . کم رفت و آمد و گفت و گوید راه را زیاد تر شد ، بین صد اها صد ای سرهنگ که تیمور با آن بخوبی آشنا بود بگوشش رسید . تیمور چیزی کرد که آمد ن سرهنگ د را یوقوت خود نشانه آنست که دیگر کار تمام است . بخود لرزید و باز پایش مست شد . میخواست بد اندجه ساختیست ، این موضوع برا پیش خیلی اهمیت داشت ، امام اساعت مجیش راد را ازرسی بدنی باز کرد ه بود نه . او میباشد زهر راساعی پیش از آنکه برای برد نش بیاند بخورد . به پنجره کوچک با لای د یوار نگاه کرد ، سفیده زده بود ، ولی جون هنوز در سلسله چراغ روشن بود متفاوته صبح نمودی ند اشت .

پس از چند دقیقه صد ای چند پا که بطرف او میادند شنیده شد ، کلمات مهم و مدهای آشنا و نآشنا بگوشش میویسد ، قد مهارقه رفته بوصد اترمیشد و طنیش در راه ره می پیچید . تیمور از پشت در به طرف کوهه آبد وید ، از کوهه آبد رلیوان ریخت ، پس از لحظه ای د و د لی کبسول را به گلو آند اخت ، رویش آب خورد و روی زمین دراز شد .

چند نفر پشت در سلسله ایستادند . دریاز شد . تیمور از جای خود تکانی نخورد ، همه پند اشتند که خواب است ." آزد ان شیورزاد " بایک پاسبان به درون سلسله امده و تند و تیز بدستهای محاکوم دستبند نزند .

تیمور ، انگار که در خواب بوده واژمه جایی خبر است ، چشم باز کرد و با پیش و خیرت به آنها نگام اند اخت . سرگرد ، برای آنکه چشمش به چشم تیمور نیفتند ، درواستاده بود و منظره رای پاییزد . تیمور بی ایستادگی و چون وجا را با شاره افسر کشیک از سلسله بیرون آمد . خبرنگاران روزنامه هاد رهرق م ازاو عکس بر مید اشتند . تیمور از امش ظاهری راحظ میکرد و هیچ نشانه ای از ترس و ناامیدی از خود بروز نمیشد اد .

اولاً باطاق افسرکشیک بردند و در آنچا نشاندند. پژنشک قانونی پس از آزمایش نبض و قلب تند رستی اورا تمدد یق کرد.

بیش از پاتزد ه دقيقه همه بانتظار آمدن دادستان بودند. خبرنگاران وقت راغبیت داشته در تیمور اگرفته بودند و با او سوال وجواب میکردند. برو بیا و سرو صدا و گفت و گوی باخبرنگاران سرمحتوم را گرم کردند بود و تیمور برای آنکه نایمید و لشونه خودرا از نظر پیشاند، بلند بلند حرف میزد، شوخی میکرد، به پرسشهای خبرنگاران جواب میداد و مید میگارمیکشید.

عاقبت نایند دادستان سرسیزد، محاکوم درخواست وصیت گفتن کرد و مدتی طالب خود را بابیانی گاه پراکنده و گاه پیوسته میگفت و نایند دادستان و خبرنگاران مینهشتند. زهرد اشت کم کم جذب میشد و در وجود مسعم اثریمی بخشید. دل درد و تشنج شروع شد و رفته رفته شدت میباشد، رنگ از صورت می پرید. تیمور با تمام نیروی جسم و جان کوشش میکرد تا در در راحله کند و بخود نپیچد. چون مید است که اگر ببرند که زهر خود را است تمام رشته هایش پنه خواهد شد. ولی چیزی نگذشت که اختیار از دستش بد رفت و حالت تهوع دست داد.

تا پژنشک را، که بد اخلاق زندان رفته بود، خبرنگارند و او پیش تیمور آمد و مسعم را باطراق بهداری زندان برای شست و شوی معد بردند بیشتر از پاتزد ه دقيقه طول کشید. مسعم دیگرخون بالا میارو و بحال بیهوشی افتاده بود.

پژنشک، پس از تزییق موهفين و شست و شوی معد و خون گرفتن، از جات مسعم مایوس شد و چومه از ازطعمه ایکه چندین سال انتظارش رامیکشید.

خبر خود کشی تیمور و وصیت نامه اش در روزنامه های عصر آنروز نوشته شد و سر زبانها افتاد. د وسیه روز دیگر، روزنامه ها و مجله های تهران داستان تیمور را، بنای سلیقه مشتریان خود، بسود یا بزیان تیمور، با عنوان های جور و واجور مانند: "تیمور گند اد گستری، راد راورد" ، "وصیت نامه تیمور سند تاریخی فساد سازمان اجتماع ماست" ، "زد و دقاچی که میخواهد قد سات مارالله که داراساز" ، "از هرچه بگذری سخت دند خوشتر است" بشوختند. بهترین آنها روپرداز یکی از مجله های هفتگی تهران است و خلاصه آن، بیانکه در عباراتش دست برد ه شد ه باشد، اینست.

"خبرنگارماهه روزاجرای حکم در زندان حضور اشته، همه وقایع را بچشم دیده و همه گفته ها محاکوم را بگوش شنیده است، روپرداز خود را چنانکه سیوه مجله ماست بعد از صلاحیه مفصل با وکیل مقفل و دوستان و آنسایان قاتل و همچنین طالعه برونده های امو برای خواندن گان گرامی نوشته و صحت تمام طالب آنرا تضمین مینماید و مسئولیت آنرا بعده میگیرد.

"بچه ایکه بامرد ه راهیزگ شد ه - هیچکس حتی خود تیمور قمی نمیداند پدر رش که وچکاره بوده است. مادر رش در یکی از مردم شورخانه های شهر قم موده شوی میکرد و در همانجا نشسته دست از من او بر نمید است. کمود کفیت اهشت سالگی بامداد رش بود و چون نگهارد ادیگری نداشت حتی در موقعیه مادر رش بکار خود مشغول بود.

"شاید سرچشمیه قساوت قلب تیمور وی اعتنایش به زندگی پسر از همین جاست که در بچگی چشم دلش با مرد ه و لش انسان خوگرفته بود. بچه هنوز نه سال تمام نداشت که مادرش مود و طفل بیکن برای سیر کرد ن شکم، مانند سگ ولگرد، در کوچه های شهر قم مود را استانه مقدس حضرت عصووه (ع) پرسه میزد و گدایی میکرد. بالاخره درد کان پنه د بروی پشاگردی شغقول شد. پنه د وز برای هر قصه جرزی کننه چرا آبرانیاوردی، چرانخ را موم نکشیدی شاگرد شرا بیرون حمانه کنک میزد و لت و پار میکرد و اگر وسیه د فعه همسایه هابچه را از زیولک پنه د وز بیرون نکشیده بودند کارش ساخته بود.

"اولین دزدی - بعد از چند ماه، در یکی از روزهای گرم تابستان، موقعيه که پنه د وز بعده از ناهار درد کان خوابیده بود، تیمور پول دخل را بیند کرد و پا بر فارگداشت. یکی از اوضاعیه تیمور در دکان پنه د را بین بود که وقتی استاد میخوابید شاگرد پاید اورا بزند تاگ ما و مگس خواب را بر او حرام نکنند.

پس از فرار شاگرد همینکه مگهای صورت پر نعمت پنهان دیدند حمله و شدن دودست بtarاج زدند. پنهان دوز بید ارشد، دخل را خالی دید و از تیمور خبری نبود. پنهان دوز قویا به تعقیب او پرداخت و بعد از یک ساعت یگر در پس کوچه ای پیدا شد. دخل را که شاهی ایهم ازان کم نشد بسیار از جیش دارد و باشت ولگ چنان دخلش را آورد که بعد از سالها وقتی تیمور این ماجرا را برای دستانش تعریف میکرد هنوز مرد آخرین کنکی که از استاد پنهان دوز خورد بود زیردند انش بود.

اولین آشنایی با زندان - روزی تیمور در صحن مطهر حضرت مصومه (ع) بقچه بنده زاغی را زیر یغش زد و دست مودی را که نزد پکش بود و میخواست اورا بگیرد با جاقو زخمی کرد و پا بفسار گذاشت. اما هنوز ازد صحن بیرون ندید و بود که مرد اورا گرفتند، و باسان وقتی رسید که تیمور زیر مشت ولگ زوار نیمه جان شد بود و اورا هنوز بقصد جان میزدند.

در شهریاری موقع بازرسی بد نی قفل بزرگ نقره ای از جیب تیمور دار آوردند، معلوم شد پیش از آنکه بقچه را بزند یکی از قلمهای نقفر ضریح طهر حضرت مصومه را باز کرد هاست.

اگرچه تیمور در بازرسی، با وجود تهدید و فشار، کسیریه هدستی خود معزیز نکرد ولی این بازیمن شهریاری دیرپوندۀ اماظهار عقیده کرد ه است که تیمور حتما جزو یکی از باند های دزدان واهاشان شهر قاست. اما از کی جزو این باند شد و چه کسی اورا فریب داده و جلب کرد و با خود تیمور با آنها رابطه پیدا کرد ه است همه اینها مطالبیست که تیمور بروز نداده است. تیمور رادر آنوقت، چون هنوز پس چوی پانزده ساله و نباناخ بود، برای دزدی بقچه بندی را پسر به یکمایه، و برای دزدی قفل ضریح حضرت مصومه پنهان ماه زندان تربیتی حکوم کردند.

کوش خیرنکاری برای کشف این گوشه از زندگی تیمور که ازد هسالگی، یعنی تقریباً از موقع سرت دخل پنهان دوز و فرار ازد کان او، تاسن پانزده سالگی به چه کاری مشغول بوده است بجا ای نرسید دیرپوندۀ امرهیج اشاره ای باین قسمت تاریخ نیست ورقاً و آشنایان اوهم خبری ندارند.

تیمور پیشتر اینچه ماه دزندان اطفال نماند و با چته ای پرازفاسد و هرگزی از این مکتب تربیتی فرار کرد. عفت قلم و سیرۀ مجله ما جاوه نمید هد که بی بوده سرگذشت تیمور پانزده ساله را دزندان قم بنویسیم. همینقدر را شاره میکیم که از آنچه که پسرک برو و آب ورنگی داشت گرمی و رونق تازه ای به بازار سیاه زندان بخشیده بود. هر وقت که در زندان اعمومی محمود جمال پرست و کریمی به تهرجان سالاران میخواست ایاز را ز شبستان خرد سالان به حجره خرد امیریدند و یکشیه کرایه اش مید انداشت. در همین دوره بود که تیمور به لقب "خالدار" ملقب گشت.

"شاید همین آمد و قتهای از زندان خرد سالان به زندان اعمومی و از طرف دیگر رفتار پر معاشر و بی سختگیری مامورین زندان نسبت به تیمور که در آنوقت وسیله دلالی آنها بود فرار اورا از زندان بسیار تسیه نمود.

قتل اکبر کیاده ای - از این موقع ماباز چندین سال پی تیمورا گم میکنیم، تا هشت سال پیش روزی خبر قتل اکبر کیاده ای در روزنامه های تهران درج میگرد و مردم تهران با قاتل سفاکی بینام تیمور قمی معروف به خالدار آشنایان میشوند.

"اهمیت این حادثه از اینچه بود که اکبر کیاده ای یکی از هر زنگاران و یکشیه گیران جوان تهران بود، نزد خانه کارها و اهل ورزش با احترام میکند اشتند و امید داشتند که در آینده کشته گیری شایسته از اباب در آید.

علت قتل چنانکه روزنامه های وقت نوشته اند این بوده است که شیخ تیمور و چند نفر از همکارهایش مسنت ولا یعقل، در یکی از کوچه های در خانگاه، سر راه را بعد مردم گرفتند و آذ پیت و آرام پرساندند. درین موقع اکبر کیاده ای از ازان کوچه میگرد و این وضع رامی بیند، جلو میمود و آنها پا خواش میکنند. در نتیجه بین آنها بگو مگو پیش میاید. تیمور از اکبر میخواهد که پیش پایش بخاک بیفت و زمین را بایمید. پای نججه کارا لامیکید و اکبر آنها دست به یخه میشود. درگیری دار این معركه، موقعيه اکبر یا هفت هشت نفر در زد و خورد

بوده و آنها را یکی بعد ازد یگری با ضریبه های جانانه بزمین میاند اخته است تیمور از پشت خنجر به پهلوی او میزند. اکبر سست و ناتوان بزمین میافتد. آنوقت تیمور با پیر حمی و سفا کی مخصوص بخدو صورت و گدن و سینه مضروب را چنان چاک چاک میکند که وقتی پدر سرعنی فرزند میاید نمیتواند اورا بشناسد.

”پاسخ تیمور به پرسش وکیل مقتول - هشت سال پیش، در دادرسی قتل اکبر کیاده ای، آقای نام آفر، وکیل مقتول، که در دو سال پیش هم وکالت مقتول دو را بعیده گرفت و تیمور بعلت ارتکاب آن قتل محکوم باعد ام گردید، تیمور را متهم نمود که دخانه عموی را اداره میکند ویکی از متابع درآمد او همین است. و چون تیمور این فرازگرد ن نگرفت وکیل از کارکوبی او پرسید: تیمور جواب داد: « خدمت بخلق خدا، خدا هم عوضش را میدم و روزی میرسونه ». وکیل با این جواب مهم قانون نمیسند و میگوید: « من از متهم میپرسم آیا تابحال شده است که اگرچه یکبار بفرکران بیفتد که کارکوبی شرافتمند آنها داشته باشد؟

تیمور پس از مد تی سکوت و فکر جواب میدهد: « بله، یکفعه این خیال بسرم زده. آن اولمه که به تهران آمد، باتهایم جیب بری، که از اصلش در روغ بود و توانستند بنم ثابت کنند، شش ماه پیش از آن تهران افتاده است. وقتی ازانجا خالص شدم گفتم برم در نیال یک کارو بار حسابی و حلال که هم نان و ایسی توش باشد هم خدا از من راضی باشد. هفت هشتاد و هر روز از صلوطه صبح تادم ده های غروب این دران در زدم کارجن شد و مایسم الله خوب، میشد بروم عمله گی، گل لگد کنم، روزی چهار پنج هزار گیوم. اما از خدا پنهان نیست ازیند خدا اچه پنهان، این کارها تنگه ماراخورد نمیکند. صبح تاشام میروی جان میکنی آنقدر هر یه نمید هند که شکمت نمیشود. آنوقتش یکی بهم گفت یک طبق مال بگیری بگذاری خرد و فروش میکنند. بزرگ و کاسبی کن. منم ریتم تو خیابان ناهه و چارراه اسلامبول بیین مردم آنچه ایشان و استون میگم از خود م در نیمارم. خود م دیدم، خدا امر ازد و چشم عاجز نکند اگر دروغ بگم. باهیمن چشمها خود م دیدم. ریاست داد کاه به متهم تذکر کارد اند که خلاصه صرف بزند.

متهم جواب داد: « حضرت آقای رئیس منکه حرفي ندارم، آقای وکیل از من یاسین میپرسند. آقای وکیل مقتول بشوختی به متهم گفتند: یاسین نمیپرسم، درگوشت یاسین میخوانم (زنگ رئیس) .

ریاست محترم دادگاه به وکیل مقتول تذکر اند که حرف متهم راقطع نکند. بعد فرمودند متهم اد امه بد، حرفت راتمام کن.

متهم اد امه داد: « آره، چی میگفتم. بله، تو خیابان شاه رضا، کمرکش خیابان دیدم که یکم ریکی یک لوک نفتالین روی چارپایه گذاشتند پاکت بعدم میفروشه. آخر وسط های بهاری دیدم مرتالین میخریدند که لیا سشناز را بند نزند. هر یا کی راهم ده ریال جریگی پول میگرفت. مردم ده هر لوک را گرفته بودند یک پاکت و د و پاکت میخریدند. من با خود م گفتم بیا، این یک کاسی حلال، هم خدمتی مخلق خدا امیکنی که رخت ولبا شنازرا بید نزند هم آب و علف خود ترا ازش در میاری. آنوقتش دیدم پاسیان که همان نزد یکی تو خیابان قدم میزد اند پهلوی نفتالین رفوشه. مردم را پس و پیش کرد، د و تا گوجه سبز از چیشید را راورد، با زبانش خیس کرد زد به نفتالین گذاشت دهنش. آنوقت همیظوره با ماملج ملوچ گوجه را میخورد و دهن همه را آب اند اخته بود و سه دفعه گفت نمک خوشمزه ایه. یک بد بخت خرد اری که سه تا پاکت هم خردید بود ازش پرسید این نفتالینه چطوطه میخورد. آنوقتش پایه بیان د و سه تا گوجه از چیشید را راورد و به یارو گفت بضم اله بفرمایین خود تان بخشین. روش یک خورد ه نفتالینه با قشیش نمکه. مردم را میگیم، همه بال کلت و پیزی از این الفاظ متهم همه بخندند ه افتادند. آقای رئیس دادگاه حرف متهم راقطع نموده گفتند.

متهم این الفاظ وبارات ایشا نرا در دادگاه بکار نبرید. متهم به پاسخ خود به پرسش وکیل مقتول اد امه داد: « مردم بد بخت انگشت بد هن همه بهم نگاه میکردند. آنها بیکه هنوز خردیده بودند چند تا فحش به یارو میدادند و را هشانرا میکشیدند میرفتند. آنها بیکه خردیده بودند پس میدادند و پولشانرا میخواستند. چه در دست رسانند بد هم، و قرقی مردم ازد ور یارو رفند و خلوت شد، من یک خورد ه آنطرفتر کناره رخت و ایساده بودم، بی آنکه خود مرا با این راه بزنم گوش میکرد م بینیم عاقبت کارچی میشند. نمک فروشه د رواز جون شما میکت فحشها بی به پاسیان میداد که اگر من

یکیش را اینجا بگم من با سر نیزه از نینجا بیرون میکنید .
اقای رئیس دادگاه فرمودند پس پستراست که نگوئی *

مخلص کلام یارو به پاسانه میگفت آخر خواهر ۰۰۰ ببخشید غلط کرد از هضم درفت ، میگفت
آخه خونه خراب چرانمیکاری کاسپیم را بکنم . تو این بکساعته که اینجا کشیته این دفعه سومه که مردم را
ازد و من چخش و پلامینکی برای اینکه هرد فده سه چهارتومان ازمن بگیری . منه هرجوی در میارم باید باج
سبیل به توبیدم . پاسانه گفت منه از ا قول بهت گفت اینجا ساعنی ده تومن باج داره . خلاصه یارو بساز
بیست ریال چپاند تو مشت پاسانه پاسان رفت و سط خیلیان . جندد قیقه دیگه باز مردم در بر بساز
گرفتند . من یک ده پانزده د قیقه ای همانجا اویاسد ه بودم ، وقتی یارو باز جهل پنجاه تامشتری راه اندخت
پاسانه دواره چند تاگوجه از جیش د را ورد و آبد طرف پیاده رو . منویگی از همانجا حساب کار خود مرا کرد؟ ”
(لام است خوانند گان گری بد اندند که خبرنگار مجله ما بین گفتو وسوال و جواب راینه از
صفحات نود و سه تاوند ه پرونده قتل اکبر کباره ای ، که بخط منشی دادگاه است و نشانه ایکشت تیمور و
امشای وکیل متقول در پای هر صفحه میهاشد نقل کرد ه است)

” اگر زرد اری عالمی برادر داری — مردم ، بخصوص پور شکاران کشور انتظار داشتند که دادگاه
این قائل سفاک را که به بیرون چنانه ترین شکل جوانمردی را راکشته و صورت اور اماثله کرد ه بود بمحاجات اعده ام
محکوم نماید تا عبرت سایرین بآشد . ولی گویا وکیل قائل که ازوکلای باقیون داد گسترشی است و همچنین پسر
جب رئیل کار خود را کرد ند . در صورتیکه د کوهه عینی از اهل محل درد داد گاه گواهی دادند که قتل بدست تیمور
اجرام شد ه ، دادگاه قتل را دسته جمعی تشخیص داد و تیمور را به پنچال و بهد ستائش را به ازیک تا
سه سال زندان مجرد محکوم ساخت . در دادگاه تجدید نظر هم مجازات تیمور از پنچال به سه سال
تخفیف یافت .

از آن زمان دیگر تیمور مثل برادر حاتم طاغی آدم معروفی شد ه بود و نامش سر زبانها افتاده بود .
مردم وقتی میخواستند بشو خی کسی را نفرین کنند میگفتند ” خدا تمیور قمی را بجات بیند ازد که از عزرا ایل بد ترس
است ” . یا وقتی بیو حمی ای ازکسی میدیدند میگفتند ” خدا اپر تمیور قمی را بایار مزد ” . و یا ” فلاش روی تمیور
قمی را سفید کرد ” . اگر مادری میخواست بچه شیطانش را بترساند میگفت ” الان تمیور قمی را صد اش میکنم ” .

” رجل سیاسی — این شهرت کشور گیر بعد از بیرون آمدن تمیور از زندان بیشتر شد وایس
دفعه تمیور عنوان یک رجل وطن پرست از صحة مهاره سیاسی سر در راورد . فعالیت سیاسی تمیور خالد اربابی
شكل شروع شد که روزی د انشجویان دانشگاه تهران ، برای تظاهراتی علیه دولت ، در جلو انشگاه بانظمام و
ترتیب اجتماع نموده میخواستند که بعید از پهارستان بباشند . قوای انتظامی جلو آنها را سرد کرد ه بود و لیس
دانشجویان متفرق نمیشدند . نزد یک ظهر چندین کامیون در میدان از جرج ایستاد و ده ای بیشتر اصد نفاراز
آنها پیاده شدند . تمیور قمی ، سر صرف ، در پشت بیرقی که رویش نوشته بود ” جمعیت ملی میهن پرستان ”
جای داشت . صفت ” میهن پرستان ملی ” دوست قدمی با نظم به پیش آمد و غفلت امانند نیزه داران عرب با
چوب و چماق بیچان دانشجویان افداد و قیمه کار اقوای انتظامی بپایان رساند .

از آن بعد هر وقت ، در هر کجای شهر و هر حکومتی که بر سر کار بود ، وقتی مردم برای کاری جمیع
میشدند ” میهن پرستان ملی ” پس کردگی تمیور برای لتو پارکرد ن و متفرق ساختن آنها حاضر بودند . پس
ازدستی که دیگر شورش دراد و کاربر موسای کشید ، و چند روزنامه بوده از روی کاربرد اشتد که این خیل اشان
مخول بسر کردگی تمیور سران به اخواز بود جمیعی ادارات انتظامی بینداشت ، رئیس شهر بانی وقت
تکذیبی د روزنامه های عصر نوشت و اظهار داشت که ” آقای تمیور قمی و جمعیتشان با ادارات انتظامی ابد
بسیگی نداشتند . فعالیت سیاسی ایشان و جمعیتشان در نتیجه احساسات پاک میهن پرستانه است که
قد اکارانه جان در کف نهاده برای استقلال کشور و آزادی ملت عزیز مارزه مینمایند . والبته این مبارزه
مورد سنا یش و پشتیانی کلیه وطن خواهان شرافتمد میباشد ” .

”اجل سگ که میرسد توی مسجد خرابی میکند - تیمور در این شهرت وعزت وافتخار بود و رو زی

نبود که عکشی را در یکی دو روزنامه درج نکند و شرح ملاقاتنش را با فلان وزیرنشویستند که دسته گل تازه تری پاید داد . تقریباً د وسال پیش تیمور در یکی از خانه های عمومی یکی از هم سناش را سربرید . شرح این ماجرا را روزنامه هایه تفصیل نوشته اند و مجله ماقبل خلاصه شرح این جنایت را یاد اوری میکند و کوشش دارد بیشتر به مطالب مهم ونتیجه گیری میپردازد تانقل حوار ثبیت آهیست .

روزی تیمور و چند نفر از سرمهید گاشن ، گویا فقط برای رفع خستگی از جمات و مشقات طاقت فرساً

که در راه خد مت به میهن و ملت عزیز متحمل میشدند ، مجلس بنزم سوری در یکی از خانه های عمومی بسرا پا میکند . موقعیکه سرها از شراب هنگ و تریاک گرم و لبها از لذت بوس و کارسرشار بود ، بین تیمور و یکی از هم سناش بر سرمهطابی (که ذکر آن در مجله ماقابل اهمیت نیست و در روزنامه هایه تفصیل بان اشاره شده) بگومند و رمیگرد . تیمور بی اندک طرف متوجه باشد کارد را ز جیب بیرون میکند و میخواهد بسینه اوری میزند . بعد اورا بزمین میاند ازد ، روی سینه اش می نشیند و شعرا و سرش را گوش میبرد .

آنچه از سفاکی این جنایت کارسیار قابل توجه همه ، بخصوص قابل مطالعه پژوهشان بیماریهای

روحی است اینسته و قوعیکه کشته درخون خود مغلط طبیه داشت و پامیزه است ، تیمور به طریق اینکه در مجلس حضور اشته اند و همه از ترس خود را باخته بودند و قدرت حرکت نداشتند ، فریاد میکشدند : « پدر سوخته ها برای چی بیکار نشسته اید ، بزید ، رنگش را بگوید داره برآتون میرقصمه » (این جمله را که عین اظهاریکی از مطریه ایست که در مجلس بنزم تیمور حضور اشته اند ، خبرنگار ما از صفحه د وست و هفتاد و چهار بروند است)

موقعیکه تیمور متکب قتل د و شد حکومت نظامی بود و بینجتهد اداره این جنایت در دادگاه

بد وی نظامی بعمل آمد . البته تیمور انتظار داشت که حامیان عالیقاشق د راین بد بخشی بد اد ش برمنند ولی جنایت بقدرتی سنگین و گند رسوایی باند ازه ای تنفرا بود که کمک و نجات آنی و فوری را بسیار دشوار و شاید هم غیرممکن مینمود .

ظاهر ارجمندین مینماید که حامیان تیمور ترجیح مید اند در دادگاه تجدید نظرهوارد مخففه ای

پترشند و مجازات اعدام را ، که میباشد نتیجه منطقی داده اند که بد وی نظامی باشد ، به زندان ابد تبدیل نمایند . پس ازان تا به دادگاه عالی تیمز برسمی مدتها وقت گذشته و آبها از سیارها افتاده و کارهای بسیار میتوان انجام داد .

اما تیمور در دادگاه بد وی نظامی دسته گل بایزهم تازه تری با بد داد و کاسه کوزه حامیان خود

خرابی کرد . اینجاست که ضرب المثل شیرین عالمانه میگوید : ”اجل سگ که میرسد توی مسجد خرابی میکند .

شرح ماجرای اینسته در بایان داد رسی ، موقعیکه منشی دادگاه نتیجه داد رسی را قراحت کرد و

مجازات تعیین شده را باین عبارت به محکوم ابلاغ نمود .

”مجازات اعدام بوسیله دار ۰۰۰ باتفاق آرا ” تیمور که از طرفی از نتیجه داد رسی و حکم داد رسان نظری بسیار عصبانی بود و از طرف دیگرین داشت

که باین تابه ضرب المثل دیگر فارسی ”پشش به شاه کوهست ” و نیاید ازین حکم های روی کاغذ بیسم و

باکی بخود را بدهد ، از جابر خاسته به آواز رسایلند فریاد کشید : ” خواهر همتونو ۰۰۰ باتفاق آرا ”

(نق از صفحه چهارصد وسی و شش پرونده امر)

دادگاه بد وی نظامی هم برای این شیرین کاری آخری تیمور صوت مجلس مفضلی ، که از

عبارات آن وهن زنگی و عصبانیت داد رسان مشهود است ، ترتیب داد و به پرونده قتل اضافه نمود .

پس ازانکه خبر این گنده کاری ، که البته توهین بزرگی بسازمان ارتش بود ، در شهر پخش

شد و سرزبانها افتاد ، طبیعی است که دیگر همچیغ مقامی حاضرین رسیک نبود که برای نجات تیمور از چویه

دار به دادگاه تجدید نظر توصیه ای نمکند . این بود که دادگاه تجدید نظر ناظمی نیز بی چون و چرا حکم

اعدام را باتفاق آرا تایید نمود و پرونده امنیات رخواست محکوم ، برای رسیدگی و حکم قضیه ، به دادگاه

عالی تمیز ارجاع شد .

تا اینجا روتوار ماقطعه دارای یک قهرمان بود . ازینجا به بخش جدیدی میپردازیم ، قهرمان دیگری وارد میدان میشود و بنظرها باشیرین کاریهای خود داستان را جالب تر میکند و آمید است که مطبوعه خواندنگان گرامی مجله ماقعه گردد . ماهم بهمین جهت این ضرب المثل شیرین و پرمعنای فارسی را عنوان فصل جدید قرار میدهد :

د زیده د زد میزند شیطان خنده اش میگیرد — پس از آنکه پرونده قتل به دادگستری و دادگاه عالی تمیز ارجاع شد ، همدستان و هواداران تمیز بدست و بالتفاوت در دادگستری بجستجوی کمکی پرند که بتواند بانفوذ خود حکم اعدام را درست کم به زندان ابد بندیل نماید .

این عنصر بانفوذ با الآخره پیدا شد و چنانکه از گفته های تمیز بر میاید یکی از کارمندان داد دادگستری دادگستری است که بضمون آیه شریفه "تا پول ندهی آش نمیخوی" برای بسم الله الرحمن الرحيم شروع بکار کرد ، در همان طلاقات اول بابهترین دوست و همدم است تمیز ، فی المجلس پنجاه هزار تومان بیحانه گرفت .

ولی شهد الله که حرام خوری نکرد ، فوراً درست بکارش پرونده را ، با وجود تلاش و کیل مقتول در تسریع داد رسی ، ازدم دست دادگاه عالی تمیز دوزکرد . ووقتی در نتیجه این عمل خیر و خدا اپسند آمه مزد دستی که گرفته بود برای این ازشی مادر حلال ترشد آنوقت شروع به بلعیدن آن نمود .

تازه د و سه ماهی بیشترین که پرونده قتل و خود قاتل ، پس از مشقت زیاد یکه در دادگاه نظامی کشیده بودند و خلاصی از ترس و لهره ایکه هر روز جانشان را بلب میسانند ، اولی در رجاه ویل با یگانی دادگستری و دمو در زندان آن ، دمی باستراحت جسم و روح پرداخته بودند ، که روزنامه نویس از خدابی خبری ، بی آنکه علاقه و احترام با اسایش اشخاص موجود ادت اشته باشد ، خود و خواب را برآنها حرام کرد و به وزارت دادگستری اعتراض نمود که چرا آنها را راحت گذاشتند .

فریاد این روزنامه نویس اگر برای راحتی خیال تمیز پرورد اشت در عرض برای کیسه کارمند عالیت به دادگستری ، که متأسفانه نام و نشانش رانمید اینم وازین ببعد اورا داد رس نیکوار یا کارمند عالیت به مینامیم ، بی منفعت نبود . چون دوباره برای لالی گفتن و خواباند ن پرونده پنجاه هزار تومان دیگر بپول پاک و حلال نصیش شد .

خلاصه آنکه خواب واستراحت پرونده در بیانی و محکوم در زندان در مردم پکسال و نیم برای تمیز و همدستانش بجهلی ارزش دار و میلیون و پانصد هزار ریال تمام شد که یک میلیون ریال آنرا خود تمیز و مقیاد و سtan و هوادارانش پرداخته اند .

ولی هر خواهی با الآخره بیداری ای دارد ، مگر هرگز ! این بود که تقریباً چهارماه پیش دادرس نیکوار ، تواسط رابطه که بین او و تمیز بیغا مری میکرد ، خبرد اد که بیش از نمیتواند تلاش و کیل مقتول را برای پیغامبر اند اخترن پرونده خشی کند . از طرف دیگر هنوز وقت آن نرسیده است که پرونده برای حکم قطعی در سترس دادگاه عالی تمیز فرازگیرد . چون هنوز خشم دادگان نظامی از تعوهین و شناس تمیز فرونشسته و همینکه دادگاه عالی تمیز بکار این پرونده بپرسی از از طرف اینها بشدت اعمال نفوذ خواهد شد .

بنابراین دلایل باید بچاره اساسی دست زد . پیشنهاد دادرس نیکوار ، پس از اتمام وکیل زیاد و نظرگیرن کلیه قوانین و رویه های قضائی ، اینسته تمیز در زندان ، باشرکت دوست نفر زدهم مبتاگی که حاضر نقد اکاری برای نجات او هستند ، جنایت دیگری مرتكب شود . البته نه قتل ، اماملا رخم سنگین یا شکم پاره کرد ن سبک که به تلف شدن مضروب نشود . این عمل که در رحله اول غریب و برخلاف اصل منظمه و حتی شاید یوانگی بینظیر ماید در حقیقت در نفعور جارة اصلی است و سیار هم عاقلانه میباشد .

چون البته مرتعین این جنایت را باید میزمحاکم خواهند کشید . در این هیچ شکی نیست . واتفاقاً همین امر کلک بکار است . آنوقت اگر دارنکاب این جنایت تمیز را بود البته دیگر خدای زندگی بخش هم نمیتوانست در برابر تمیز کارزار ایل را با خیر بیند ازد . امداد راین جنایت مرتكب اصلی تمیز نخواهد بود بلکه اوفقط شریک جرم است و شرکتش هم چندان موثر نبوده . باین جهت بنا بر رویه های قضائی شرکت تمیز در محکمه برای تشخیص جرم هر مرتكب ضروریست .

از اینجاد یکروظیه جدید دادرس نیکوار شروع میشود و آن اینسته که محکمه را ، که البته باو

رجوع خواهد شد ، بخواست خد او بیکمل عقل و فحوه و کارکشته خود ، تا هر وقت که لازم باشد ، دو سال ، سه سال ، چهار سال ۰۰۰ کشیده داده و اوه درین دست کی مدد کی زنده ؟ اگر تا آنوقت دنیا آخر نشود دست کم شاید حیری دارد اگر ستری اتفاق بیفتد یا اصلاح زلزله ای به تهران بزند و تمام این پرونده های نیمه کاره را که عمر شان از مرچنار خدابنام از امداد صالح بیشتر است زیر خاک بکند .

شاید بعضی از خواندن گان گرامی مجله مابرای بخت نشایی یانجات از گرفتاری ای به دعوی این رجوع کرد ه باشد . دعوی این هرگز برای رحمت نوشتن داماد نمی خواهد ، همیشه میگوید عافتم است ، ما اینکار را فقط برای خدمت بخواهیم . اما چون دعا را آب زغفران مینویسیم که هیچ وقت پاک نشود خرج زغفرانی پنج تومان میشود .

شیوه داد رسن نیکوکار هم در این مرور ، ولابد در موارد دیگر که خبرنگارها از آنها خبر نداشتند ، همین بود . اور پیغام خود به تیمور این نکته را فرا موش نکرد که او برای خدمت خود هیچ مزدی نمی خواهد ، او این رحمت را فقط برای نجات بند خدای از مرگ حتمی متحصل میشود . اماد مدیگران را باید دید و خرج اینکار را روحله اول سر به د میلیون و پانصد هزار بیال میزند .

این پیغام که به تیمور میرسد او ، بنایگفته های خود ش ، مدتها فرمیکند و تمیز اند با این شرایط مشکل و پر خطر چه کند و چگونه از عهد آنها برباید . اینسته د و ماهی داد رسن کارچاق کن را باید پیشنهاد - های مقابله خود سرمیگرد اند . دو ما هیراهم ، بد و آنکه هنوز از همه جای میوس باشد ، به سکوت میگذراند . تا ببیند چه پیش میاید .

اتفاقاً در راین حیص بیض هیئت د ولت عوض میشود و وزیر جدید داد ستری ، که از موقع تحصیل در انشکده معقول و منقول و حقوق باوکیل مقتول همد وره و دوست بسیار نزد یک بود ه است ، بناید رخواست و پاشنی و کیل مقتول د ستری میدهد که پرونده تیمور افرا بر جایان بیند ازند .

داد رسن نیکوکار هم که گویا ، چنانکه بیشتر خبرنگاران گمان میبرند ، از طرفی از تصمیم تیمور بکلی مایوس شد و انتظار معاذه میگردید و بست تازه برا با میهوده مید اند ، و از طرف دیگر نگارگیر می خواهد شر کار تیمور را از سر در کند ، دیگر هرگونه دخالت ، حتی ماه رانه ترین و پنهانی ترین سوسه د واند را بصلاح کار خود نمی بیند و خبر بر جایان افتادن فهری پرونده راهی به تیمور نمیرساند .

وصیت نامه تیمور - شرح مفصل و صیت نامه د راین چند روزه در همه روزنامه های یومیه در رج شده است و حتی بعضی خبرنگاران مطالب خود با خاطه ای هم به نکته های تیمور افزوده بای بعضی از نکات آنرا حذف کردند . خبرنگار مجله ما ، صرف نظر از طعن و شتم های آبداری که محکوم بصدق اق کلام شیخ اجل سعدی هر که دست از جان پشید هرچه در دل دار بگوید " نثار اولیای محترم شهر ای و داد ستری و سایر مقامات عالیه کرد و همه آنها در روزنامه های مختلف بترتیخ و اواند گان را رسیده است ، سیاری از قته های پراکنده محکوم را ، بد و آنکه هیچ نکته ای غیر واقع بمنفع یا بضرر محکوم بد آن بیفزاید ، تدوین و تنظیم نموده در پیشنهای پیشین ریه ترا ، در کار مطالب مهم دیگری که در صاحبه خود باوکیل مقتول د وستان و آشتیان محکوم یاد داشت کرد و با این پرونده امر بدرست آورد ه ، جای داده است . اینک بدنویسیه و صای و پیغام های تیمور را به دادرس نیکوکار و پیه د وستان و نزد یکان مکحوم میرسانیم :

۱- آن کارمند عالیبوتبه داد ستری که د میلیون و پانصد هزار بیال تیمور و د وستان ش را سرو کیسه کرد ه است بد اند که یاتا سه روز بعد از خبر شدن از این وصیت نامه آن پول را بهمان رایطی که پول را باید داده است پس یید هد یاتا ه روز دیگر روزنامه های مزده تلف شد نش رایمود م خواهند داد .

تیمور در جواب سوال یکی از خبرنگاران که چرا نام این شخص را افسانه نمیکند گفت : آنوقت نیز ش میزند و پول را پس نمیدند ، یک آگاهی هم د روزنامه های مینویسید که من در روند نکته ام آنوقت کی میتواند ثابت کند . من این ارقه های ۰۰۰ را خوب میشناسم . اینطور پنهان است . اگر هم حد ایش ریایا بگوید که تائیین جانی ندارد خود شرا رسوا کرد ه و اگر پول را پس نه دهد اند که زن ووجه اش بعزمیش خواهند نشست . حرفا تیمور برو برگردند اراده .

۲- یک میلیون و پانصد هزار بیال از این پول به د وستانی که این مبلغ را به تیمور وام داده اند برگرد د تا تیمور زیرین هیچ کس نماند .

۳- باقی پول که مال تیمور است به رفیقه اش ریابه واگذار شود . وصیت من به ریابه اینسته از آن کارتمه بکند . پنجاه هزار تومان از این پول جهاز اواشده تا شهر خوی پیدا کند و سروسامانی برای خودش درست کند . از پنجاه هزار تومان دیگریست هزار تومان به مادر اکبر کباده ای ویست هزار تومان به کس و کار مقتول د و برساند و از آنها التمین عاکد تایمیر ابیخشنده و از خدابرا یعنی طلب امریکش کنند . ده هزار تومان دیگرهم خرج بخاک سپرد ن و قاریست که باید یکماه سرگیر فقرای محله راسپر کند . ریابه باید شب چله در مسجد در خانگاه ختم بگیرد و شکم همه فقیر فقرای محله راسپر کند . ریابه باید برای طلب بخشش من از خدا اذرکد که هرشب جمعه به حضرت عبد العظیم برود و برای من ختم بگیرد و دعاخواند . آقایان خیرنگارها از همه شما هم التمین داد ارم . از همه مردم التمین داد ارم . من خلیلی کارهای بد کردم ، خودم هم نمیدانم چرا کردم . از همه خلقی خدالتمن داد ارم که از خدابخواهند گیرد بختی مثل من پیدا نشود .
 (با آنکه نویسنده گان مجله هرگز معتقد نبوده و نویستیم که باد عامیتوان سازمان اجتماع را چنان ترتیبید اذکه تیموری در آن پیدا نشود و ستگاه دادگستری از وجود اشخاصی مانند ادرمنیکوکار پاک گردد ، ولی وظیفه خود را نستیم ، چنانکه خیرنگارها به تیمور قول داده است ، التمین دعاخیرها بخوانند گان گرامی مجله بر سانم)

۴- خواهش دارم اسی (اسمعایل) پالتوی ما به کریم کوره که در زندان است بخشد ، آن بد بخت همه زستان در زندان از رسما سگ لرزمیزند . ساعت هجی مرابع نوان یادگاری خودش بردارد . د کمه سرد سست طلایی ما به حسن دله بده . لباسها و دروند ارم راهم به برو بچه ها قسمت کند . قرمان همه دستان میروم و از همه التمین داد ارم . اگر بد و خوبی از من دیده اند مراجحت کنند . اگر بارگران بودیم اگر نامه رسانی بودیم و رفتیم .

که امیک جنایتکارتر است ؟ - وقتی در اطاف افسرکشیک زندان حال تیمور بهم خورد و اورا به داخل زندان بردند ، بین خیرنگاران روزنامه ها در برایه اینکه از این دو نفر ، یعنی تیمور و کارمند عالیته دادگستری ، که امیک جنایت کارتر است گفت و گو وحشت دید پیش آمد .
 ماه اینکه در پایان ریویات زهین پوشش را لازخوانند گان گرامی میکنیم و پاسخ آنها را هر قدر مفصل باشد روحله درج خواهیم کرد .

یکی د ساعت پس از مرگ تیمور ، همینکه گزارش این پیشاد بوسیله نماینده دادستان که در زندان حاضر بود ، به وزیر ادگستری رسید ، وزیریکی از کارمند این عالیته دادگستری را حضار کرد و با وارد سرور داد تاکمیسیونی به ریاست خود و باشکرکت یکی از افسران کارآزموده راه تجربه شهریانی ، برای مردمی و صیانت نامه تیمور و کشف دستی یاناد رستی گفته های او شکل دهد . هصره همان روز کمیسیون بازرسی جلسه اول خود را که بش از سه ساعت بطول انجام داشت شکل داد . فرد ای آن روز د میلیون و پانصد هزار ریال پول نقد بدست رئیس این کمیسیون به رابط بین او و تیمور پرداخته شد .

کمیسیون بازرسی برای است همان کارمند عالیته مدت ششم ماه هفته ای یکروز بکار خود اد امه داد . در آخرین نشست صور تمجلسی یا مضای اعضا کمیسیون باین مضمون در پرونده بازرسی ضبط گردید : " کمیسیون بازرسی پس از تحقیقات دقیق و همه جانبه باین نتیجه رسید که اتهام و قیحانه تیمور که جنایات بزرگ او معروف خاص و عام است ، کذب محض میباشد و جانی محکوم فقط برای پیاد توهین به وزارت دادگستری ولکه دار ساختن نام کارمند اش را تغفند آن ، همچنانکه پشهادت صور تمجلسی که در پرونده قتل موجود است توهین بزرگی نیز به دادگاه بد وی نظامی رواد اشته ، این دروغ بیش را ساخته است " .

پرونده بازرسی به با یگانی داده شد و کارکمیسیون

ایلات فارس

نوشته: م. س. ایوانف

سال کذ شه فرهنگستان علوم شهروی کتاب‌بالارزش جدیدی به دوستاد اران تاریخ و فرهنگ ایران عرضه داشت.

م. س. ایوانف نویسنده کتاب "ایلات فارس: قشقائی، خمسه، کوه گبلویه، مسمنی" ازدقيق ترین محققان ایران شناس است که بپیزه کتاب "تاریخ انقلاب ایران" اش حاوی نکات گرانبهای درباره کشور ماست. امتیاز اثاثار ایوانف از تکیه او بر موزاین علمی تحلیل تاریخی و مارست خستگی ناپذیر او را درگرد آوری و بررسی استند ناشی می‌شود. کتاب "ایلات فارس" نیز از این دو خصوصیت بهره مند است. مؤلف در رسالهای ۱۹۴۲-۱۹۴۳ در ایران زیسته و سه بار در رسالهای ۱۹۴۷-۱۹۴۶-۱۹۴۵ به فارس سفر کرده است. از اینچه دیر کتاب "ایلات فارس" علاوه بر اینکه مأخذ کثیری مورد استفاده مؤلف قرار گرفته مشاهدات و مطالعات وی در سفر فارس نیز بکمل آمد است.

ایوانف هدف خود را در نگارش کتاب "ایلات فارس" چنین توضیح میدهد:

"باد رنظرداشت اینکه موضوع مذکور سفرنامه و دشوار است وکثر مردم مطالعه قرار گرفته مؤلف اعتقاد نداشت که میتواند مسئله ایلات فارس را بطور کامل روشن گرداند و بهمه مسائل مطروحه پاسخ گوید. هدف مؤلف عبارت بود از اینکه در حد دستند و مأخذی که درست است اوسن مختصراً خصوصیات استان فارس راکه مسکن ایلات مذکور است بیان کند، منشاء ایلات، سازمان، جا و مکان هریک، مشاغل، فرهنگ مادی، ساخته اجتماعی و سیاسی، روابط خانوادگی، فرهنگ معنوی انسانها و همچنین نقش انسانهای رزندگی اجتماعی و سیاسی ایران مود طالعه قرار دهد. درین حال مؤلف عقیده نداشت که میتوان این امر را در روز کلیه ایلات متعدد فارس انجام داد. از اینچه کار خود را به حد و بزرگترین و مهمترین ایلات فارس خمسه، کوه گبلویه و مسمنی محدود ساخت. درین میانه فقط قشقائی‌ها هستند که وضعشان کم و بیش روشن است زیراکه اگاهی مؤلف و مأخذ و استند درباره انسابیش ازدیگران است. در مردم ایلات خمسه، کوه گبلویه و مسمنی به اسنادی که در دسترس مؤلف بوده و غالباً ناکافی است اکتفا شده است" (صفحه ۵۰).

مؤلف اذعان دارد که کتاب حاضر فقط بعنوان نخستین کوششی است که در راه تحقیق و توضیح مسئله بسیار سفرنامه ایلات فارس انجام گرفته است. بسیاری از جنبه‌های مهم این مسئله تاکنون هنوز بخوبی روشن نشده است. دشواری تحقیق این مسئله بپیزه ازان جهت زیاد است که هیچ گونه ارقام و امارد قیقی درباره ایلات وجود ندارد. مهد لک مؤلف عقیده دارد که این کتاب به معین صورت نیز برای کسانی که خواستار اگاهی از ایلات فارس هستند تاحدی سودمند است" (صفحه ۹۰).

ولی مطالعه کتاب نشان میدهد که این اثرا برآورده ته فقط برای کسانی که خواستار اگاهی از ایلات فارس هستند بلکه برای همه دوستاد ایران و پژوهندگان تاریخ و فرهنگ ایران حاوی نکات بسیار سودمندی است. کتاب ایوانف نخستین اثری است که مسائل مربوط به ایلات فارس را بر اساس موزاین علمی تاریخی مطرح کرده است. مطالعه این کتاب بپیزه برای مبارزان راه ازدی و استقلال ایران که طبیعتاً حاصل مسئله شایر اراده ستور کار خود را ازدی بسیار ضروری است.

فصل کتاب

متن کتاب دارای فصول زیرین است:

فصل یکم: فارس (اطلاعات عمومی).

فصل دوم: منشا، جا و مکان، و مشاغل ایلات فارس.

فصل سوم: سازمان اجتماعی و سیاسی ایلات فارس و فرهنگ انها.

فصل چهارم: ایلات فارس در زندگی اجتماعی و سیاسی ایران.

وشايد بتوان فصل سوم راهنمایی و جالب ترین فصل کتاب دانست. خود مُلف هم جای زیادی
بان دارد است. ولی کاش دقت و حوصله بیشتری در تقدیم موضوعات متعدد و گوناگون اند بکار میرفت تا
خوانند و زد تربیت و آنده به مرطابی که مطلوب است دست یابد.

اینکه ما می‌کوشیم که برخی از مسائل عده کتاب را بمنظور خوانند گان گرامی برسانیم.

منشاء ایلات قیاقیل جنوب
مُلف بد رستی روش کسانی را که در مطالعه تاریخ اقوام و ملی ازراه تعصبات ناسیونالیستی بدنبال
نزد خالص می‌وروند و برای ایجاد وحدت نژادی به نیزه و کرد ن پدیده های تاریخ دست میزندند و وجود
اقوام و ملل مختلف را در ایران منکراند مود و مشعارد (صفحه ۳۴). کشور با لاحظ موقعیت جغرافیائی خود
از قدیم ترین زمان کدر کاه اقوام و ممل بیشمarsi بوده و بارها مورد مهاجمت ها و مهاجرت های عظیم قرار گرفته
است. مرد مانی که در این سرزمین میزسته اند در عین حفظ موجود پست خود با این اقوام و ممل در رامیخته و در
هر دو راه کیفیت تازه ای از این در رامیختگی نژادی و فرهنگی بوجود آورد اند. تعقیب تعصبات نژادی و برتری
جوشی های ملتی برملتی دیگر هیچ حاصلی جز زیان بیان خواهد اورد.

کتاب ایوانف ظهیری از رامیختگی اقوام مختلف در راستان فارس بدست میدهد. مثلاً مُلف دفعه
توضیح منشاء قیاقیلهای پس از آنکه عقاید سایه مورخان رامی آورده برا ساس قرآن تاریخی اظهار نظر میکند که "ایلان"
قیاقیلهای رطی تاریخ خود یک قوم یک سنتی که منشاء واحد داشته باشند نبوده اند. اجتماع انها باید روح از
عنصر گوناگونی که منشاء اقوام مختلف داشته اند تشکیل شده است. این عنصر را زمرة مختلف بایان قوی که
بعد ها بنام ایلات قیاقیل نامیده شد پیوسته اند" (صفحه ۳۲).

در عورود ایلات خمسه مینویسد: "ایلات خمسه از لاحظ منشاء" و زیان، گوناگون اند. بهارلو،
اینانلو، و نفر ترک اند. ایل عرب است. ایل باصری بومی و پارسی بنشماری اید" (صفحه ۵۰). "عرهها
در رطی چندین قرن اقامته خود را فراموشیا ایلات محلی در رامیخته و ازانهانه فقط بسیاری از ناصر زبان بلکه
همچنین ادب و رسوم را فراز گرفته اند" (صفحه ۵۴). "برا ساس اطلاعاتی که در دست است میتوان نتیجه
گرفت که باصری ها علی الاصول از ناصرا برانی و عرب بوجود آده اند". زیان انها امیشی از زبان عربی و
فارسی است. (صفحه ۵۰)

در عورود ایل آغاچری: "میرزا حسن فسائی مینویسد که قبیله آغاچری از ترک ها، تاجیک ها (ظاهرها
منظور میان غیرکوچ نشیست) و لرها تشکیل میشود. د موئی هم این نظر را تایید میکند. اقای باور
عقیده دارد که ایل آغاچری و بالا قلبه ایلان از تقیای مغولان جفتگشی هستند که در ۱۹۹ هجری
(۱۳۰۰ میلادی) به فارس امده و در رطی زمان زیان اصلی خویش را فرا موشکردند. اکثر شان
بزیان لری تکلم میکنند..." (صفحه ۶۳).

این نمونه هانشان میدهد که چگونه فسائی مینویسد که در سرزمین ایران زسته اند در رطی
حوادث گذشتند تاریخی یا یک یگرچوش خورد و از اخلاق، رسم، آداب، معتقدات، زیان و فرهنگ یک یگر
اقتباس کردند اند. این اقوام و ملل از ایل تاریخ مشترک اند. در برآرد شمنان مشترک از خود دفاع کردند.
برای ایجاد تدبیر مشرکی یا هم کوشیدند و اوروز بیش از هزار مان به مسکنی نیاز نداشتند.

مسلسل رکشوری که اینهمه اقوام و ملل گوناگون را در رخود پرورد و تفاوت های ملی نمیتواند موجود
نمایند. نادیده گرفتن خصوصیات ملی و محترم ندانشتن اینها را شده دیگر جز تعصب شوینیستی ندارد و غیر از
اینکه بمناقف افتنی در میان اقوام و ملل ایران منتهی گردید حاصل دیگری نخواهد داشت. مصالح همه خلق های
ایران اتفاق میکند که آن اشتراک سروشوشت را که در رطی قرنهای برای اینها بوجود آمد است از این استقرار روابط
برادرانه و شناخت حقوق تمام عیار ملی برای یک یگر تحریکم کنند. مردمی که پیوسته در طول تاریخ در برآرد سوانح
خود رکنند و توانسته اند درست یک یگر اینها باشند اینکه در برآرد شمن سهمگینی جون استعمال را
امپریالیسم و بخاراطر حفظ و تأمین از اراده و استقلال خویش میتوانند و باشد با اتحادی خل خل ناپنگام برد از این
اتحادی که تاریخید ش از برای برای و برادری بافته شد باشد.

وضع طبقاتی در میان ایلات

"تا امروز هم در مطبوعات خارجی باین نظریه بر میخویم که گویا خصوصیت ساختمان اجتماعی ایلات

کوچ نشین د رکشورهای خاورمیانه و از انجمله ایران اینست که در آنچه اختلافات طبقاتی موجود نیست و برابری اقتصادی و اجتماعی وجود دارد (صفحه ۲۹۰) .

در مطبوعات ایران هم باین نکته برمیخوریم که برخی از توییندگان تصویر شاعرانه ای از زندگی عاشایری دارند و آن را میدانند آزادی پهابری میشنارند .

مؤلف کاملاً بد رستی بین نظریه نادرست توجه کرد ، و استنادی در در آن اراده کرد و موجب استناد مذکور " در میان ایلات روابط اجتماعی قبود الی برقرار است . این روابط ترکی است از تقاضای ساختمان پاتریاکال د و مانی و عناصر روابط پهلوی ای که هنوز بصیرت نطفه ای است ... بین تقاضائیها پنج قشر وجود دارد که عبارتست از : خانوارهای لیخان ، کلانترها ، دخداها ، افراد ساده کوچ نشین و قشر پیشتم (و به اصطلاح موخرخان فارسی : طبقه پست) . قشر عالی ایل فقط از اعضاء خانواره خان تشکیل میشود که رو سا کلیه ایلات تقاضائی اند . کلانترهارو سای ایل اند . دخداها در راه واحدهای کوچکتری که میتوان انها را تیوه ناید قرار دارند . کوچ نشینان ساده یعنی عیت هاکشیزترین قشر ایلات هستند . رو سای خانواره های پیزگ کوچ نشینان ساده و ایل روسای چند خانواره را پریش سفید (ای صقل) مینامند . نازل ترین موقعیت اجتماعی موقعيت پیشه وران ، اهمنگان ، نجاران ، سلمانی ها ، طربان و غیره هاست که قشریست ، قشریزون بشمار می ایند . " (صفحه ۸۸)

انه مؤلف نشان میدهد که چگونه عرف وعادت ایلات نگهبان این قشریندی است ، بطوطی که ازد واج افرادی از کشور افرادی از قشد و در خانواره های معینی بایق میماند (صفحه ۹۱) .

تفاوت روابط قبود الی ایلاتی باروابط قبود الی ایلات وسلطه خانها واقیاد کوچ نشینان ساده تاحدی در زیر بصیرت سازمان ایلی و تقاضای پاتریاکال پوشانیده شده است . ما در فصل دوم نشان دادیم که ایلات فارس سازمان د و مانی وایلیاتی خود را حفظ کرد اند ولی این امور میچوچه بان معنی نیست که در ساختمان اجتماعی ایلات فارس تقسیم بندی وجود ندارد . از ساختمان د و مانی و پاتریاکال ایلات فارس فقط تقاضای بر جای مانده است . ایلات مذکور یک رواحد خانی خوشاوند وهمخون نیستند بلکه واحد هائی هستند که در طی تاریخ از عناصر مختلف بوجود آمد و فقط شکل ساختمان ایلیاتی را ظاهر حفظ کرد اند . مدتهاست که در رون ایلات تقسیم بندی طبقاتی بظاهر سید هیزگان ایل بصیرت طبقه قبود ال دراده اند که اعضاء ساده ایل را استعاری کنند (صفحه ۱۰۱) .

مؤلف مالکیت مزارع ، مراتع و دام هاراد رایلات فارس مورد مطالعه قرار داده بذکر استنادی از توییندگان داخلي و خارجي ایران در باره املاک سران قشلاقی میپرسد ازد (صفحه ۸۰) و ازان جله از شماره ۴ اذ ۳۳۷ مجله تهران معمولی میکند که خانواره های قشلاقی میزه دارند و مساحت این املاک باندازه نشوسیوس و بیشتر از این است . شاید این رقم دقیق نباشد ولی در این که سران قشلاقی کی از زیرگترین ملاکان ایران اند تردیدی نمیتوان داشت .

سپس مؤلف مینویسد :

مهمنترین شغل ایلات دامداری است ، و از لحاظ رسمی ، مراتع این بان ایل متعلق بتعام ایل است . اعملاً مراتع نیز را ختیرخان است . ۰۰۰ در ایلات قشلاقی هرسال خان مراتع را تقسیم میکند و قصر میدارد که گله های هر ایل و تیوه در کدام منطقه باید بچراورد . این تقسیم هرساله مراتع برای تا عید این امر است که مراتع مورد استفاده کوچ نشینان ملک خود انتها نیست . و در ساق خان ها هنگام تقسیم عموماً رض معینی هم دریافت میداشند . (صفحه ۸۲) . در اینجا باید گفت که تقسیم هرساله مراتع بخودی خود مؤکد مالکیت خان نیست . این رسم که یاد گاردنیم ترین زمان هاست نشانه مالکیت مشاع مراتع است . ممتنها باگذشت زمان و تعریک درست خان های ایلات انتها از این رسم کهنه برای خود استفاده کرد اند .

" دام ها که سرچشمۀ عده معاش ایلات کوچ نشین اند و مالکیت خصوصی بیزگان ایل و افسر اد آن اند . گفته میشود که یکنفر کوچ نشین براي اینکه بتواند نازل ترین وسائل معاش را برای خانوار خود نمایمین کند باید کمتر از ۱۰ گوسفند نداشته باشد . دوگلستان که در ۱۹۵۰ نزد تقاضائیها باده است مینویسد که در آن سال پزحمت میشد خانواره ای از قشلاقیها را یافت که کمتر از ۱۰ گوسفند داشته باشد . ظاهرا بسا

تعداد کمتر از این نمیتوان معاشر داد ازان راتاً مین کرد ۰۰۰ بزرگترین گله های دام دردست بزرگان این کد خداها، کلانترها و ایلخانان است، بطوری که مطلعان محلی خبر دیده هندر دراویل سال ۴ قرن ۲۰ ناصرخان قشاقی چو برادر شرخسرو قریب ۴۰۲۰ راش دام داشته اند ۰۰۰" (صفحه ۸۳)

از طرف اخوان ها از ساید امد ازان مالیات میکرند و نیز واسطه اخذ مالیات های دولتی هستند.

از نوشته های فوق واضح میشود که "بزرگان ایلات تقریباً حقها کیت برهمه و با قسمت زیادی از زمین های زراعتی را که در منطقه مکوفت و کچ نشینی ایلات قرار دارد درست خود گرفته اند همچنین صاحب اختیار مزارع نیز هستند. تعداد زیادی از ام های متعلق با آنهاست" (صفحه ۸۳)

خان ها فتوح الهای هستند که اثار قرون وسطی در روابط اجتماعی انان بیشتر از سایر قویان الهاست.

برخی از تأثیرات روابط ایلی

معذ لک نویسنده با هشیاری شایسته ای باین نکته توجه کرد "است که وجود روابط ایلی هم برای خان ها وهم برای افراد ساده قبیله موجب اثراتی میکردد که مطالعه انها ضروری است. نویسنده اثرات حمله ایلیان سازمان ایلی را اینطور شرح میدهد:

- ۱- استعمارخواهان از هم قبیله های خود شان در اثر این سازمان روپوشیده میماند.
- ۲- این سازمان باعث میشود که ایلات و خانهای شان در برابر قدرت مرکزی خود مختاری نسبی داشته باشند.

۳- در نتیجه خود مختاری نسبی ایلات، مد اخلة قدرت مرکزی در کارا یالات محدود میگردد.

۴- عوارض و مالیات هایی که سران ایلات از افراد ایل میکرند هر قریب زیاد باشد باز نظر از اینست که مقامات نظامی و زاند امری پیش از جنگ جهانی دوم میگرفتند، در عین حال که هیچکی از اراده و رسوم و سنت های مورد احترام ایل را مراحت نمیکردند. ولی خان هان چاراند که مراعات هائی داشته باشند و برای خود کامگی و استعمار خود حددی قائل شوند.

۵- مصلح بودن افراد ایل نیز تا حدی جلوی تعدیات سران ایل را میگیرد.

۶- مطابق سنن و ادب ایلات، خانهای نمیتوانند فقط بد لخواه خود شان سران بخش های مختلف ایل را عوض کنند. این امر به زیر سلطان هریک از سران و شورای ریش سفید آن نیز وابسته است.

۷- بعلاوه هنوز رزند ایلات اثرا هم سنتی و معاهده تخریش اندی یا باقی است و خان هاد برخی موارد از توسل یا بن ام برای تحکیم قدرت خویش استفاده میکنند. چنانکه خان های قشاقی پس از سقوط رضا شاه و بازگشت خود شان به فارمین جمیع اعانه و کمک برای کوچ نشینان تهیید سنت و زیان دیده بود اختند.

مؤلف از نکات فوق چنین نتیجه گیری یکند:

"دلیل اینه که ایلات کوچ نشین عموماً قدرت خان های خود را برق رست دلت مرکزی ترجیح میدهند همین شرایط و اوضاع و احوال است" (صفحات ۱۰۱-۱۰۲) از اینجنبه تاوقی که چگونگی مالکیت در دهات ایران تغییر نیافرید و دلت دموکراتیکی د مرکز بوجود نیاید تغییر حالت کوچ نشینی ایلات و تحکیم قدرت مرکزی زمینه ای خواهد داشت.

باید گفت که این توجهات مؤلف را می خورد و باشد مطابعه جدی قرار گردید.

و افراد عشاپرای از این توجهات بزرگی است و باشد مطابعه جدی قرار گردید.

نمونه ای از ادب و رسوم و فلکلور ایلات

این قسمت یکی از نمایندهای کتاب "ایلات فارسی" نام است (۱). ادب و رسوم و فلکلور ایلات فارس شاهد دیگری بر این تراجم عمیق فرهنگ ملت هایی است که در سرزمین ایران زیسته و میزیند. در فلکلور قشاقی هم د استان خسرو و شیرین، شیرین و فرهاد و خود ارد و هم د استان محمود و کهرا غلی. شاهنامه در نزد اینها مقام خاص دارد. جشن عروسی اینها برای این پارسیان قدیم است. معتقدات اینها مشلا در مرور د

(۱) در اینجا شاید ذکر این نکته کوچک بی فایده نباشد: مؤلف در همین فصل میگوید که قشاقیها چندان پای بند و ظاغف دینی نمیستند و یکی از شواهدی که می اورد روزه خواری اینها در موقع کوچ است. ولی ظاهر این درست نمیست زیرا که در شرع اسلام برای مسافران راه دراز اصول روزه خواری جائز است.

احترام به آتش، ترسن از آل، پیروی از عطسه وغیره همان است که در سراسر ایران رایج است. افزارهای سیقی
انها مانند کمانچه و تاروچگ همان است که قرن هاد رسرا رسرا رسرا طنین اند اخته است.

موقیت ایلات جنوب در سیاست ایران

مؤلف د ر فعل اخیر کتاب خود نقش مهم ایلات جنوب را در سیاست ایران نشان داده است. او تاریخ
را از خیلی پیش شروع میکند، از جنگ های انگلیس و ایران در ۱۸۵۶-۱۸۵۷، اگه شفاقتیهای راه شیراز ابر قوای
متاجواز از نگرانی میگردند، تا شرکت اینهاد رجبات شرطیت و زد و خورد های صولت الد وله شفاقتیهای بانگلیسها،
تا جنگ های شفاقتیهای با ارتشر رضا شاهی، تا حادث بعد از سوم شهریور، واقعه معیم، ارتباط سران شفاقتی
با آلمان ها، تحریکات امیریا لیست ها و قیام ارتضاعی عشا بر جنوب در رسال ۱۳۲۵، و بالآخره طرفداری
سران شفاقتی از ملی شدن صنایع نفت، وفاداری اینهاد کترصد و پیغام ایلات از طرف رژیم شاه.

حوال دشی که مؤلف در آین فصل بطور اختصار از اینها یاد کرد، بسیار آموخته است. این حادث نشان
میدهد که جگونه امیریا لیست ها از تاخته این روز راه دشمنی باطن پوستان عشا بر راد رسال گرفتند وهمه
و سیله ای - از تهدید و تطمیع نفاق افکنی، تحریک، جلس و زجر و عادم بدست حکومت رضا شاه و محمد رضا شاه -
برای رام کرد ن اینهاد بکار بردند. در حد سال اخیر هر قوت که ناشی ایلات جنوب در سیاست ایران نقش مشتی
نبوده بدن تردید یاد ریشه آن را در رفته های فرینده امیریا لیست ها جستجو کرد. ایلات جنوب ایران
امیریا لیسم اندکستان را زده ها سال پیش سخنی میشناختند ولی برای شناختن فاشیسم هیتلری و امیریا لیسم
امیریا حادث بعد از جنگ دوم جهانی لازم بود. اینکه همه این حادث که هریک حامل صفات بزرگ و در
عین حال سرشوار از جارب گرانهایها است در رابر امیریا مقارد ارد. باید از اینها پند گرفت و باید گذشت که بارد یکر
امیریا لیست هابالایم دیگری در این وقته های اسارت از وجود یادی برای میهن ماطرح کنند.

درجه شرایطی میتوان مسئله ایلات را حل کرد؟

مؤلف کتاب خود را پاسخ این سؤال که در تردید همه محافل سیاسی مطرح است پایان بخشد و میتواند
مانیز معرفی کتاب را باز کرپاسخ وی پایان میبخشم. **مؤلف میتواند:**

"البته موضوع ایلات کوچ نشین و راند اختن تقایق نظام ده مانی و اتیراکال و همچنین تخته
قا پوکرد ن عشا بر مضمون دشواری بزرگی است. این امری خصوص دشوار ایلات ایران دشوار است. در کار تخته قا پو
کرد ن ایلات کوچ نشین و نیمه کوچ نشین فقط وقتی میتوان موفق شد که برای اینها شرایط عادی و مناسبی دارد
زندگی جدید فراهم شده باشد. میان معنی که باید به ایلات کوچ نشین زمین و مساوا افزارهای تولید که برای
اداره اقتصاد تخته قا پو ضروری است واکه ارکرد، مسکن مناسب و قابل سکونت بانهاداد، فرهنگ و پیشداشت
انهار ایلات مین کرد. تخته قا پوکرد ن وقتی باید رسرو با موقیت انجام خواهد گرفت که توده کوچ نشینان و نیمه
کوچ نشینان مطعن شوند که پیش شوهد بد زندگی برای اینها مستلزم مقام و وزنی یائی است و مثل سالهای ۱۳۰۰
قرن بیست برای اینها فقر و محرومیت بیارنخواهد اورد. اماد رشرايط کوتی ایران که اکثریت زمین های زراعتی
متعلق مالکان بزرگ ارضی است که بشیوه های قرون وسطایی با استمرار هفقاتان مشغول اند و هفقاتان را به
زندگی مستعدند و نیم سیزده تلاشته اند این امر تحقق ناپذیر بینظیر میشود. بر شوارهایها و غرنهای های مسئله
عشایر و خانه های قوچ از اینهاد اختن تقایق ایشان را شفعتی از دلیل ازده ایران، ازراه تحولات دموکراتیک
میتوان با موقیت غلبه کرد."

ما موقیت مؤلف را در نگارش اشاره یک ارزومند یم

شوهر آهو خانم

وقتی که شنیدم یکی از نویسنده‌گان پرآوازه "ایران درباره" نویسنده "شوهر آهو خانم" گفته است: "بعد از توشه شدن چنین اثری، ما باید قلم‌ها را زمین بگذاریم" باور نکردم و بنظرم نیامد که کسی با نخستین اثر خود توانسته باشد تا این درجه مورد قبول قرار گیرد. ولی پس از آنکه کتاب بدست مرسد هر چه بیشتر ورق زدم در این عقیده راست شدم که اگر این رمان در نزد مشکل پسند ترین سخن شناسان نیز پرسی نشسته باشد جای شکفتی نیست «اگر جز این باشد جای شکفتی است».

نخستین چیزی که در "شوهر آهو خانم" شما را تسخیر میکند انشا "روان، فصیح، گیرا و پسر" معنای کتاب است که در همه صفحات و در همه زمینه‌ها بچشم می‌خورد: در گفتگوی مردم با یکدیگر، در تحلیل روحیات و توصیف صحنه‌های طبیعی و اجتماعی، انشا "کتاب از اول تا آخر یکدست است". در هیچ جا احساس نمی‌کنید که قلم نویسنده کترین گیری داشته و یا گرفتار تضییق شده است. مثل چشم‌های که برای جوشیدن و نور پاشیدن و صفا بخشیدن بهمیچ گونه دعوی و تکلفی احتیاج ندارد قلم نویسنده میگردد و در یک چشم بهم زدن امواج عبارات سهل و متعصر را روی هم میریزد زبان او برای بیان اوردن لغات شیرین فارسی که اگرچه در نزد همه کس قابل فهم است ولی متأسفانه در اثر رواج توشه های رسمی و سطحی ادبی و سیاسی امروز از یاد رفته و همچنین ضرب المثل های پرمفرزی که جای خود را بتعبرات خشک و خالی ترجمه ای داده است گنجینه "گرانبهایی" است. با خواندن این رمان میتوان دریافت که زبان محواره ای فارسی تا چه پایه زنگاریک و موافن است می‌خوانند این رمان میتوان دید که اکثر نوشته‌های امروزی ما تا چه پایه جامد و بخشتمانه ای، حداد و در دائره "لغات کم شمار" دور از زبان مردم، و خالی از روح زبان فارسی است. نویسنده رمان که با افسانه‌های تاریخی و ادبی ایرانی و اروپایی کاملاً آشناست از آنها برای رثک دادن بتوشه ها و نزدیک ساختن چهره "قهرمانان" کتاب پذهن خواهد گذاشت که از زبان مردم بگیرند و اصطلاحات، ضرب المثل ها، و تحلیل ها و افسانه های ما کوشیده اند که از زبان مردم الهام بگیرند و بتوشه ها، و تحلیل ها و افسانه های توده ای را در آثار خود زنده کنند، و برخی از آنها در این عرصه مقام ارجمندی بدست آورده اند، بیویژه که پیشگام بوده اند. ولی کاپی که نویسنده "شوهر آهو خانم" انجام داده از لحاظ وسعت و عق خود، مرحله بلکه مراطعی از آنها به پیش است. اصولاً تبحر نویسنده در این زمینه خواننده را بشکفتی و میدارد.

محمد علی افغانی هیچگاه نخواسته است از حوادث غریب و نادر برای رونق رمان خویش استفاده کند. او آنقدر را داشته است که عادی ترین سرگذشت ها را به صورت جالب بیارا مید و عرضه بدارد. تمام موضوع کتاب عبارت از زندگی یک مرد ناتوانی دوزنده است (در سال های پیش از شهربیرون ۱۲۰۰ میلیون نفر مانند او در جامعه ایران وجود داشته و دارند). هدف وی تجزیه و تحلیل و نمایش احساسات، افکار و اعمال افراد خانواده "این مرد و اطرافیان اوست. آنچه کتاب را تا این اند از جالب و دلنشیں گردانید مبارز از آشناشی عیق و عجیبی است که نویسنده با زندگی مردم گوناکی جامعه "ما دارد. نکاه موشکافش در همه جا ناگذ است: نه فقط در کوچه و بازار و محافل عسوی، بلکه در خانه ها، در اطاق های در پسته، در پستوه و صندوق خانه ها، در محروم ترین گوشه ها، نویسنده میگوشد و بخوبی از عده برمی آید که قهرمانان کتاب خود را از همه جانب، ظاهر و باطن، و

حتی در ضمیر ناگاه آنها پشناسد و پشناساند ۰

اما "شهر آهو خانم" بهمچوجه در چار چوب زندگی منفرد و کنار افتاده" یک خانواده محدود نیست بلکه آئینه زندگی یک شهر است . این رمان در واقع سر نوشت رقت بار زن ایرانی است . اسارت او، زجر او، بیهودگی زندگی او را نشان میدهد . در عین حال سایر قشرها و طبقات اجتماعی بویز مردم زحمت کش و تهید سرترا نیز زیر نظر دارد . گیرا ترین صحته های فقر و بینوائی و بیخانمانی دهقان و کارگر ایرانی را در رمان "شهر آهو خانم" میتوان دید .

قضايا های عمومی اجتماعی در این کتاب کم است . ولی آنقدر که هست بهبیج وجه رنگ پرده و بیطریفانه نیست . بلکه صریح، پرمغز و پرشور است . این قضاوت ها از زبان قهرمانان کتاب در ضمن گفتکوهای خصوصی آورده میشود اما در واقع خود نویسنده است که سخن میگوید .

محمد علی افغانی یک شاعر حقیقی است . او گاه با قدرت قلم بهترین شب های خیال انگیز "هزار و یک شب" را زنده میکند . توصیف هایش از مجالسیزم و حال، از سحر الحان موسیقی، از زمزمه" جویبار، از زیبا شی های یک گلدان مهجو در اطاق تا دلفیی های باخ و بوستان، تا چشم اند ازهای کوه و دشت بیکران، از عشهه گردی های زن چادری تا طنایز های زن امرزوی، فقط از یک دل شاعرو زنده بعشق میتواند سر چشمه گرفته باشد .

رمان "شهر آهو خانم" بد وستاران زیان و ادبیات فارسی مژده میدهد که یک نویسنده" قدر اول، یک قریحه درخشان و نوید بخش و راه گشای سر منزل جدید قد مبصره نهاده است .

البته این نخستین اثر محمد علی افغانی خالی از عیب و نقص نیست . مهمترین عینی که در آن بچشم میخورد بین توجهی کامل به اندیشه و لکتار قهرمانان است که قاعداً باید گوشاگون و مناسب با وضع اجتماعی هر یک از انها باشد . در این رمان مطلع فکر و بیان همه" قهرمانان تقریباً یکی است و در واقع خود نویسنده بجای همه" آنها حرف میزند و قضاوت میکند . یک زن چادری بیسواند که دره بزرگ شده و از مرز کرامنشاه آنسویی نرفته است تا گهان در میان سخنان ساده و بی پرایه خود بپردازد کلمات شسته و رفته ادبی و حتی اصطلاحات فلسفی و اجتماعی و نقل حوار ثاریخی میبرد ازد . بحث بین نانواهای کرامنشاه ناکهان و در عین تعجب شما بیک بحث محققه و فیلسوف مایانه تبدیل میشود .

البته گفتگوها بخودی خود شیرین و دلپذیر است ولی وقتی که باد هن گویند گان مناسبتی ندارد طبیعتاً ساختگی و غیرطبیعی جلوه میکند .

نویسنده با استادی از عهد شان دادن فوت و فن های دلبری و نیزگ بازی های همساو آشفتگی های عشق پرانه سر سید میران برآورده است اما بینظیر مرسد که کم کم نوع اراثش و ریزه کاری های زیبائی هماز حدود زن یک نانوای کرامنشاهی و همچنین ظرافت های عمق بازی سید میران از حدود روحیات پرمردی از مردم کوچه و بازار خارج شده است .

اما مید واریم ویلین داریم که محمد علی افغانی باد رنگرگفتگو انتقاد اتی که به "شهر آهو خانم" وارد است و از این تقابل این خواهد توانست آثار درخشند تری از کارد راورد .

احمد قاسمی

۲ مهرماه ۱۳۴۱

